



# مدرس‌ان شریف

## فصل اول

### «مقدمه تجارت بین‌الملل»

#### درسنامه (۱): مفهوم تجارت بین‌الملل



اقتصاد بین‌الملل در مورد وابستگی متقابل اقتصادی و مالی میان کشورها بحث می‌کند و همچنین به بررسی جریان کالاها و خدمات، جریان پرداخت‌های پولی بین یک کشور با سایر کشورهای جهان و سیاست‌هایی که جریان فوق را تنظیم و هدایت کرده و نیز تأثیر این جریان بر رفاه کشور می‌پردازد. این وابستگی متقابل اقتصادی و مالی بین کشورها از روابط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی موجود متأثر شده و متقابلاً بر آنها تأثیر می‌گذارد. به طور دقیق‌تر اقتصاد بین‌الملل درباره نظریه‌ی تجارت بین‌الملل، نظریه‌ی سیاست تجارت بین‌الملل (سیاست‌های بازرگانی)، تراز پرداخت‌ها، بازارهای ارز خارجی و اقتصاد کلان باز (تعدیل تراز پرداخت‌ها) صحبت می‌کند. نظریه تجارت بین‌الملل (International Trade Theory) اساس و منافع ناشی از تجارت را بررسی می‌کند. سیاست تجارت بین‌الملل دلایل و آثار محدودیت‌ها و موانع تجاری را بررسی می‌کند. تراز پرداخت‌ها، کل دریافت‌های یک کشور از بقیه کشورهای جهان و کل پرداخت‌های کشور به سایر کشورهای جهان را اندازه‌گیری می‌کند و بازارهای ارز خارجی فضایی مناسب برای مبادله پول ملی یک کشور با پول کشورهای دیگر را فراهم می‌کند.

نظریه تجارت بین‌الملل و نظریه سیاست بین‌الملل (سیاست‌های بازرگانی) جنبه‌های خرد اقتصاد بین‌الملل را تشکیل می‌دهند؛ زیرا با کشورها همانند اشخاص و واحدهای منفرد رفتار می‌کند و با قیمت‌های نسبی کالاهای منفرد مواجه است. از سوی دیگر از آنجا که تراز پرداخت‌ها، سیاست‌های تعدیل تراز پرداخت‌ها و سایر سیاست‌های اقتصادی در مجموع بر سطح درآمد ملی و سطح عمومی قیمت‌های یک کشور اثر می‌گذارد، جنبه کلان اقتصاد بین‌الملل (مالیه بین‌الملل) را تشکیل می‌دهد.

بنابراین اقتصاد بین‌الملل متشکل از دو بخش است:

- ۱- تجارت بین‌الملل
- ۲- مالیه بین‌الملل

#### کلمه مثال ۱: کدام عبارت در خصوص اقتصاد بین‌الملل نادرست است؟

- (۱) اقتصاد بین‌الملل در مورد وابستگی متقابل اقتصادی و مالی میان کشورها بحث می‌کند.
- (۲) نظریه تجارت بین‌الملل و نظریه سیاست بین‌الملل جنبه‌های کلان اقتصاد بین‌الملل را تشکیل می‌دهند.
- (۳) سیاست تجارت بین‌الملل دلایل و آثار محدودیت‌ها و موانع تجاری را بررسی می‌کند.
- (۴) نظریه تجارت بین‌الملل اساس و منافع ناشی از تجارت را بررسی می‌کند.

پاسخ: گزینه «۲» نظریه تجارت بین‌الملل و نظریه سیاست بین‌الملل (سیاست‌های بازرگانی) جنبه‌های خرد اقتصاد بین‌الملل را تشکیل می‌دهند؛ زیرا با کشورها همانند اشخاص و واحدهای منفرد رفتار می‌کند. جنبه‌های کلان اقتصاد بین‌الملل را مالیه بین‌الملل می‌نامیم.

#### کلمه مثال ۲: کدام یک از موضوعات اصلی در تجارت بین‌الملل است؟

- (۱) علت تجارت کشورها و سود کسب شده توسط آنها
- (۲) اثر تجارت سودمند بر توزیع درآمد
- (۳) اتحادیه‌های اقتصادی
- (۴) همه موارد

پاسخ: گزینه «۴» موضوعات اساسی در تجارت بین‌الملل عبارتند از:

- (الف) علت تجارت کشورها و سود کسب شده از تجارت برای کشورها
- (ب) اثر تجارت سودمند بودن بر توزیع درآمدها
- (ج) اتحادیه‌های اقتصادی و تجاری



# مدرسان شریف

## فصل دوم

### «قانون مزیت نسبی»

#### درسنامه (۱): نظریات اولیه تجارت بین الملل



این فصل را با نظریه محض تجارت بین الملل و قانون مزیت نسبی آغاز می‌کنیم. نظریه مزیت نسبی هنوز هم به عنوان یکی از مهمترین قوانین اقتصادی با فواید و کاربردهای علمی بسیار محسوب می‌شود. قانون مزیت نسبی سنگ بنای نظریه محض تجارت بین الملل بوده و ضروری است قبل از بررسی سایر نظریات به طور کامل به بررسی آن بپردازیم.

در ابتدا به بررسی و مطالعه نظریات سوداگران (مرکانتلیست‌ها) می‌پردازیم؛ سپس درباره نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت بحث می‌کنیم و در نهایت نظریه دیوید ریکاردو است که منافع حاصل از تجارت را با توجه به قانون مزیت نسبی در یک الگو بررسی می‌کند. قانون مزیت نسبی ریکاردو براساس نظریه ارزش کار که در سال‌های بعد مردود شناخته شد بنا شده است. به همین دلیل قانون مزیت نسبی را براساس نظریه هزینه فرصت که در منحنی‌های تبدیل و منحنی امکانات تولید انعکاس می‌یابد توضیح می‌دهیم.

#### تجارت براساس دیدگاه سوداگران

طی قرون هفدهم و هجدهم میلادی، گروهی از بازرگانان، بانکداران و مقامات دولتی، مقالات بسیاری در حمایت از تجارت بین الملل تحت یک دیدگاه اقتصادی به نام سوداگری (مرکانتلیسم) انتشار دادند.

سوداگران اعتقاد داشتند که یک کشور در صورتی می‌تواند ثروتمندتر و قدرتمندتر شود که صادراتش بیشتر از واردات باشد. در این صورت مازاد خود را به صورت افزایش در ذخایر فلزات گران بها به خصوص طلا و نقره نگهداری می‌کند. هر چقدر طلا و نقره در دست یک کشور بیشتر باشد، قدرت و ثروت بیشتری برای آن کشور به ارمغان می‌آورد، در نتیجه تمام تلاش دولت‌ها باید صرف تشویق صادرات و محدود کردن واردات (به خصوص واردات کالاهای لوکس و قیمتی) شود. طلا و نقره بهترین شکل ثروت اقتصادی از نظر سوداگران است. چرا که دولتمردان با داشتن طلای بیشتر می‌توانند ارتش‌های بزرگ‌تر و بهتری را تدارک ببینند، و در نتیجه کشورهای بیشتری را تحت سلطه خود درآورند. علاوه بر این طلای بیشتر به معنی پول بیشتر در گردش (سکه‌های طلای بیشتر) و افزایش فعالیت تجاری است و بالاخره با تشویق صادرات و محدود کردن واردات دولت می‌تواند اشتغال و تولید ملی را افزایش دهد.

در حالی که امروزه ثروت یک ملت بر اساس ذخایر انسانی و منابع طبیعی موجود برای تولید کالا و خدمات اندازه‌گیری می‌شود. هر چقدر این منابع مفید بیشتر باشند، کالا و خدمات تولید شده برای تأمین نیازهای مردم بیشتر است و در نتیجه سطح استاندارد زندگی مردم بالاتر خواهد بود.

سوداگران به نظریه مقداری پول معتقد بودند. در آن زمان پول رایج طلا و نقره یا به صورت آلیاژی از طلا و نقره بود. در نتیجه با افزایش ذخایر طلا و نقره، حجم عرضه پول افزایش می‌یابد (با توجه به فرمول  $M.V=P.Q$ ) و در نتیجه امکان گسترش مبادلات و تولیدات و اشتغال در درون یک کشور نیز افزایش می‌یابد.

**نکته:** در مورد نظریات سوداگران توجه به این نکته مهم است که از نظر آنها همه کشورها نمی‌توانند به طور همزمان مازاد تجاری

مثبت داشته باشند و یک کشور تنها به ضرر سایر کشورها می‌تواند منفعت کسب کند. از این نظر سوداگران به «ناسیونالیسم اقتصادی»

تعبیر می‌شود.

به همین دلیل بود که سوداگران فرایند تجارت بین الملل را نوعی «بازی جمع صفر» می‌دانستند. «بازی جمع صفر» یکی از ابتدایی‌ترین و ساده‌ترین تئوری‌ها در اقتصاد است، چرا که تجارت یک عرصه مبارزه است و در آن یک طرف فقط با زبان طرف دیگر می‌تواند کسب ثروت کند و قدرتمندتر شود. آنها بهترین راه کسب قدرت و ثروتمندتر شدن را دخالت کامل دولت می‌دانستند و از کنترل شدید دولت بر تمام فعالیت‌های اقتصادی طرفداری می‌کردند و یکی از راه‌های دخالت دولت را بستن تعرفه‌های سنگین بر کالاهای وارداتی می‌دانستند.



# مدرس‌ان شریف

## فصل سوم

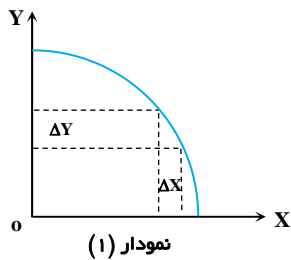
### «نظریه معمول تجارت بین‌الملل»

#### درسنامه (۱): مفهوم تعادل در غیاب تجارت



در این فصل الگوی ساده تجارت را به یک الگوی تجارت واقعی‌تر تحت هزینه‌های فرصت فزاینده گسترش می‌دهیم. سلیقه‌ها و ترجیحات را به کمک منحنی‌های بی‌تفاوتی معرفی می‌کنیم. سپس به بررسی این مسئله خواهیم پرداخت که چگونه نیروهای عرضه و تقاضا در غیاب تجارت قیمت نسبی تعادلی کالا در هر کشور را تعیین می‌کنند. با تعیین قیمت نسبی مشخص می‌شود که هر کشور در تولید چه کالایی مزیت نسبی دارد.

#### منحنی امکانات تولید با هزینه‌های فرصت فزاینده



منظور از هزینه‌های فرصت فزاینده این است که یک کشور باید مقادیر بیشتر و بیشتری از یک کالا را از دست بدهد تا منابع کافی برای تولید هر واحد اضافی از کالای دیگر فراهم شود.

در حالت هزینه‌های فرصت ثابت منحنی امکانات تولید خط راست بود. شیب منحنی امکانات تولید، نرخ نهایی تبدیلی نام دارد (MRT). نرخ نهایی تبدیلی کالای X برای Y نشان‌دهنده مقادیری از کالای Y است که یک کشور برای تولید یک واحد اضافی از کالای X، باید از دست بدهد. بنابراین MRT یا نرخ نهایی تبدیلی نام دیگر هزینه فرصت کالای X است که با شیب منحنی امکانات تولید در هر نقطه برابر است.

خطی بودن منحنی امکانات تولید به معنای هزینه‌های فرصت ثابت تولید کالای X در هر سطح دلخواه از تولید است. در این صورت شیب منحنی امکانات تولید هم (MRT) مقدار ثابتی خواهد بود. نکته اصلی این است که هزینه‌های فرصت فزاینده چگونه ایجاد می‌شوند. هزینه‌های فرصت فزاینده به دلایل زیر به وجود می‌آید:

(۱) عوامل تولید همگن نیستند، یعنی نیروی کار می‌تواند کارایی متفاوتی داشته باشد.

(۲) عوامل تولید در همه کالاها به یک نسبت به کار نمی‌روند، به عبارتی جانشین شدن نیروی کار و سرمایه به صورت کامل نیست.

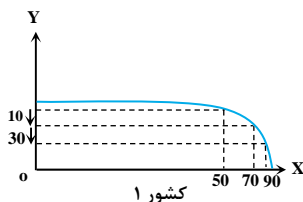
وقتی یک کشور از کالایی بیشتر تولید می‌کند به تدریج مجبور است از منابعی که کارایی کمتری دارند یا برای تولید چندان مناسب نیستند، استفاده کند؛ در نتیجه این کشور باید مقادیر بیشتر و بیشتری از کالای دوم را از دست بدهد تا منابع کافی برای تولید یک واحد اضافی از کالای اول فراهم شود.

**نکته ۱:** تفاوت در شکل منحنی‌های امکانات تولید دو کشور به علت تفاوت در منابع و عوامل در دسترس دو کشور و یا تکنولوژی‌های متفاوتی است که دو کشور در تولید استفاده می‌کنند.

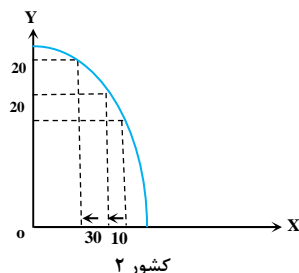
چنانچه عرضه منابع تولید یا تکنولوژی در طول زمان تغییر کند، منحنی‌های امکانات تولید کشور جابه‌جا می‌شود.

در شکل زیر دو نوع منحنی امکانات تولید برای دو کالای X و Y وجود دارد. هر کدام از نمودارها مربوط به یک کشور خاص است:

کشور ۱ برای تولید هر ۲۰ واحد اضافی از کالای X باید مقادیر بیشتری از کالای Y را از دست بدهد. کشور ۲ هم مجبور است برای به دست آوردن هر ۲۰ واحد اضافی کالای Y، مقادیر بیشتر و بیشتری از کالای X را از دست بدهد.



نمودار (۲)





# مدرس‌ان شریف

## فصل چهارم

### «تقاضا، عرضه، منحنی‌های پیشنهاد، رابطه مبادله»

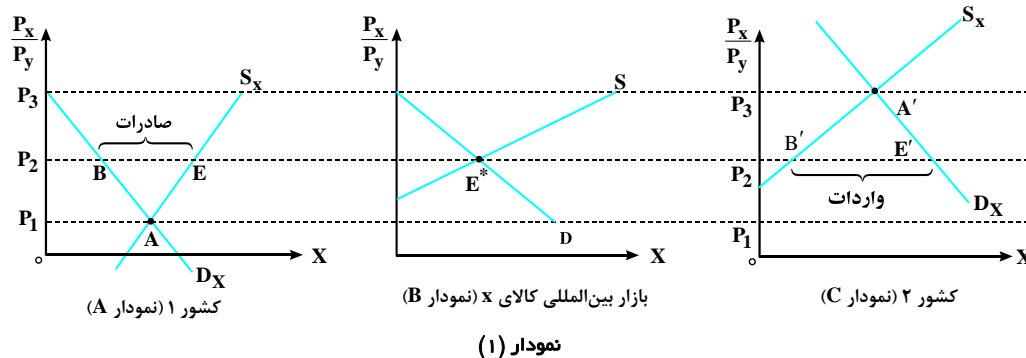
#### درسنامه (۱): استخراج منحنی پیشنهاد



در این فصل یک روش نظری دقیق‌تر جهت تعیین قیمت نسبی تعادلی کالا ارائه می‌کنیم. بحث تعادل جزئی را با استفاده از منحنی‌های عرضه و تقاضا شروع می‌کنیم. سپس با استفاده از تعادل عمومی و منحنی‌های پیشنهاد در تعیین قیمت نسبی، یک مدل ارائه خواهیم کرد.

#### قیمت نسبی تعادلی کالا با استفاده از تجزیه و تحلیل تعادل جزئی

با استفاده از نمودارهای زیر قیمت نسبی تعادلی کالای  $X$  و مقدار تعادلی کالای  $X$  را بین دو کشور ۱ و ۲ به دست می‌آوریم. منحنی‌های  $S_X$  و  $D_X$  منحنی‌های عرضه و تقاضای کالای  $X$  در دو کشور ۱ و ۲ می‌باشند. محورهای عمودی در هر سه نمودار قیمت نسبی کالای  $X$  را اندازه‌گیری می‌کنند  $(\frac{P_X}{P_Y})$ ، یعنی  $\frac{P_X}{P_Y}$  یا مقداری از کالای  $Y$  که یک کشور برای تولید یک واحد بیشتر از کالای  $X$ ، باید از دست بدهد و محورهای افقی هم مقادیر کالای  $X$  را نشان می‌دهند.



همان‌طور که از نمودارها مشخص است، براساس منحنی‌های عرضه و تقاضای کالای  $X$  در کشور ۱ و ۲، در غیاب تجارت، کشور ۱، در نقطه  $A$  با قیمت نسبی  $P_1$  به تولید و مصرف کالای  $X$  می‌پردازد و کشور ۲ هم در نقطه  $A'$  با قیمت نسبی  $P_3$  به تولید و مصرف کالای  $X$  می‌پردازد. بنابراین طبیعی است که کشور ۱ در تولید و صدور کالای  $X$  نسبت به کشور ۲ از مزیت نسبی برخوردار است. حال اگر تجارت آزاد وجود داشته باشد، با فرض اینکه هر دو کشور بزرگ باشند، قیمت نسبی کالای  $X$  بین  $P_1$  و  $P_3$  قرار می‌گیرد. در قیمت‌های بیشتر از  $P_1$ ، کشور ۱، بیش از تقاضا یا مصرف خود از کالای  $X$  تولید کرده و مازاد تولید یا عرضه خود را صادر می‌کند. از طرف دیگر در قیمت‌های کمتر از  $P_3$  در کشور ۲، تقاضا بیش از تولید کالای  $X$  است. در نتیجه مازاد تقاضا یا کمبود عرضه خود را از کشور ۱ وارد می‌کند. در قیمت  $P_2$  مقدار تقاضای کشور ۲ برای واردات کالای  $X$  ( $B'E'$ ) با مقدار عرضه یا صادرات کشور ۱ از کالای  $X$  ( $BE$ ) برابر است. این مقدار از تقاطع منحنی‌های عرضه و تقاضا در بازار جهانی مشخص می‌شود، در نتیجه  $P_2$  قیمت نسبی تعادلی کالای  $X$  پس از تجارت است.



# مدرس‌ان شریف

## فصل پنجم

### «گذشت عوامل تولید و نظریه هکشر – اوهلین»

#### درسنامه (۱): مبانی نظریه هکشر – اوهلین



نظریه هکشر – اوهلین به این سؤال می‌پردازد که مزیت نسبی چگونه به وجود می‌آید و تأثیرپذیری درآمد عوامل تولید در صورت وجود تجارت بین‌الملل، در اقتصاد چگونه است؟ با ارائه یک مثال، به توضیح این نظریه می‌پردازیم:

کشورهای چین، هندوستان، بنگلادش، پاکستان و اندونزی، نیروی کار غیرماهر فراوان دارند. کشورهای ژاپن، آلمان، بلژیک و نروژ کالاهای سرمایه‌ای به وفور دارند. کشورهای سوئد، کانادا، برزیل جنگل‌های زیادی دارند. عربستان، کویت، ایران و ونزوئلا، نفت بسیار دارند. می‌خواهیم با استفاده از نظریه هکشر – اوهلین (H – O) به این موضوع بپردازیم که وفور عوامل تولید در این کشورها، چه اثری بر روند تجارت و جهت تجارت دارند.

در واقع باید انتظار داشت کشورهایی که کالاهای سرمایه‌ای فراوان دارند، کالاهای سرمایه‌بر صادر کنند؛ مانند آهن، فولاد، اتومبیل، هواپیما، کامپیوتر و سایر کالاهای صنعتی. همچنین کشورهایی که نیروی کار فراوان دارند، می‌توانند کالاهای کاربر صادر کنند. از طرفی کشورهای نفت‌خیز، به صدور نفت و کالاهای پتروشیمی می‌پردازند.

با استفاده از مدل (H – O) می‌توان بیان داشت که باید چنین چیزی را از کشورهای مختلف انتظار داشته باشیم. دلیل این امر تأکید مدل (H – O) بر روی وفور عوامل تولید است. به عبارت دیگر با تکیه مدل (H – O) بر وفور نسبی عوامل تولید، نظریه مدوری داریم تا به الگوی تجارت پی ببریم. به علاوه مدل (H – O) به ما این توانایی را می‌دهد تا اثرات تجارت بر توزیع درآمد را مورد مطالعه قرار دهیم.

با استفاده از مدل (H – O) می‌توان تشخیص داد در داخل هر کشور، کدام گروه اقتصادی از تجارت سود برده و کدام گروه با زیان مواجه می‌شود.

مدل هکشر – اوهلین براساس ۲ تعریف و ۵ فرض استوار است؛ البته به جز ۵ فرض ارائه شده توسط خود هکشر و اوهلین، دیگران نیز فرضی را به این مدل اضافه کرده‌اند که به ترتیب در ادامه می‌آید.

#### کج مثال ۱: تأکید مدل (H – O) بر روی وفور چه عواملی است؟

(۱) عوامل تولید (۲) عوامل هزینه (۳) عوامل مصرف (۴) عوامل درآمد

پاسخ: گزینه «۱» تأکید مدل (H – O) بر روی وفور عوامل تولید است؛ با تکیه مدل (H – O) بر روی وفور عوامل تولید مدل مدوری داریم تا به الگوی تجارت پی ببریم. از طرفی می‌توان اثرات تجارت بر توزیع درآمد را مورد مطالعه قرار داد.

#### کج مثال ۲: با استفاده از مدل (H – O) کدام موضوع را می‌توان تشخیص داد؟

- (۱) در داخل کشور، کدام گروه اقتصادی از تجارت سود می‌برد.
- (۲) در داخل کشور، کدام گروه اقتصادی با زیان مواجه می‌شود.
- (۳) در خارج کشور، کدام گروه اقتصادی از تجارت سود می‌برد.
- (۴) گزینه‌های ۱ و ۲

پاسخ: گزینه «۴» با استفاده از مدل (H – O) می‌توان تشخیص داد کدام گروه اقتصادی در داخل هر کشور از تجارت سود می‌برد و کدام گروه اقتصادی زیان می‌بیند. آنچه مهم است، این است که گروه‌های مربوط به داخل هر کشور را مورد مطالعه قرار دهیم.



# مدرس‌ان شریف

## فصل ششم

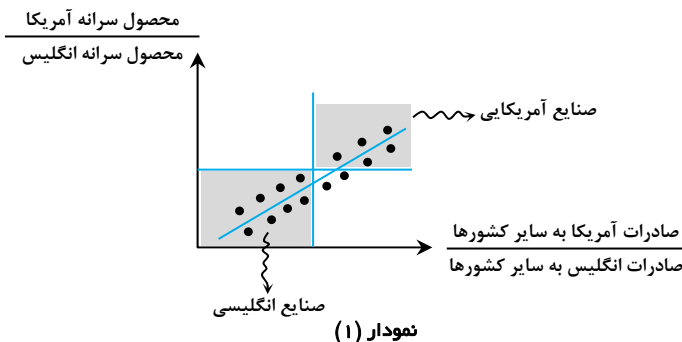
### «آزمون‌های تجربی و نظریات تکمیلی تجارت»

هرچه تجربیات دنیای واقعی با نظریات و تئوری‌های عرضه شده از سوی صاحب‌نظران اقتصادی انطباق و هماهنگی بیشتری داشته باشد، با ثابت بودن سایر شرایط، استنباط بر آن است که آن نظریه از اعتبار و صلاحیت بیشتری برخوردار است. به این معنی که با اعتماد بیشتری می‌توان براساس آن نظریه اقدام به پیش‌بینی روندهای مختلف در دنیای واقعی کرد و سیاست‌های اقتصادی را بر مبنای آن‌ها تنظیم نمود. در این قسمت مطالعات تجربی صورت گرفته در مورد نظریه تجاری دیوید ریکاردو و نظریه هکشر - اوهلین را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### درسنامه (۱): مطالعه تجربی نظریه دیوید ریکاردو



#### نظریه دیوید ریکاردو



برای بررسی صحت نظریه ریکاردو، دانشمندی به نام مک دوگال اقدام به بررسی ۲۵ وضعیت صنعت در کشور آمریکا و انگلستان کرده و وضعیت بهره‌وری نیروی کار در آمریکا و انگلستان را برای سال ۱۹۳۷ مورد توجه قرار داد. وی در بررسی خود متوجه شد که در سال مذکور به طور متوسط دستمزد نیروی کار در آمریکا حدوداً دو برابر دستمزدها در انگلستان بوده است.

بنابراین چنانچه در برخی از صنایع بهره‌وری نیروی کار در آمریکا بیش از دو برابر بهره‌وری در انگلستان باشد، در آن صورت هزینه تولید آن صنایع در آمریکا نسبت به انگلستان کمتر بوده و طبق نظریه ریکاردو انتظار می‌رود که کشور آمریکا در آن صنایع از مزیت نسبی برخوردار باشد. در حالت تعادل، چنانچه بهره‌وری نیروی کار در برخی از صنایع انگلستان بیش از منفعت بهره‌وری آن در آمریکا باشد، کشور انگلستان در آن دسته از صنایع از مزیت نسبی برخوردار خواهد بود. چنانچه نظریه ریکاردو صحت داشته باشد، انتظار بر آن است که صادرات آمریکا در صنایع برخوردار از مزیت نسبی در مقایسه با انگلستان بیشتر باشد.

«مک دوگال» در بررسی خود فرض می‌کند که آمریکا و انگلستان هیچ نوع صادراتی به یکدیگر نداشته باشند و فقط صادرات آنها به سایر کشورهای جهان سوم صورت پذیرد. این فرض با توجه به حدود ۵% بودن صادرات آمریکا به انگلستان و همچنین صادرات انگلستان به آمریکا وجود تعرفه‌ها و محدودیت‌های بازرگانی بین این دو کشور، به نحوی که اختلاف در قیمت نسبی کالا بین انگلستان و آمریکا در سال مورد نظر به طور محسوسی نباشد، همچنین برخورداری از ساختار تعرفه‌ای و گمرکی مشابه در آمریکا و انگلستان در ارتباط با سایر کشورهای جهان، چندان فرض محدود کننده و تورم‌زایی نخواهد بود.

با توجه به فروض یاد شده بالا، مک دوگال اقدام به محاسبه نسبت محصول سرانه در آمریکا به محصول سرانه در انگلستان و نیز نسبت «صادرات آمریکا به سایر کشورها»، به «صادرات انگلستان به سایر کشورها» برای ۲۵ صنعت مذکور کرد و مشاهده نمود که یک ارتباط مثبت معنی‌دار بین این دو متغیر در سال مورد نظر وجود داشته است. به این معنا که به طور متناسب با افزایش بهره‌وری نیروی کار در صنایع آمریکا نسبت به انگلستان شاهد افزایش «صادرات آمریکا به سایر کشورها» نسبت به «صادرات انگلستان به سایر کشورها» بوده‌ایم.

تحقیقات «بالسا» و «اشترن» در سال‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ نیز نتایج تقریباً مشابهی با مطالعات مک دوگال داشته است و به این ترتیب در مطالعات آن‌ها هم به رغم وجود تفاوت‌هایی در ملاحظات سیاسی و سیاست‌های بازرگانی و اقتصادی، نظریه دیوید ریکاردو توسط تجربیات دنیای واقعی مورد تأیید قرار گرفته است.



# مدرس‌ان شریف

## فصل هفتم

### «رشد اقتصادی و تجارت بین‌الملل»

در این فصل به بررسی آثار تغییر در موجودی عوامل تولید بر پیشرفت فنی و تکنولوژی بر روی الگوی تجارت مابین کشورها می‌پردازیم. انتظار می‌رود تغییرات تکنولوژی و موجودی عوامل تولید به همراه تغییر در سیستم‌ها و ترجیحات بتواند سمت عرضه و حجم تجارت و منافع مربوط به تجارت را تحت تأثیر قرار دهد.

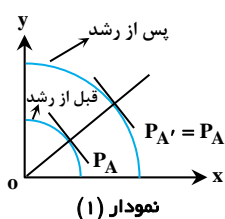
در ابتدا به بررسی چگونگی تأثیرپذیری عوامل مؤثر بر الگوی تجارت در نتیجه تغییر در موجودی عوامل یک کشور و همچنین رشد تکنولوژی پدید آمده در آن کشور خواهیم پرداخت و سپس به تحلیل آثار این عوامل بر الگوی تجارت به طور مشخص می‌پردازیم.

### درسنامه (۱): رشد موجودی عوامل تولید و الگوی تجارت



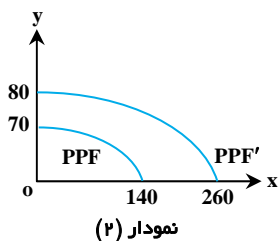
#### رشد عوامل تولید و منحنی امکانات تولید

برای بررسی چگونگی تأثیرپذیری عوامل مؤثر بر تجارت در نتیجه رشد موجودی عوامل تولید در یک کشور، در ابتدا فرض می‌کنیم که قبل و پس از رشد هر عامل تولید، همچنان عوامل تولید همگن بوده و کاملاً مشابه هستند. به علاوه فرض می‌کنیم که برآیند تولید در کشورها برای همه کالاها مشروط به بازدهی ثابت نسبت به مقیاس است. برای بررسی این امر با توجه به این فروض می‌توان سه حالت زیر را در نظر گرفت.



**حالت اول:** چنانچه هر دو عامل تولید (نیروی کار و سرمایه) با یک نسبت در کشور مورد نظر افزایش یابند، مثلاً چنانچه فرض کنیم نیروی کار و سرمایه در کشور مورد نظر دقیقاً به میزان ۲ برابر افزایش یابند، در این شرایط می‌توان نشان داد که منحنی امکانات تولید در کشور مزبور کاملاً به طور متناسب به سمت بالا و راست انتقال خواهد یافت به نحوی که در سهمیه نقاط منحنی امکانات تولید جدید شیب نقاط تقاطع خط واصل از مبدأ مختصات با منحنی امکانات تولید قدیم و جدید دقیقاً با یکدیگر مساوی باشند و لذا قیمت نسبی ثابت خواهد ماند.

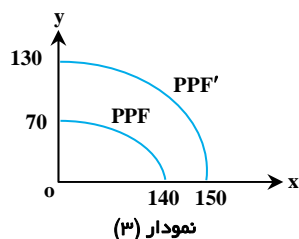
**حالت دوم:** حال چنانچه فرض کنیم که صرفاً نیروی کار در کشور مورد نظر مثلاً به میزان دو برابر افزایش یابد، در این شرایط انتظار می‌رود تا تولید کالای کاربر به میزان بیشتری نسبت به کالاهای سرمایه‌بر افزایش یابد.



نمودار مقابل نشان‌دهنده چنین وضعیتی است. همان طور که در نمودار مشخص است هر چند پس از دو برابر شدن نیروی کار در اقتصاد تولید کالای X (یعنی کالای کاربر) افزایش یافته است، اما این افزایش کمتر از دو برابر است؛ زیرا در این شرایط فرض شده است که موجودی سرمایه ثابت است و لذا طبیعی است که نسبت  $\frac{K}{L}$  پس از دو برابر شدن نیروی کار بدون تغییر باقی نماند و در

حقیقت انتظار بر آن است که نسبت  $\frac{K}{L}$  کاهش یافته و در نتیجه سطح تولید کالای X کمتر از دو برابر افزایش خواهد یافت.

**حالت سوم:** چنانچه فرض کنیم که صرفاً سرمایه در اقتصاد دو برابر شود، تحت این شرایط نیز انتظار داریم تا افزایش در تولید کالای سرمایه‌بر بیش از افزایش در تولید کالای کاربر باشد و میزان افزایش در کالای سرمایه‌بر دو برابر خواهد شد. این وضعیت در نمودار روبه‌رو توسط انتقال منحنی PPF به وضعیت PPF' نشان داده شده است.





# مدرسان شریف

## فصل هشتم

### «سیاست‌های بازرگانی»

بحث‌ها و تحلیل‌هایی که تاکنون انجام شده است متمرکز به شناسایی منافع حاصل از تجارت آزاد میان کشورهای طرف مبادله بوده است. در جهان واقعی معمولاً حالت تجارت آزاد یا عدم تجارت مطلق نداریم، بلکه کشورها، سیاست‌های تجاری خاص خود را دارند و حجم صادرات و واردات خود را تا حد زیادی کنترل می‌کنند. ابزارهای سیاست‌های تجاری از این قرار هستند:

### درسنامه (۱): ابزارهای سیاست‌های بازرگانی

#### ۱- تعرفه

شاید مهم‌ترین ابزار کنترل واردات، تعرفه بر واردات باشد. به طور کلی تعرفه عبارت است از مالیات یا عوارضی که بر کالاها و خدمات هنگام عبور از مرز یک کشور وضع می‌گردند. عموماً کشورها برای حمایت از صنایع داخلی خود اقدام به وضع تعرفه بر کالاهای وارداتی می‌کنند، در حالی که در رابطه با کالاهای صادراتی تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزار و سیاست‌ها، روش‌هایی را در پیش بگیرند که مشوق صادرات کشورشان باشد. تعرفه انواع گوناگون دارد که عبارتند از: تعرفه بر ارزش کالا، تعرفه بر واحد کالا و تعرفه مرکب.

در صورتی که تعرفه براساس ارزش کالا باشد، به صورت درصد ثابتی از ارزش کالاهای وارداتی اعمال می‌شود. مثلاً در تعرفه بر ارزش کالا، به ازای هر اتومبیل وارداتی، تعرفه‌ای به اندازه ۴٪ بهای اتومبیل تعیین می‌گردد. در صورتی که تعرفه براساس واحد کالا باشد که گاهی اوقات تعرفه مخصوص هم نامیده می‌شود، غالباً به صورت وضع تعرفه بر واحدهای فیزیکی کالاهای وارداتی صورت می‌پذیرد بدون توجه به قیمت کالا، مثلاً در ازای ورود هر دستگاه P.C (کامپیوتر)، تعرفه‌ای به اندازه ۵۰ هزار تومان اعمال می‌شود. تعرفه مرکب ترکیبی از نوع اول و دوم تعرفه‌هاست.

می‌توان انواع تعرفه‌های اعمال شده را در قالب مثالی در ارتباط ورود یک واحد کامپیوتر به ارزش ۱۰۰ دلار به صورت زیر مشاهده کرد:

میزان تعرفه پرداختی - دریافتی	قیمت بر واحد کالا پس از تعرفه	تعرفه	قیمت یک واحد کالا (کامپیوتر)
۱۰ دلار	$100 + (10\%) \times 100 = 110$ دلار	۱۰٪	۱۰۰ دلار
۱۰ دلار	$100 + 10 = 110$ دلار	۱۰ دلار	۱۰۰ دلار
۱۵ دلار	۱۱۵ دلار	$\begin{cases} 5\% \\ 10 \text{ دلار} \end{cases}$	۱۰۰ دلار

در بعضی از کشورهای در حال توسعه، تعرفه‌های صادراتی هم رایج است، یعنی کشورها امکان دارد در عمل از کالاهای صادراتی مانند فرش تعرفه بگیرند.

#### کج مثال ۱: منظور از تعرفه چیست؟

- (۱) مالیات یا عوارضی که هنگام عبور از یک کشور وضع می‌شود و فقط بر روی کالاهای وارداتی اعمال می‌شود.
- (۲) کشورها برای حمایت از صنایع داخلی خود، اقدام به وضع تعرفه بر روی کالاهای صادراتی می‌کنند.
- (۳) مالیات یا عوارضی که هنگام عبور از یک کشور وضع می‌شود و بر روی کالاهای صادراتی و وارداتی اعمال می‌شود.
- (۴) نوعی محدودیت تجاری است و به عنوان مشوقی برای افزایش واردات یک کشور می‌باشد.

پاسخ: گزینه «۳» به طور کلی تعرفه عبارت است از مالیات یا عوارضی که بر کالاها و خدمات هنگام عبور از مرز یک کشور وضع می‌گردد. تعرفه‌ها می‌توانند هم بر روی کالاهای وارداتی و هم بر روی کالاهای صادراتی اعمال شوند، ولی عمده‌تاً کشورها برای حمایت از صنایع داخلی خود، اقدام به وضع تعرفه بر کالاهای وارداتی می‌کنند، در حالی که در رابطه با کالاهای صادراتی غالباً تلاش می‌کنند تا با استفاده از ابزارهای سیاسی خود، روش‌هایی را در نظر بگیرند که مشوق صادرات باشد.





# مدرسان شریف

## فصل نهم

### «هم‌پیوندی‌های اقتصادی»

#### درسنامه: سازمان‌ها و اتحادیه‌های مهم تجارت



کشورها به طور کلی از تجارت سود می‌برند، چه تجارت براساس مزیت نسبی باشد و چه براساس صرفه‌جویی‌های مقیاس باشد. با چندین نظریه تجارت‌بین‌الملل نشان دادیم در کشورهایی که در تجارت آزاد شرکت می‌کنند، رفاه جامعه بالا می‌رود، بنابراین طبیعی است که کشورهای همسایه یا دور از هم، تمایل به مبادله کالا (تجارت) داشته باشند. مقررات ترجیحی تجارت باعث کاهش موانع تجاری بین تمام کشورهای عضو یا متحد نسبت به تجارت با سایر کشورهای غیرعضو می‌شود. چند نوع هم‌پیوندی اقتصادی (توافق‌های ترجیحی تجارت) بین کشورها میسر است:

#### ۱- ناحیه تجارت آزاد (منطقه آزاد تجاری) (Free Trade Area (FTA))

منطقه آزاد تجاری به توافقی بین دو کشور یا چندین کشور گفته می‌شود که کشورهای عضو، توافق‌های تجاری، تعرفه‌ها، سهمیه‌های وارداتی و سایر موانع تجاری بر سر راه تجارت آزاد را بردارند. اما هر کشور عضو می‌تواند سیاست‌های تجاری و تعرفه‌های مخصوص خود را با کشورهای غیر عضو داشته باشد. به عبارت دیگر در منطقه تجارت آزاد، تمام موانع بر سر راه تجارت آزاد بین کشورهای عضو برداشته می‌شود، اما هر کشور در تعیین سیاست‌های تجاری برای کشورهای غیر عضو کاملاً آزاد و مستقل عمل می‌کند. (FTA) در واقع تجارت آزاد برای کالا می‌باشد و ضرورتی برای تسهیلات در امر سرمایه‌گذاری یا انتقال نیروی کار عنوان نمی‌کند.

#### ۲- اتحادیه گمرکی (Custom Union (CU))

در اتحادیه گمرکی مانند منطقه آزاد تجاری کشورهای عضو موافقت می‌کنند تا تعرفه‌ها، سهمیه‌های وارداتی و سایر انواع موانع بر سر راه تجارت آزاد کالا را بین کشورهای عضو از سر راه بردارند و لغو کنند. اما برخلاف منطقه آزاد تجاری کشورهای عضو موظف می‌شوند سیاست تجاری مشترکی برای مبادله کالا با کشورهای غیر عضو داشته باشند. بنابراین اتحادیه گمرکی یک تفاوت اصلی با منطقه آزاد تجاری دارد و آن این است که در منطقه آزاد تجاری، هر کشور عضو، سیاست‌های تجاری خاص خود را برای کشورهای غیر عضو دارد، در حالی که در اتحادیه گمرکی تمام کشورهای عضو ناچارند یک سیاست مشترک تجاری در قبال کشورهای غیر عضو داشته باشند.

تشکیل اتحادیه گمرکی اندکی سخت‌تر از تشکیل منطقه آزاد تجاری است. برای تشکیل منطقه آزاد تجاری، کافی است کشورهای عضو موانع تجاری بر سر راه کالاهای یکدیگر را بردارند، اما ملزم به ایجاد یک سیاست تجاری مشترک در مقابل کشورهای غیر عضو نیستند. اما در اتحادیه گمرکی اعضای اتحادیه گمرکی هم باید برای مبادله آزاد کالاهای یکدیگر و هم برای شکل دادن یک سیاست تجاری مشترک در مقابل کشورهای غیر عضو به توافق برسند؛ لذا مشخص است تشکیل اتحادیه گمرکی کمی سخت‌تر از تشکیل منطقه تجارت آزاد است. معمولاً لازمه تشکیل اتحادیه گمرکی این است که ساختار اقتصادی کشورها تا حد زیادی مشابه یکدیگر باشند.

با بحثی که گذشت، در تشکیل منطقه آزاد تجاری همیشه این سؤال مطرح می‌شود که ممکن است یک کشور عضو عمداً تعرفه‌های وارداتی را قدری پایین‌تر از سایر کشورهای عضو انتخاب کند تا از طریق بنادر و مرزهای آن کشور، کالاهای کشورهای غیر عضو وارد بازار FTA شود و آن کشور تعرفه‌ها را جمع‌آوری کند.



# مدرس‌ان شریف

## فصل اول

### «بازار ارز»

#### درسنامه (۱): مبانی ارز و بازار ارز



#### تفاوت تجارت بین الملل و مالیه بین الملل

یکی از اختلافات اساسی میان معاملات مالی در داخل کشور و مبادلات بین المللی در این است که تجارت داخلی مستلزم پرداخت و دریافت وجوه برحسب پول رایج ملی است، در حالی که تجارت خارجی معمولاً متضمن پرداخت و دریافت وجوه به پول‌های رایج خارجی است. در داد و ستدهای خارجی کشور واردکننده ناگزیر است بهای کالای خریداری شده از خارج را به پول رایج کشور صادرکننده بپردازد در نتیجه بازار ارز در این مرحله نمود می‌یابد. از طرفی قبل از بیان هر توضیحی به یاد داریم در مباحث تجارت بین الملل عمده‌تاً توجه خود را به جنبه‌های حقیقی در اقتصاد (طرف تولید) معطوف نمودیم و این بحث‌ها عمده‌تاً متکی بر قیمت‌های نسبی کالاها بودند و در بررسی‌های مذکور توجهی به روابط و متغیرهای پولی مابین کشورها نمی‌شد. پس ما در بررسی مالیه بین الملل به مفاهیم پولی و نتایج و اثرات آن در اقتصاد بین الملل می‌پردازیم. لازم به ذکر است، چون نسبت‌های پولی مابین کشورها در تراز پرداخت آن‌ها بررسی و ثبت می‌شود و تراز پرداخت‌های یک کشور در حساب‌ها و درآمد ملی آن کشور نقش مهمی را ایفا می‌کند در نتیجه ما در مالیه بین الملل به بررسی متغیرهای کلان پرداخته و از میان این متغیرهای کلان توجه خود را بر روی متغیرهای پولی و روابط مابین این متغیرها معطوف می‌کنیم. در حالی که چنان‌که بیان شد، در تجارت بین الملل به قیمت‌های نسبی و بررسی متغیرها در سطح خرد توجه می‌شود. لازم است بیان شود که بحث‌های مالیه بین الملل در تضاد با تجارت بین الملل نبوده و این دو بحث مکمل هم هستند، نه آن‌که جانشینی برای یکدیگر باشند و هر کدام گوشه‌ای از اقتصاد بین الملل را توجیه و تفسیر می‌کنند.

#### اهمیت نرخ ارز

اهمیت نرخ ارز و تغییرات آن از آنجا ناشی می‌شود که مهمترین کانال ارتباطی با اقتصاد خارجی از طریق نرخ ارز صورت می‌گیرد، زیرا در تجارت جهانی با توجه به رقابت شدید تولیدکنندگان برای دست یافتن به بازارهای جدید، قیمت نهایی کالاها و خدمات ارائه شده یک عامل بسیار مهم در افزایش و یا کاهش صادرات و واردات یک کشور محسوب می‌شود. از آنجا که تغییرات نرخ برابری ارزها تغییرات قیمت نهایی کالاها و خدمات عرضه شده در بازار را به دنبال خواهند داشت، نوسانات ارزی نه تنها برای تولیدکنندگان بلکه برای مصرف‌کنندگان نیز حائز اهمیت می‌باشند. برای مثال افزایش ارزش یورو در مقابل دلار آمریکا، اقتصاد اروپا و آمریکا را از جهات مختلف تحت تأثیر قرار می‌دهد. مثبت یا منفی بودن این تأثیرات به آن بستگی دارد که از چه دیدگاهی به آن توجه شود. افزایش ارزش یورو در مقابل دلار آمریکا برای اکثر اروپاییان مثبت است، چرا که قدرت خرید مصرف‌کنندگان و واردکنندگان اروپایی افزایش پیدا کرده و آن‌ها می‌توانند با پول خود (یورو) مقدار کالا و خدمات بیشتری (نسبت به دوران قبل از تغییر نرخ ارز) از آمریکا خریداری کنند و یا برای دریافت کالاهای مورد نیاز خود هزینه کمتری متحمل شوند (افزایش رفاه) ولی برای صادرکنندگان اروپایی در حوزه افزایش یورو در مقابل دلار آمریکا در کل منفی ارزیابی می‌شود، چرا که قیمت تولیدات اروپایی برای مصرف‌کنندگان خارجی افزایش پیدا کرده و این مسئله سبب می‌شود تا قدرت رقابتی شرکت‌های اروپایی در مقابل شرکت‌های خارجی به خصوص آمریکا در سطوح مختلف کاهش یابد.

#### بازار ارز

منظور از ارز هر نوع وسیله پرداخت خارجی است که به صورت اسکناس، یا حواله ارزی و یا چک در مبادلات خارجی به کار می‌رود.

در اقتصاد هر کالایی قیمتی دارد. قیمت خدمات پول نرخ بهره است، قیمت خدمات نیروی کار دستمزد است و ... قیمت پول خارجی نرخ ارز است. همان طور که در اقتصاد کلان خوانده‌اید، تغییرات نرخ بهره و دستمزدها تأثیرات خاص خود را بر اقتصاد دارند. حال با ثبات شرایط اگر قیمت پول خارجی یا نرخ ارز تغییر کند می‌تواند موجب تغییر در جریان کالا و خدمات و سطح رفاه کشورها گردد. هر قدر اقتصاد یک کشور با دنیای خارج خود وابستگی و رابطه بیشتری داشته باشد این تأثیر بیشتر است. به عبارتی هر قدر اقتصاد یک کشور بازر باشد، اهمیت تغییرات نرخ ارز بیشتر خود را نشان می‌دهد.

#### تعریف بازار ارز

بازار ارز چارچوبی سازمانی است که در این چارچوب اشخاص، شرکت‌ها و بانک‌ها به خرید و فروش پول خارجی یا ارز مشغولند. پس در بیان کلی بازار هر ارز شامل همه مکان‌ها و شهرهایی می‌شود که آن ارز در مکان‌ها و شهرهای مزبور با پول‌های دیگر خرید و فروش می‌شود که این مراکز پولی مختلف با شبکه‌ها و خطوط تلفن و اینترنت با هم در ارتباطند.

**تذکره:** هر پولی را در محدوده مرزهای جغرافیایی، «پول ملی» و خارج از آن را «ارز» گویند.



# مدرس‌ان شریف

## فصل دوم

### «حساب جاری و حساب سرمایه»

#### درسنامه (۱): تراز پرداختها



### حسابداری تراز پرداختها

تراز پرداختها (Balance of Payment) یا BP حسابی است که در آن خلاصه کلیه معاملات اقتصادی آن کشور با خارج در یک سال معین انجام می‌پذیرد و منظور از معاملات عبارت است از: صادرات و واردات کالا و خدمات، ورود و خروج سرمایه و پرداخت‌های انتقالی مابین کشورها و سایر کشورهای دیگر. هدف از محاسبه این تراز، آگاه ساختن مقامات دولتی از وضعیت بین‌المللی کشور و کمک به آنان در تنظیم سیاست‌های پولی، مالی و بازرگانی است. منظور از اشخاص حقیقی و حقوقی مقیم یک کشور، اشخاصی هستند که محل اقامت آن‌ها در داخل کشور قرار دارد در نتیجه فعالیت دیپلمات‌ها و کارگران خارجی در تراز پرداختها محاسبه نمی‌شود.

علاوه بر این تراز پرداختها شامل برخی از معاملاتی نیز می‌شود؛ که ساکنان کشورهای خارجی به طور مستقیم انجام نداده‌اند، مثل زمانی که بانک مرکزی یک کشور بخشی از ارزش تحت مالکیت خود را به بانک‌های تجاری همان کشور می‌فروشد.

در تعریف فوق ویژگی‌های این حساب عبارتند از:

- ۱- خلاصه بودن: تک تک عملیات و معاملات را نمی‌بینیم، بلکه سر جمع و مانده‌ها قابل مشاهده‌اند.
  - ۲- معاملات و مبادلات: ۱- نقل و انتقال دارایی ۲- نقل و انتقال خدمات و کالا ۳- کمک‌های بلاعوض
  - ۳- ساکن یک کشور: تشخیص ساکنین یک کشور امری دشوار است، مثلاً مؤسسات و نهادهای بین‌المللی ساکن هیچ کشوری نیستند.
  - ۴- کشورهایی که از نظر آماری قوی‌تر هستند برای مدت کوتاه‌تری نیز می‌توانند تراز پرداختها را تهیه کنند. حساب تراز پرداختها خود از چند حساب دیگر تشکیل شده است. الف) حساب جاری ب) حساب سرمایه ج) حساب تسویه‌های رسمی.
- هر معامله‌ای که در حساب‌های مربوط به تراز پرداختها ثبت می‌شود به صورت بستانکار یا بدهکار است. معاملات بستانکار منجر به دریافت از خارجیان و معاملات بدهکار منجر به پرداخت به خارجیان می‌شود.

بدهکار	بستانکار
واردات کالا و خدمات	صادرات کالا و خدمات
پرداخت انتقالی به خارجیان (هدایا)	دریافتی از خارجیان
ورود سرمایه	خروج سرمایه
کاهش در حساب ذخیره ارزی و طلا	افزایش در حساب ذخیره ارزی و طلا

**کلمه مثال ۱:** کدام گزینه به عنوان یک معامله بستانکار باید در حساب یک کشور ثبت شود؟

- ۲) خرید زمین در خارج
- ۴) سرمایه‌گذاری در خارج

- ۱) واردات
- ۳) خرید زمین‌های داخلی توسط خارجیان

پاسخ: گزینه «۳» در حالت کلی در مواردی مانند صادرات، خرید زمین از خارج توسط ایرانیان یا سرمایه‌گذاری خارجیان در کشور ما، یا سفر توریست‌های خارجی به کشور ما یا کمک‌های بلاعوض و هدایای آن‌ها به دولت یا اشخاص کشور ما جزو حساب‌های طرف بستانکار تراز پرداختهای کشور ماست. همان طور که از مثال‌ها قابل درک است، هر معامله‌ای که موجب دریافت از خارجیان گردد، کشور ما را در طرف بستانکار معامله قرار می‌دهد.



# مدرسین شریف

## فصل سوم

### «مکانیسم تعدیل قیمت تحت نظام نرخ ارز ثابت و شناور»

#### درسنامه (۱): تعدیل در نظام‌های ارزی مختلف

#### مقدمه

کسری یا مازاد تراز پرداخت‌های یک کشور ممکن است به دلایل زیر ایجاد شود:

#### در دوره کوتاه‌مدت

- ۱- افزایش دوره‌ای درآمد ملی ما نسبت به کشورهای دیگر موجب افزایش واردات و کاهش صادرات و در نتیجه آن کسری در تراز پرداخت‌ها می‌شود.
- ۲- نرخ بالای تورم در داخل نسبت به خارج که موجب افزایش واردات ما از خارج و کاهش صادرات ما می‌شود.
- ۳- جریان‌های کوتاه‌مدت ورود و خروج سرمایه یا اعتصابات یا کاهش شدید تولیدات کشاورزی می‌تواند تعادل در تراز پرداخت‌ها را دچار اختلال نماید.

#### در دوره بلندمدت

این علل بنیادی هستند مانند:

- ۱- تفاوت در نرخ‌های رشد داخلی و خارجی
  - ۲- تغییر در ذائقه افراد یا اولویت‌های تقاضا
  - ۳- تفاوت در آهنگ رشد و تکنولوژی (شرایط تولید یا عرضه)
  - ۴- تغییر در چارچوب‌های اقتصادی و سیاسی مانند تشکیل بلوک‌های بازرگانی و مناطق آزاد تجاری.
- پس در این فصل به بررسی چگونگی تعدیل مازاد یا کسری تراز پرداخت‌ها در یک کشور از طریق تغییر قیمت‌ها تحت نظام نرخ ارز شناور و ثابت می‌پردازیم. (لازم به تذکر است تعدیل خودکار شامل تعدیل در قیمت‌ها، تعدیل در درآمدها و تعدیل در متغیرهای پولی است). همان طور که در فصل قبل بیان شد کسری تراز پرداخت‌ها به صورت مازاد اقلام بدهکار (بدهی‌ها) بر اقلام بستانکار (مطالبات) در حساب جاری تعریف می‌شود. روش‌های تصحیح عدم تراز پرداخت‌ها تحت عنوان مکانیسم‌های خودکار و سیاست‌های تعدیل طبقه‌بندی می‌شوند. در روش تعدیل خودکار، بدون دخالت دولت و با انفعالات ناشی از خود وضعیت عدم تعادل تا وضعیت رفع این عدم تعادل پیش می‌رود. اما سیاست‌های تعدیل از طرف دولت در جهت دستیابی به اهداف خاصی اجرا می‌شوند. مکانیسم تعدیل خودکار به محض بروز عدم تعادل شروع به کار می‌کند و تا زمان حذف این عدم تعادل ادامه می‌یابد. اما در انجام سیاست‌های تعدیل دولت با دخالت خود، وقفه‌های زیر را ایجاد می‌کند:

۱- **وقفه در تشخیص:** مثلاً با توجه به داده‌ها دولت بداند که آیا کشور با مازاد روبرو است یا با کسری.

۲- **وقفه در تصمیم‌گیری:** مثلاً اگر مازاد در تراز پرداخت‌ها داریم آن را از چه روشی کاهش دهیم.

۳- **وقفه در اجرا:** یعنی زمانی که طول می‌کشد اثر سیاست در اقتصاد خود را نمایان سازد، تراز را تحت تأثیر قرار دهد.

توجه به این نکته لازم است که بدانیم تمامی روش‌های تعدیل دارای نقاط ضعفی هستند و در مقابله با هر عدم تعادل باید روشی را انتخاب کرد که هزینه‌های تعدیل (چیزهایی را که برای بازگشت به تعادل باید از دست بدهیم و از آن‌ها چشم‌پوشی کنیم) را به حداقل برسانیم. در این فصل به بررسی مکانیسم تعدیل قیمت تحت نظام نرخ ارز ثابت و شناور می‌پردازیم که نحوه تعدیل در این دو نظام به صورت متفاوتی صورت می‌پذیرد. در سیستم نرخ ارز شناور قیمت ارز تغییر می‌کند و در سیستم نرخ ارز ثابت سطح عمومی قیمت‌ها تغییر می‌کند.

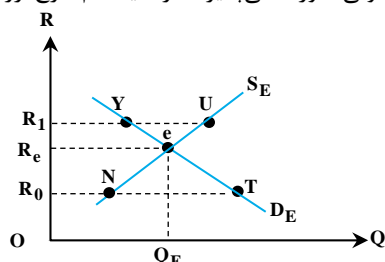
#### مقایسه نرخ ارز شناور و ثابت

تحت نظام نرخ ارز شناور تعادل در نقطه  $e$  برقرار می‌گردد، اما تحت نظام نرخ ارز ثابت در یک سطح موافقت

شده نرخ ارز ثابت نگه داشته می‌شود، مثلاً  $OR_0$  یا  $OR_1$  که لزوماً با  $R_e$  برابر نیست.

بنابراین عرضه و تقاضا هم برابر نیستند.

اگر در نرخ ارز  $R_1$  باشیم در نظام نرخ ارز شناور و ثابت دو حالت مختلف رخ می‌دهد:



مقایسه نظام نرخ ارز شناور و ثابت



# مدرسایان شریف

## فصل چهارم

### «مکانیسم تعدیل درآمد و ترکیب تعدیلات خودکار»

#### درسنامه (۱): فرایندهای تعدیل خودکار

در بررسی مکانیسم‌های تعدیل خودکار از طریق قیمت فرض نمودیم تولید کل ( $Y$ ) ثابت بماند تا منحصرأ بتوانیم تعدیل را از طریق قیمت‌ها تحلیل نماییم. حال برای تفسیر خودکار از طریق درآمد تلویحاً فرض می‌کنیم که نظام نرخ ارز ثابت است و از هرگونه تغییرات در قیمت‌ها و نرخ بهره صرف‌نظر می‌کنیم. این مکانیسم براساس دخالت در تغییرات درآمد ملی ناشی از کسری و مزاد تراز پرداخت‌های یک کشور صورت گرفته و نهایتاً منجر به تعدیل و اصلاح تراز پرداخت‌ها می‌شود. مکانیسم خودکار تعدیل درآمد، کاربرد اقتصاد کینزی در اقتصاد باز را نشان می‌دهد.

حال اگر صادرات افزایش یابد، چون درآمد کل تابعی از صادرات است درآمد کل نیز  $Y = C + I + X - M$  افزایش می‌یابد. از طرف دیگر تراز جاری با افزایش  $X$  وضعیتش بهبود می‌یابد، چون که  $NX = X - M$ . اما همچنان که بیان داشتیم با افزایش صادرات چون درآمد کل افزایش می‌یابد و واردات نیز تابع درآمد کل است واردات نیز افزایش یافته که این باعث بدتر شدن تراز جاری می‌شود.

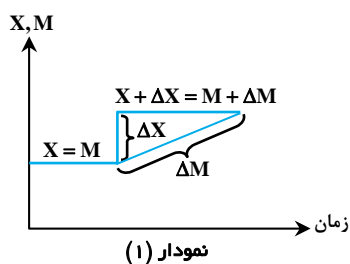
$$NX = X - M_0 - mY$$

پس با افزایش صادرات داریم:

$$\Delta NX = \underbrace{\uparrow \Delta X}_{\text{افزایش}} - \underbrace{m \Delta Y}_{\text{افزایش}}$$

در این صورت دو حالت رخ می‌دهد:

(۱) اگر کل درآمد کشوری صرف مصرف شود، یعنی  $Y = C$  باشد (پس‌انداز صفر) هرگونه افزایش در  $X$  که موجب ایجاد مزاد در تراز جاری می‌شود،  $Y$  را به اندازه‌ای افزایش می‌دهد که واردات به اندازه صادرات تغییر یابد و تغییر نهایی در  $NX$  برابر صفر شود.



$$Y = C + I + X - M_0 - mY$$

$$Y = Y + I + X - M_0 - mY$$

$$Y = \frac{I + X - M_0}{m}$$

**مثال ۱:** اگر  $X$  به اندازه  $۱۰۰$  واحد افزایش یابد و میل نهایی به واردات  $۰/۱$  باشد و کل درآمد مصرف شود، تغییر در تراز جاری را محاسبه کنید.

پاسخ:

$$Y = \frac{X + I - M_0}{m} \Rightarrow \Delta Y = \frac{\Delta X}{m} = \Delta Y = \frac{۱۰۰}{۰/۱} = ۱۰۰۰$$

$$NX = X - M_0 - mY \Rightarrow \Delta NX = \Delta X - m \Delta Y \Rightarrow \Delta NX = ۱۰۰ - ۰/۱(۱۰۰۰) = ۰$$

(۲) اما در دنیای واقعی می‌دانیم که کل درآمد مصرف نمی‌شود و بخشی از آن پس‌انداز می‌شود. در این حالت تعدیل درآمد کامل نبوده و تراز تجاری دچار تغییر می‌شود. با فرض  $C < Y$  جزء  $(۱ - c)$  به مخرج اضافه شده است و اثر تکاثری کاهش یافته در نتیجه تعدیل خودکار از طریق درآمد در دنیای واقعی به تنهایی نمی‌تواند مزاد یا کسری ایجاد شده در تراز جاری را از بین ببرد.

$$Y = C + I + X - M_0$$

$$Y = C_0 + cY + I + X - M_0 - mY$$

$$Y = \frac{C_0 + I + X - M_0}{1 - c + m}$$



## مدرسین شریف

### فصل پنجم

#### «تراز پرداختها از دیدگاه رهیافت پولی»

#### درسنامه (۱): رهیافت پولی در نظامهای مختلف



در دهه ۱۹۷۰ رهیافت کاملاً متفاوتی در نحوه تعدیل تراز پرداختها و ماهیت تغییرات این حساب توسط ماندل و جانسون به نام رهیافت پولی مطرح شد. این رهیافت حاصل گسترش نظرات پول گرایان آمریکایی به نام مکتب شیکاگو به اقتصاد بین الملل بود. از منظر این دیدگاه تراز پرداختها یک پدیده کاملاً پولی است، به این معنی که دیدگاه پولی نقش مهمی در اختلال و تعدیل بلندمدت تراز پرداختها دارد. بر اساس این رهیافت کسری تراز پرداختها در یک کشور ناشی از مزاد عرضه پول نسبت به تقاضای پول است. یعنی با وجود کسری در تراز پرداختها در یک کشور که نظام ارزی آن تحت یک نظام نرخ ثابت ارز اداره می شود، به علت ایجاد این کسری نرخ ارز تمایل به افزایش دارد و چون مقامات رسمی پولی مایل به تغییر نرخ ارز نیستند، به بازار ارز می ریزند و در قبال آن پول دریافت می کنند که این به منزله یک سیاست پولی انقباضی مطرح می شود. از طرف دیگر هنگامی که مزاد تراز پرداختها (که ناشی از مزاد تقاضای پول است) باعث جریان ورود پول از خارج به داخل می شود، طبق رهیافت پولی یک گرایش خودکار به سمت تعادل در تراز پرداختها وجود دارد. البته شایان توجه است در این رهیافت برخلاف رهیافت سنتی که تراز پرداختها را از پایین به بالا بررسی می کند، این رهیافت تراز پرداختها را از بالا به پایین بررسی می نمایند. یعنی در رهیافت سنتی داریم:

تراز تجاری ← تراز جاری ← تراز نقدینگی خالص ← تراز اساسی ← تراز رسمی یا تسویه

اما در رهیافت پولی توجه به تراز تسویه است و اثری را که تغییرات این تراز بر پایه پولی و عرضه پول دارد مورد توجه قرار می دهد. البته توجه نکردن به تحلیل و توصیف ترازهای زیر حساب تراز رسمی ممکن است بسیار خطرناک باشد، اما به نظر می رسد این رهیافت در مقایسه با شیوه های سنتی تفسیر بهتری برای وقایع اقتصادی (مانند تورم جهانی دهه ۱۹۷۰) ارائه می کند.

فروض این مدل:

الف - وجود برابری قدرت خرید ب - تحرک کامل کالا و دارایی (آزادی حساب سرمایه و تجارت)

**کج مثال ۱:** اگر حساب تراز پرداختهای یک کشور با ..... روبرو باشد ناشی از مزاد ..... نسبت به ..... است.

- (۱) مزاد - تقاضای پول - عرضه پول  
(۲) مزاد - عرضه پول - تقاضای پول  
(۳) کسری - تقاضای پول - عرضه پول  
(۴) کسری - صادرات - واردات

**پاسخ:** گزینه «۱» اگر حساب تراز پرداختها با مزاد روبرو باشد، یعنی عرضه ارز از تقاضای ارز بیشتر است و به این دلیل نرخ ارز تمایل به کاهش دارد و طبق نظام نرخ ارز ثابت چون مقامات رسمی پولی تمایل ندارند نرخ ارز کاهش یابد در نتیجه در بازار ارز شروع به خرید ارز می کنند که این به منزله افزایش تقاضای ارز است، اما به علت خرید ارز توسط مقامات رسمی پولی در قبال آن پول عرضه می شود که این عمل نرخ بهره را کاهش می دهد. به علت کاهش در نرخ بهره، سرمایه از کشور خارج شده و مزاد ایجاد شده در حساب مذکور رفع می گردد.

در حالت کلی بر اساس رهیافت پولی تعادل و عدم تعادل تراز پرداختها یک پدیده کاملاً پولی است، به طوری که پول نقش کلیدی هم در ایجاد اختلال و هم در اصلاح تراز پرداختها به عهده دارد. رهیافت پولی به مانده حسابهای تسویه رسمی توجه دارد و با جمع حساب جاری، سرمایه یا اقلام بالای خط توجه خاصی ندارد. به علت همین انتقادات رهیافت پولی منجر به پیدایش رهیافت تراز موجودی اوراق بهادار گردید.

**کج مثال ۲:** در رهیافت پولی با رشد سطح محصول کل حساب تراز پرداختها با ..... و در رهیافت کنیزی یا سنتی موجب ..... در تراز پرداختها می گردد.

- (۱) بهبود - بهبود  
(۲) بهبود - کسری  
(۳) کسری - بهبود  
(۴) کسری - کسری

**پاسخ:** گزینه «۲» در ایده رهیافت پولی با افزایش  $Y$  در بازار پول طبق رابطه تقاضای معاملاتی پول یعنی  $M_d = kPY$  تقاضای معاملاتی پول افزایش می یابد. اگر این مزاد تقاضای پول از طریق افزایش پایه پولی و عرضه پول تأمین نشود باید  $P$  کاهش پیدا کند تا رابطه  $\bar{M}_d = kP \downarrow Y \uparrow$  دوباره به تعادل برسد. با کاهش سطح عمومی قیمتها صادرات افزایش و واردات کاهش می یابد که این خود موجب ورود پول از خارج (ارز) و افزایش تراز پرداختها می گردد. اما در تحلیل کنیزی با افزایش  $Y$  چون واردات افزایش می یابد، طبق رابطه  $NX = \bar{X} - \bar{M} - mY$  موجب ایجاد کسری در تراز پرداختها می گردد.



# مدرسان شریف

## فصل ششم

### «سیاست‌های تعدیل»

#### درسنامه (۱): تعاریف سیاست‌های تعدیل کننده



در این فصل به بررسی سیاست‌های تعدیل، جهت دستیابی به اشتغال کامل همراه با ثبات قیمت‌ها و تعادل در تراز پرداخت‌ها می‌پردازیم. ضرورت بررسی سیاست‌های تعدیل از آنجا ناشی می‌شود که مکانیسم‌های تعدیل خودکار آثار جانبی ناخواسته بسیار حادی به دنبال دارند. مهم‌ترین اهداف اقتصادی کشورها عبارت‌اند از:

۱- تراز داخلی

۲- تراز خارجی

۳- نرخ قابل قبول رشد

۴- توزیع عادلانه درآمد. تراز داخلی با اشتغال کامل (نرخ بیکاری ۲ الی ۳ درصد) و نرخ تورم حدود ۲ تا ۳ درصد همراه است و تراز خارجی نیز به تعادل تراز پرداخت‌ها مربوط می‌شود.

### انواع سیاست‌های تعدیل

الف) سیاست تغییر هزینه‌ها: شامل سیاست‌های پولی و مالی می‌شود. به این دلیل به این راهکار تغییر هزینه‌ها می‌گویند که با افزایش مخارج دولت (هزینه‌های دولت) مخارج بخش خصوصی کاهش می‌یابد یا با افزایش مالیات‌ها مخارج مصرفی کاهش می‌یابد.

ب) سیاست تبدیل هزینه‌ها: شامل کاهش یا افزایش نرخ ارز است که معادل افزایش و کاهش ارزش پول ملی است و منظور از تبدیل هزینه این است که با افزایش نرخ ارز تخصیص منابع از سمت کالاهای مصرفی و سرمایه‌گذاری دولتی به سمت کالاهای صادراتی جهت داده می‌شود.

ج) سیاست‌های کنترل مستقیم: مانند اعمال تعرفه بر واردات، سهمیه‌بندی واردات و صادرات، نرخ‌های چندگانه ارز و ...

ک) مثال ۱: سیاست تبدیل هزینه‌ها به معنای تغییر ..... و سیاست تغییر هزینه‌ها به معنای تغییر در ..... است.

(۲) نرخ ارز، سطح عمومی قیمت‌ها

(۴) نرخ ارز، مخارج پولی و مالی

(۱) سطح عمومی قیمت، نرخ ارز

(۳) مخارج پولی و مالی، نرخ ارز

پاسخ: گزینه «۴» سیاست تبدیل هزینه‌ها به معنای تغییر در نرخ ارز است و در نتیجه جانشین کردن کالاهای وارداتی و تولید کالاهای صادراتی است، اما سیاست تغییر در هزینه‌ها به معنای تغییر در درون حوزه مخارج دولتی و تحت تأثیر قرار دادن بخش خصوصی است. مثلاً در حالت تبدیل هزینه‌ها اگر نرخ ارز افزایش یابد هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی، سیاست افزایش صادرات و کاهش واردات را در پی می‌گیرند اما در حالت تغییر هزینه‌ها فعالیت‌های دولت خلاف جهت بخش خصوصی است، یعنی اگر سهم دولت در اقتصاد افزایش یابد حتماً سهم بخش خصوصی کاهش یافته است.



# مدرسان شریف

## فصل اول

### «دولت»

#### درسنامه (۱): نقش دولت در اقتصاد



#### نظریه‌های اقتصادی در مورد نقش دولت

از دیدگاه اقتصاددانان کلاسیک عملکرد بخش عمومی بر پایه تبعیت از یک نظم طبیعی است و لذا اعتقاد آنان عدم دخالت در بازار است. این اقتصاددانان معتقدند که برای دخالت دولت در بازار بایستی شرایط استثنایی وجود داشته باشد.

**آدام اسمیت** بر کوتاه شدن دست حاکمان از دخالت در فعالیت‌های بازار و بنگاه‌های خصوصی اعتقاد دارد. با این حال وی به منظور اجرای سه وظیفه مهم و قابل درک برای عموم، وجود دولت را در یک سیستم اقتصاد آزاد ضروری می‌داند، این وظایف عبارتند از: (۱) حمایت افراد جامعه در مقابل دشمنان (که لازمه آن وجود ارتش است)، (۲) دفاع از منافع مردم در مقابل همشهری‌ها (وجود نیروی انتظامی و دادگاه‌ها)، (۳) سومین وظیفه نیز ایجاد موسسات و خدمات عمومی است.

اسمیت معتقد است اگرچه کالاها و خدمات عمومی از اهمیت خاصی برای جامعه برخوردار هستند، ولی به دلیل طبیعت خاص آنها، منافع حاصل از استفاده این کالاها و خدمات نمی‌تواند هزینه تولید آنها را برای سرمایه‌گذاری فردی یا گروهی جبران کند، به همین دلیل انتظار این‌که فرد یا گروهی داوطلبانه تولید کالاها و خدمات عمومی را به کار گیرند، نمی‌رود. اسمیت همچنین کیفیت آموزش و لزوم دخالت دولت در این فرضیه را به منظور تربیت نیروی کار ماهر و متخصص مورد تأیید قرار می‌دهد.

**ریکاردو** که نظریات چندانی در خصوص دولت نداشته است، در مورد نقش دولت، به کمترین مقدار مالیات معتقد است، وی بهترین برنامه مالی را برنامه‌ای می‌داند که کمترین مقدار مالیات و درآمدهای مالیاتی را داشته باشد.

**استوارت میل** نیز مانند اسمیت به اصل آزادی اقتصادی در فعالیت‌های اقتصادی معتقد است. میل هرگونه دخالت دولت، مگر به خاطر ضرورت را نادرست می‌دانست. اما وی علاوه بر موارد عادی مانند حفظ امنیت زندگی، مالی و ... (مطرح شده توسط اسمیت) به وجود برخی قوانین در فعالیت‌های اقتصادی مانند قانون کار معتقد بود.

اما نظریات جامع در اقتصاد بخش عمومی تا قبل از مطرح شدن موضوع مطلوبیت در اواخر قرن ۱۹ ارائه نشد. اساس نظریه مطلوبیت نهایی این است که با فرض معلوم بودن ترجیحات مصرف کنندگان، برای رسیدن به حداکثر رفاه برای هر فرد باید مطلوبیت نهایی برابر با قیمت قرار گیرد. این قانون «کارایی اقتصادی» نام دارد و هم در مورد کالاهای خصوصی و هم در مورد کالاهای عمومی صحیح است. هرچند با توجه به تفاوتی که ناشی از این دو گروه کالاها و خدمات می‌باشد، در مورد کالاهای خصوصی، کالاها در قیمتی یکسان از طریق بازار فروخته می‌شوند و مصرف کنندگان برابری قیمت و مطلوبیت نهایی را از طریق تطبیق مقدار کالاها فراهم می‌نمایند، درحالی‌که در مورد کالاهای عمومی معمولاً مقدار ثابتی از کالا و خدمات در مقابل هر مصرف‌کننده قرار دارد. در نتیجه مطلوبیت نهایی مقادیر یکسان کالا برای افراد مختلف، متفاوت خواهد بود و برابری قیمت و مطلوبیت نهایی برای کالای عمومی، منجر به تفاوت قیمت برای استفاده کنندگان می‌گردد، از اینجاست که مالیات بر اساس فایده به عنوان یک قاعده در بخش عمومی مطرح می‌گردد. پس از این نظریه‌های جدید در مورد نقش دولت مطرح شد.

**ویکسل** دو بخش هزینه‌ها و درآمدهای دولت را در کنار یکدیگر مطالعه کرده است، او نظریه جدیدی را تأیید می‌کند که براساس آن تدارک کالاها عمومی در جهت به حداکثر رساندن رضایت افراد قرار دارد، نه بخاطر دولت به عنوان یک شخصیت مجزا. با طرح مسئله رضایت افراد از کالاهای عمومی بحث «اصل فایده» یا اصل میزان فایده‌بری، ملاک تأمین هزینه این کالاها و خدمات مطرح می‌شود. ویکسل معتقد به جستجوی یک روش علمی برای اندازه‌گیری تمایل افراد، در تأمین آخرین واحد کالاها و خدمات عمومی بود. وی در مورد مالیات نیز اظهار می‌کند که عدالت در مالیات، باید عدالت در توزیع اموال و درآمد را به صورت پیش فرض در نظر بگیرد.





# مدرسان شریف

## فصل دوم

### «اقتصاد رفاه و توزیع مناسب درآمد»

#### درسنامه (۱): کار آیی



#### کار آیی در تخصیص منابع و توزیع کالاها و خدمات

در یک سیستم اقتصادی، بنگاه‌های تولیدی با به‌کارگیری عوامل تولید و تکنولوژی به تولید کالاها و خدمات مبادرت می‌کنند. از سوی دیگر مصرف‌کنندگان نیز این کالاها و خدمات تولید شده را مصرف کرده و مطلوبیت کسب می‌کنند. ترکیب متفاوتی از نهاده‌ها، سبدهای مختلف کالاها و خدمات را می‌توانند تولید کنند. که در واقع تخصیص‌های ممکن نهاده‌ها، در تولید ستاده‌ها را نشان می‌دهد و واضح است که همه این تخصیص‌ها مناسب و کارآمد نیستند. همچنین هر مجموعه‌ای از کالاها و خدمات با ترکیبات مختلفی بین مصرف‌کنندگان توزیع می‌شوند که البته همه این نوع توزیع‌ها نیز کارآمد نیستند.

#### کار آیی بهینه (بهینه پارتو) در مصرف و تولید

موقعیتی که در آن منابع به صورت بهینه اختصاص یافته باشند و در آن سطح هیچ‌کدام از فعالیت‌های اقتصادی را جز با کاهش سطح فعالیت‌های دیگر نتوان افزایش داد موقعیت کارا می‌باشد.

در جهت تشخیص و تعیین شرایط کارآمد در بخش تولید و مصرف کالاها و خدمات از مفهوم بهینه پارتو استفاده می‌شود.

#### 📌 مثال ۱: کدام یک از عبارات زیر نشان‌دهنده وضعیت بهینه پارتو نمی‌باشد؟

- ۱) بهینه پارتو به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن منابع به صورت بهینه اختصاص یافته باشند و در آن سطح هیچ‌کدام از فعالیت‌های اقتصادی را جز با کاهش سطح فعالیت‌های دیگر نتوان افزایش داد.
- ۲) بهینه پارتو عبارت است از وضعیتی که در آن نتوان با توزیع مجدد کالاها و خدمات مطلوبیت یک مصرف‌کننده را افزایش داد مگر آن‌که حداقل منجر به کاهش مطلوبیت یک مصرف‌کننده دیگر گردد.
- ۳) بهینه پارتو وضعیتی است که در آن نتوان رفاه اقتصادی یک فرد را بدون آن‌که رفاه اقتصادی حداقل یک فرد دیگر کاهش یابد، افزایش داد.
- ۴) بهینه پارتو به وضعیتی اطلاق می‌شود که فقط در صورت ثبات رفاه اقتصادی افراد دیگر، بتوان رفاه اقتصادی یک نفر را افزایش داد.

📌 پاسخ: گزینه «۴» به جز گزینه «۴» بقیه گزینه‌ها در بردارنده عباراتی است که به نوعی نشان‌دهنده وضعیت بهینگی پارتو و تعریفی از آن می‌باشند. درحالی که گزینه «۴» وضعیتی را نشان می‌دهد که امکان پیشرفت پارتویی در آن وجود دارد.

#### بهینه پارتو در مصرف

بهینه پارتو در هر دو بخش تولید و مصرف قابل بحث می‌باشد. در این قسمت به بررسی بهینه پارتو در مصرف می‌پردازیم، بدین منظور ابتدا ترجیحات مصرف‌کننده را بررسی می‌کنیم.

در نمودار ۱، دو کالای  $X$  و  $Y$  در محورهای افقی و عمودی اندازه‌گیری می‌شوند. هر موقعیتی در این نمودار ترکیبی از کالاهای مصرفی  $X$  و  $Y$  را مشخص می‌کند که برای مصرف‌کننده  $A$  یک مقدار مطلوبیت ایجاد می‌کند.

📖 نکته: در اینجا مصرف‌کننده هدفش حداکثر کردن مطلوبیت حاصل از مصرف ۲ کالای  $Y$  و  $X$  است در حالی که با محدودیت

موجودی کالا روبروست.



# مدرسان شریف

## فصل سوم

### «نظریه کالاها و خدمات عمومی»

#### درسنامه (۱): کالاها و خدمات عمومی



#### ویژگی‌های کالاها و خدمات عمومی

از دیدگاه مصرف و استفاده کالا و خدمات، دو طبقه‌بندی عمده می‌توان قائل شد. کالاها و خدماتی که از طریق بازار قابل ارائه هستند در مقابل کالاها و خدماتی که سیستم بازار خصوصی در توزیع آن‌ها ناتوان است. در واقع بازار تنها زمانی می‌تواند عمل کند که امکان تفکیک منافع کالا یا خدمت وجود داشته و قابلیت تخصیص این منافع موجود باشد.

مبادله نمی‌تواند بدون تمیز حق مالکیت انجام شود و تمیز حق مالکیت ایجاد می‌کند که کالا قابل تفکیک بوده و استفاده از آن، قابل تخصیص به فرد یا افراد به خصوص نیز باشد. در صورت وجود چنین شرایطی، در اختیار گرفتن کالاها و خدمات مستلزم رقابت بوده و مکانیزم بازار می‌تواند عمل کند.

**نکته ۱:** فرق اساسی بین کالاهای خصوصی و عمومی در استثنانپذیری و رقابت‌ناپذیری کالاهای عمومی نسبت به کالاهای خصوصی می‌باشد.

$$X = \sum_{i=1}^n x_i, i = 1, \dots, n$$

رابطه بین تقاضای کل و تقاضای افراد در مورد کالاهای کاملاً خصوصی به این صورت است:

$X$  جمع مقادیر مصرف کالای  $X$  به وسیله  $n$  مصرف‌کننده است.

$$G = G_1 = \dots = G_n$$

در حالی که برای کالای عمومی به دلیل خاصیت مصرف مشترک رابطه روبرو برقرار است:

$G$  مقدار کالای عمومی است که مصرف‌کنندگان ۱ تا  $n$  همگی از آن بهره‌مند هستند.

**نکته ۲:** اگر کالاها و خدمات کاملاً غیرقابل رقابت باشند یا استفاده همزمان مصرف‌کنندگان بدون هیچ تغییری در منافع دیگران

ممکن باشد، «کالاهای عمومی خالص» نامیده می‌شوند. مانند: منافع دفاع ملی، شبکه رادیو و تلویزیون.

در مقابل دسته دیگری از کالاها وجود دارند که نه کاملاً رقابت‌پذیرند و نه کاملاً بی‌نیاز از رقابت و با استفاده یک نفر، نه منافع حاصل برای دیگری را به صورت کامل سلب می‌کند و نه بدون هیچ تأثیری در فایده دیگری انجام‌پذیر است. به این کالاها و خدمات «کالاهای عمومی ناخالص» (ازدحام‌پذیر، دارای منافع مشترک و ...) گفته می‌شود. خیابان‌ها، پارک‌ها، پل‌ها، نیروگاه‌هایی که انرژی الکتریسیته تولید می‌کنند و ... وقتی در مرحله ازدحام قرار می‌گیرند از این دسته‌اند.

**مثال ۱:** ویژگی بارز کالای عمومی آن است که:

- (۱) همه افراد جامعه مایل به پرداخت برای تولید آن هستند.
- (۲) ماهیت آن دارای اصل رقابت‌پذیری و تفکیک‌پذیری می‌باشد.
- (۳) همزمان تعداد زیادی افراد می‌توانند از آن مصرف و استفاده کنند.
- (۴) هزینه تولید آن ناچیز است.

**پاسخ:**  گزینه «۳» کالای عمومی به کالاهایی از قبیل امنیت، پخش برنامه‌های رادیویی، روشنایی معابر، پارک و ... گفته می‌شود که استفاده یک فرد از آن مانع استفاده فرد دیگر (به استثنای شرایط ازدحام) نمی‌شود و در نتیجه هزینه نهایی برای استفاده‌کننده بعدی صفر است و به طور همزمان چند نفر می‌توانند از آن استفاده کنند، به همین دلیل معمولاً افراد به طور خصوصی مایل به تولید این کالاها نیستند چون سواری مجانی در آن ایجاد می‌شود. با این توضیحات کالاهای عمومی به طور همزمان توسط تعداد زیادی از افراد قابل استفاده است.

**نکته ۳:** شرایط لازم در ماهیت کالا جهت ارائه توسط بخش خصوصی اصل رقابت‌پذیری و تفکیک‌پذیری آن می‌باشد.



# مدرسان شریف

## فصل چهارم

### «مالیات»

در بسیاری از کشورهای دنیا، مالیات مهم‌ترین منبع درآمد دولت است و حدود ۸۰ تا ۸۵ درصد درآمد آن دولت‌ها را تشکیل می‌دهد. مالیات علاوه بر این که منبعی برای درآمد دولت است در دیدگاه کلان اقتصادی، یکی از عمده‌ترین ابزارهای اعمال سیاست‌های اقتصادی دولت نیز محسوب می‌شود و از نظر تحلیل‌های خرد اقتصادی دو اثر عمده **تخصیص و توزیع** را دارد.

اقتصاددانان کلاسیک معتقد بودند که دولت تنها جهت تأمین مالی هزینه‌های ناشی از انجام وظایف خود (تأمین کالاها و خدمات عمومی ضروری و لازم برای ادامه کار و فعالیت بازار) می‌تواند مالیات اخذ کند. در مقابل کینز که با توجیه دخالت دولت جهت حفظ ثبات اقتصادی، ابزار سیاست‌های مالی را با اهمیت می‌شمرد، معتقد است که مالیات نه فقط برای تأمین هزینه‌های تولید کالاها عمومی بلکه برای اجرای سیاست‌های اقتصادی دولت نیز کارآمد است.

**نکته ۱:** در شرایط تورمی می‌توان با افزایش مالیات‌های بر درآمد، از درآمد قابل تصرف افراد و فشار تورمی کاست. در حالی که در مواقع رکود، کاهش مالیات‌ها می‌تواند باعث افزایش تقاضا شود.

**مثال ۱:** به ترتیب در شرایط تورمی و رکود کدام یک از سیاست‌های زیر در مورد تغییر مالیات‌ها صحیح است؟

- ۱) افزایش مالیات‌ها در شرایط تورمی و کاهش آن در رکود
- ۲) افزایش مالیات‌ها در شرایط تورمی و عدم تغییر آن در شرایط رکود
- ۳) عدم تغییر آن در شرایط تورمی و کاهش آن در رکود
- ۴) در هر دو صورت رکود و تورم، سیاست کاهش مالیات‌ها بهتر است.

پاسخ: گزینه «۱» بنا بر نکته ۱ فقط گزینه (۱) در مورد سیاست تغییر مالیات‌ها درست است.

### درسنامه (۱): پایه و نرخ مالیات



#### پایه و سیستم‌های مالیاتی

پایه مالیاتی، معیار یا ارزشی است که مالیات بر آن برقرار می‌شود. در ایران مالیات بر انواع پایه‌های مالیاتی چون مالیات بر حقوق و دستمزد، مالیات بر شرکت‌ها، مالیات بر ارث و ... مطرح می‌شود. نرخ مالیات نیز تعیین‌کننده نسبتی از پایه مالیاتی است که به صورت مالیات باید پرداخت شود. مثلاً: یک نرخ مالیاتی ۱۵ درصد بر درآمد به معنای این است که از هر ۱۰۰۰ ریال درآمد، ۱۵۰ ریال بابت مالیات باید پرداخت شود. هر کالا و یا هر فعالیت اقتصادی که مالیات به آن تعلق می‌گیرد مبنای (مأخذ) مالیات نامیده می‌شود. معمول‌ترین مبنای مالیاتی ممکن است به سه دسته عمده تقسیم شود: درآمد، مصرف و ثروت.

در این بخش به طور خلاصه مواردی از پایه‌های مالیاتی ارائه می‌شود:

**مالیات بر ثروت در مقابل مالیات بر جریان درآمد:** پایه مالیاتی می‌تواند یک معیار از ذخیره دارایی یا یک جریان درآمد از آن ذخیره باشد، مالیات بر دارایی املاک و ساختمان‌ها یا مالیات بر ارث از نوع مالیات بر ذخیره ثروت بوده در حالی که مالیات بر دستمزد و حقوق و یا فروش یک کالا، مالیات بر جریان درآمد است و عمده درآمدهای مالیاتی از این شاخه از مالیات‌ها کسب می‌شوند.



# مدرسان شریف

## فصل پنجم

### «مالیات‌ها و سوبسیدهای مستقیم و غیرمستقیم»

مالیات‌ها به ۲ دسته مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود. هر چند که این تقسیم‌بندی به سادگی انجام نمی‌گیرد اما در کل مالیات‌های مستقیم به مالیات‌هایی گفته می‌شود که به طور مستقیم بر افراد، خانوارها و بنگاه‌ها برقرار می‌شوند، در حالی که مالیات‌هایی که بر کالاها و خدمات برقرار می‌شوند، مالیات‌های غیرمستقیم محسوب می‌شوند. هم‌چنین به نظر می‌رسد که مستقیم و غیرمستقیم بودن مالیات به پرداخت‌کنندگان نیز مربوط می‌شود. روش تشکیلاتی و اداره مالیات یک دیدگاه از مالیات را مدنظر قرار می‌دهد. پرداخت‌کننده مالیات بر درآمد، مالیات موردنظر را به طور مستقیم به اداره مالیات می‌پردازد در حالی که در زمان خرید کالاها مشمول مالیات، مالیات منظور شده را غیرمستقیم پرداخت می‌کند. یک دیدگاه دیگر در خصوص مستقیم و غیرمستقیم بودن به اثرات مالیاتی انواع مختلف مالیات‌ها از نظر وقوع نهایی و پرداخت‌کنندگان نهایی آن توجه می‌کند. بر این اساس مالیات‌هایی که درآمد حقیقی پرداخت‌کننده مالیات به دولت را کاهش می‌دهد، مستقیم و مالیات‌های دیگری که ممکن است از یک نفر به نفر دیگر انتقال پیدا کنند، غیرمستقیم هستند. معمولاً مالیات‌های مستقیم را مترادف با مالیات بر درآمد و مالیات غیرمستقیم را مترادف با مالیات بر کالاها عنوان می‌کنند. در این جا نظریاتی در خصوص ارجحیت مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم بیان می‌کنیم:

طرفداران مالیات مستقیم بیان می‌کنند که مالیات‌های مستقیم از همه جهات مناسب‌تر از مالیات‌های غیرمستقیم می‌باشند و مالیات‌های غیرمستقیم به علت عدم توانایی نظام مالیاتی به تشخیص درآمدهای واقعی به اجبار بر بازارها برقرار می‌شود. محور اساسی این گروه طرفدار مالیات مستقیم بر هدف توزیع درآمد قرار دارد و از دیدگاه این افراد مالیات‌ها ابزار اولیه جهت نیل به برابری و توزیع مناسب درآمد هستند. اقتصاددانان دیگری که مالیات‌ها را از دیدگاه‌های توزیع، برابری و تخصیص مورد توجه قرار می‌دهند معمولاً ترکیبی از این دو نوع مالیات را مناسب می‌دانند، به عقیده این گروه مالیات‌های مستقیم به‌منظور ایجاد برابری برقرار می‌شوند و مالیات‌های غیرمستقیم یک روش کسب درآمد برای دولت می‌باشند. در نهایت در بعضی از موارد و در نظریه‌های مالیاتی که مالیات‌های مختلف را مقایسه می‌کنند، علاوه بر موضوعات خرد پارامترهای کلان نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند، لذا گروه سوم مالیات بر درآمد (مستقیم) و مالیات بر مصرف (غیرمستقیم) را مقایسه می‌کنند و معتقدند که مالیات‌های غیرمستقیم (حداقل در شرایط خاص اقتصادی) بر مالیات‌های مستقیم ارجحیت دارند.

#### کج مثال ۱: کدام عبارت زیر نادرست می‌باشد؟

- (۱) مالیات مستقیم مترادف با مالیات بر درآمد است.
- (۲) مالیات غیرمستقیم مترادف با مالیات بر کالاها و خدمات است.
- (۳) مالیات غیرمستقیم مترادف با مالیات بر درآمد است.
- (۴) مالیات مستقیم بر افراد، خانوارها و بنگاه‌ها برقرار می‌شود.

پاسخ: گزینه «۳» به متن درس رجوع شود.

#### کج مثال ۲: کدام تعریف در خصوص مالیات مستقیم و غیرمستقیم نادرست است؟

- (۱) مالیات مستقیم به مالیات‌هایی گفته می‌شود که به طور مستقیم بر افراد، خانوارها و بنگاه‌ها برقرار می‌شوند.
- (۲) مالیات غیرمستقیم بر کالاها و خدمات برقرار می‌شوند.
- (۳) معمولاً مالیات‌های مستقیم را مترادف با مالیات بر مصرف و مالیات غیرمستقیم را مترادف با مالیات بر درآمد عنوان می‌کنند.
- (۴) مالیاتی که درآمد حقیقی پرداخت‌کننده مالیات به دولت را کاهش می‌دهد، مستقیم می‌باشد.

پاسخ: گزینه «۳» در واقع به جز گزینه (۳) بقیه گزینه‌ها صحیح است، در خصوص گزینه (۳) نیز گفتنی است که مالیات‌های مستقیم را مترادف با مالیات بر درآمد و مالیات غیرمستقیم را مترادف با مالیات بر مصرف عنوان می‌کنند نه بر عکس.



# مدرس‌ان شریف

## فصل ششم

### «سایر مالیات‌ها»

#### درسنامه (۱): مالیات بر درآمد و دستمزد



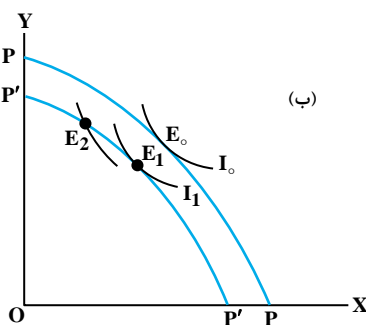
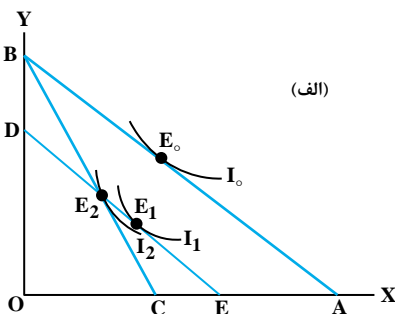
#### مالیات بر درآمد

در بسیاری از کشورها (مخصوصاً کشورهای توسعه‌یافته)، مالیات بر درآمد درصد بالایی از درآمدهای مالیاتی دولت را به خود اختصاص می‌دهد. این مالیات که با نرخ ثابت یا تصاعدی (با اهداف مختلف) وضع می‌شود، مجموع درآمدهای افراد را به عنوان پایه مالیاتی در نظر گرفته و پس از مشخص کردن برخی بخشودگی‌ها و معافیت‌ها، درآمد مشمول مالیات را تعیین می‌کند. برخی از شکل‌های مالیات بر درآمد عبارتند از: مالیات بر درآمد املاک، درآمد کشاورزی، درآمد حقوق، درآمد مشاغل و درآمد اشخاص حقوقی. با توجه به این که در این مالیات کلیه درآمدها با یک نرخ مشمول مالیات می‌شوند، مالیات بر درآمد اثرات نامناسب تخصیص درآمد را به همراه ندارد. در واقع اگر انواع درآمد را به درآمد کار (دستمزد) و سرمایه (سود) خلاصه کنیم، با توجه به این که نرخ مالیات بر دستمزد (کار) و سرمایه (سود) برابر است، تغییری در نسبت کار و سرمایه (در نحوه تخصیص منابع) ایجاد نخواهد کرد.

**نکته ۱:** درآمد افراد را با توجه به مصرف آن‌ها نیز می‌توان اندازه گرفت و مشمول مالیات قرار داد، به صورتی که اگر کلیه هزینه‌های فرد را با یک نسبت مشمول مالیات قرار دهیم مانند این است که کلیه منابع درآمدی آن فرد را با همان نرخ مشمول مالیات قرار داده باشیم.

#### مالیات بر یک کالا در مقابل مالیات بر درآمد یا کلیه کالاها

با توجه به نکته «۱» اگر بر مصرف (هزینه) کلیه کالاها با یک نرخ مشابهی مالیات وضع شود، مشابه مالیات بر درآمد می‌باشد. حال به مقایسه مالیات بر یک کالا در مقابل مالیات بر کلیه کالاها یا مالیات بر درآمد می‌پردازیم. در شکل ۱، نمودار الف منحنی‌های بی‌تفاوتی و خط بودجه برای دو کالای X و Y را نشان می‌دهد، در حالی که نمودار ب منحنی امکانات تولید بین X و Y به همراه منحنی‌های بی‌تفاوتی مصرف‌کننده را نشان می‌دهد. تعادل اولیه قبل از مالیات در هر دو نمودار الف و ب که همراه با کارایی و برابری نرخ نهایی جانشینی در مصرف و تولید نیز می‌باشد  $(MRT_{XY} = MRS_{XY})$ ، نقطه  $E_0$  است. حال پس از برقراری مالیات با نرخ مشابه بر کلیه کالاها (یعنی مالیات بر درآمد)، منحنی‌ها در نمودارهای الف و ب طوری تغییر پیدا می‌کنند که نقطه تعادل جدید (که هنوز هم توأم با کارایی و شرایط آن است)  $E_1$  می‌باشد. اما در صورت برقراری مالیات بر یک کالا (کالای X) خط بودجه جدید از نمودار الف BC بوده و نقطه تعادل در دو نمودار الف و ب،  $E_2$  خواهد بود که شرایط کارایی را به همراه ندارد. لذا وقتی که مالیات به یک نسبت بر هر دو کالا برقرار می‌شود اثر آن مشابه مالیات بر درآمد است که در نسبت قیمت‌ها تغییری ایجاد نکرده و لذا اثر نامناسب در تخصیص ایجاد نمی‌شود. در صورتی که وقتی مالیات بر یک کالا برقرار می‌شود نسبت قیمت‌ها تغییر کرده و به علت جانشینی، تخصیص منابع دچار تغییر خواهد شد. عدم کارایی مالیات بر یک کالا (مصرف یک کالا) یا یک مصرف از درآمد، در مقابل مالیات بر کلیه مصارف از درآمد (هزینه روی کلیه کالاها) در نتیجه این تغییرات است. بار اضافه مالیاتی که به علت برقراری مالیات بر درآمد به وجود آمده، تفاوت بین دو منحنی بی‌تفاوتی  $E_1$  و  $E_2$  می‌باشد.



نمودار (۱) مالیات بر یک کالا در مقابل مالیات بر کلیه کالاها (درآمد)



# مدرسان شریف

## فصل هفتم

### «تأمین اجتماعی و سیستم حمایتی از فقرا»

#### درسنامه (۱): تأمین اجتماعی



معمولاً در چارچوب عدالت به توزیع درآمد اشاره می‌شود و در این راستا نظام تأمین اجتماعی ایجاد شده است. تأمین اجتماعی به این دلیل به وجود می‌آید که مشکلات پیش روی امنیت اجتماعی و اقتصادی را برطرف کند، چرا که بخش خصوصی این عدم امنیت را احساس نکرده و به آن توجهی نمی‌کند یا توانایی انجام اقداماتی در جهت رفع آن را ندارد. این عدم امنیت اجتماعی و اقتصادی می‌تواند موجب بروز فقر شده و اجتماع را از خیلی جهات دچار مشکل کند. تأمین اجتماعی دارای ۳ رکن است:

(۱) **رکن بیمه‌ای:** این رکن از تأمین اجتماعی تمام مفاهیم بیمه‌ای را در بر می‌گیرد. بیمه اجتماعی لازم است که باشد و بیمه خصوصی که اختیار آن با افراد است که داشته باشند یا نه.

(۲) **رکن حمایتی:** این بخش برای گروهی است که درآمد کافی برای بیمه شدن ندارند، یعنی کسانی که سابقه‌ی پرداخت بیمه یا توان پرداخت حق بیمه ندارد. در یک جامعه سالم رکن بیمه‌ای بایستی بیشتر از رکن حمایتی باشد و غالب افراد جامعه را پوشش دهد.

(۳) **رکن امدادی:** در هر کشوری اتفاقات طبیعی رخ می‌دهد و افراد جامعه را دچار فقر می‌کند که این رکن در جهت پوشش این اتفاقات است (در ایران هلال احمر و صلیب سرخ).

تأمین اجتماعی را به عنوان یکی از اهداف دولت‌ها می‌توان قلمداد کرد و یا مجموعه‌ای از سیاست‌ها دانست که در جهت کاهش ریسک (خطرپذیری) و یا حمایت از گروه یا قشر خاصی به کار گرفته می‌شود. سیاست‌هایی که دولت‌ها برای دستیابی به هدف تأمین اجتماعی دنبال می‌کنند، معمولاً به دو گروه تقسیم می‌شوند: سیاست‌های دائمی و سیاست‌های موقت. به طور معمول سیاست‌های دائمی تأمین اجتماعی در کشورهای توسعه یافته از سه عنصر متفاوت تشکیل می‌شوند: الف) کمک‌های اجتماعی براساس سطح درآمد برای کاهش فقر، ب) بیمه‌های اجتماعی که معمولاً برای ایجاد امنیت در طول عمر افراد مورد استفاده قرار می‌گیرند، ج) نوع سوم تأمین اجتماعی به صورت انتقال برای گروه یا قشر مشخصی در جامعه انجام می‌پذیرد.

#### کمک‌های اجتماعی بر اساس سطح درآمد

چنین برنامه‌هایی معمولاً به وضعیت اشتغال افراد بستگی پیدا می‌کند. این کمک‌ها به صورت نقدی و یا جنسی به افرادی که درآمدشان از یک سطح مشخص کمتر باشد، انتقال داده می‌شوند. دریافت‌کنندگان این نوع کمک باید شرایط خاصی داشته باشند تا مشمول این کمک شوند. لذا بایستی شواهد لازم برای نشان دادن وضعیت درآمد آن‌ها وجود داشته باشد، به همین دلیل این نوع تأمین اجتماعی تشکیلات مجزایی دارد.

#### بیمه‌های اجتماعی

بیمه‌های اجتماعی معمولاً صورتی هستند که مستقیماً به درآمد جاری فرد ارتباط پیدا نمی‌کنند هرچند که به وضعیت اشتغال اشخاص بستگی دارند. این نوع تأمین اجتماعی بیشتر برای جبران زیان‌های ایجاد شده به بیمه‌شدگان انجام می‌گیرد. نکته دیگری که در بیشتر موارد از مشخصه‌های بیمه‌های اجتماعی محسوب می‌شود، ارتباط بین سهم پرداختی بیمه‌شدگان و مبلغ کمکی است که در زمان واجد شرایط شدن افراد به آن‌ها پرداخت می‌شود. بیمه‌بیکاری و بازنشستگی، از جمله این گروه تأمین اجتماعی به شمار می‌آیند. بیمه‌های اجتماعی که شامل بازنشستگی نیز می‌باشند عمده‌ترین و وسیع‌ترین نوع تأمین اجتماعی در کشورهای توسعه یافته است. نکته اساسی در هدف بیمه اجتماعی، گستردگی آن به صورت یک بخش عمده از سیستم حمایتی است.

#### تفاوت بیمه خصوصی و بیمه اجتماعی

از جمله تفاوت‌های بین بیمه‌های اجتماعی و خصوصی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

(۱) کم بودن هزینه تصمیم‌گیری در بیمه‌های اجتماعی نسبت به بیمه‌های خصوصی؛ چرا که افراد در بیمه‌های خصوصی که عمدتاً اختیاری است برای تصمیم‌گیری آزادتر هستند.

(۲) گستردگی افراد تحت پوشش در بیمه‌های اجتماعی که باعث کاهش نرخ حق بیمه می‌شود.



# مدرس‌ان شریف

## فصل اول

### «پول»

#### تاریخچه پول

❖ **تعریف:** پول عبارت است از هر چیزی که در ازای ارزش کالاها یا خدمات یا بازپرداخت بدهی پذیرفته شود.

مراحلی که انسان‌ها برای انجام معاملات و مبادلات خود پشت‌سر گذاشته‌اند به ترتیب عبارتند از:

۱- روش مبادله پایاپای یا تهاتری (Barter system)

۲- استفاده از:

الف) پول کالایی      ب) پول فلزی      ج) پول کاغذی      د) پول تحریری یا اعتباری (Fiat money)      ه) پول الکترونیکی

#### درسنامه (۱): روش مبادله پایاپای یا تهاتری (Barter system)



در این روش کالاهای موجود در جامعه برحسب نیاز صاحبان آن‌ها با یکدیگر مبادله می‌شوند. به این نوع مبادله، «پایاپای مستقیم» نیز می‌گویند. این روش دارای مشکلات و معایبی است که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) شخصی که صاحب کالا است و دیگری که خواستار کالا است باید همزمان نیاز به مبادله داشته باشند. این فرآیند کاملاً تصادفی است.

ب) کالاهایی که قرار است مبادله شوند باید از نظر ارزش تناسب داشته باشند. مثلاً اگر شخصی بخواهد یک گوساله را با یک پاپوش مبادله کند نمی‌تواند آن را تقسیم کند، چون ارزش گوساله بیشتر از پاپوش است.

ج) با افزایش تعداد کالاها، افراد باید نسبت‌های زیادی را به خاطر داشته باشند. مثلاً اگر سه کالای A و B و C وجود داشته باشد افراد باید نسبت‌های  $\frac{A}{B}$

و  $\frac{A}{C}$  و  $\frac{B}{C}$  را بدانند. در کل اگر n کالا وجود داشته باشد، رابطه مبادله (نسبت مبادله) وجود دارد، اما با وجود یک کالا به عنوان وسیله مبادله n-1 نسبت مبادله وجود دارد.

د) برخی کالاها فسادپذیرند بنابراین نگهداری آن‌ها تا زمانی که شخصی پیدا شود و آن را مبادله کند، مشکل آفرین است. در واقع نمی‌توان همه دارایی‌ها را ذخیره کرد. ه) جابه‌جایی و حمل و نقل کالاها هزینه‌بر و دردسرساز است. اگر شخص کالای موردنظر را در اطراف محل زندگی‌اش پیدا نکند، باید سفر کند که هزینه‌بر و مشکل‌ساز است.

**کلمه مثال:** اگر شخصی یک گاو داشته باشد و از راه مبادله شیر گاو، زندگی‌اش را اداره کند، در سیستم مبادله پایاپای چه مشکلاتی پیش رو دارد؟

۱) همزمانی نیازها      ۲) فسادپذیری      ۳) حمل و نقل      ۴) همه موارد

☑ **پاسخ:** گزینه «۴» در این مثال ساده و ابتدایی، این شخص ابتدا باید شخصی را پیدا کند که به شیر گاو نیاز داشته باشد که این امر مستلزم صرف مدت زمانی است. در این مدت ممکن است شیر فاسد شود و نتواند آن را بفروشد. همچنین به همین دلیل نمی‌تواند آن را ذخیره کند. برای حمل و نقل آن نیز با مشکل مواجه است و ...



# مدرس‌ان شریف

## فصل دوم

### «عرضه پول»

#### درسنامه (۱): تعاریف پول



- ۱- پول محدود یا  $M_1$ : در تعریف رایج، حجم پول ( $M_1$ ) برابر است با مجموع اسکناس و مسکوکات دست مردم (CU) و سپرده‌های دیداری (DD).
- ۲- تعریف گسترده پول یا  $M_2$ : نقدینگی ( $M_2$ ) برابر است با مجموع حجم پول ( $M_1$ ) و شبه پول (T) یعنی:  $M_2 = M_1 + T$
- به تعریف گسترده پول «حجم نقدینگی» نیز می‌گویند.
- به تعریف محدود پول «عرضه پول» نیز می‌گویند.
- چک‌های مسافرتی جزو  $M_1$  هستند.
- تعاریف دیگری برای پول وجود دارد:  $M_3$  و  $M_4$  و ...
- شبه‌پول شامل سپرده‌های پس‌انداز مدت‌دار است که نسبت به پول نقد از درجه نقدشوندگی کمتری برخوردار بوده و به سهولت جانشین پول نقد نمی‌شوند.
- همچنین طبق تعاریف،  $M_3$  شامل  $M_2$  به علاوه مقادیر پول زیاد (صد هزار دلار و بیشتر) در سپرده‌های مدت‌دار تعادل در مؤسسات مالی، بازپرداخت بدهی توسط مؤسسات مالی و ... می‌شود.

#### 📌 مثال ۱: کدام گزینه در ارتباط با $M_1$ صحیح است؟

- (۱) شکل فیزیکی چک، پول محسوب می‌شود.
- (۲)  $M_1$  به عنوان وسیله پرداخت پذیرفته شده است.
- (۳) به  $M_1$  بهره‌ای پرداخت نمی‌شود.
- (۴) گزینه‌های ۲ و ۳
- ✅ پاسخ: گزینه «۴» در واقع شکل فیزیکی چک، پول محسوب نمی‌شود. بلکه این مانده حساب جاری است که به عنوان بخشی از  $M_1$  تلقی می‌شود. بنابراین به جای واژه چک از سپرده‌های جاری و یا مانده حساب جاری به عنوان بخشی از پول صحبت می‌شود. گزینه‌های ۲ و ۳، تفاوت  $M_1$  با سایر دارایی‌ها است. باید توجه کرد که بازدهی حساب جاری و یا سکه و اسکناس در دست اشخاص صفر است و بهره‌ای به  $M_1$  تعلق نمی‌گیرد.

**تفاوت پول و اعتبار:** پول نقدترین دارایی است که مردم بخشی از ثروت خود را به صورت آن نگهداری می‌کنند. اما اعتبار قدرت خریدی است که به وسیله مؤسسات اعتباری در اختیار قرض‌گیرنده قرار می‌گیرد و قدرت خرید فرد را برای خرید کالاهای بیشتر در حال حاضر، افزایش می‌دهد، مانند وام‌های بانکی. بنابراین پول و اعتبار به یکدیگر مرتبط بوده و اعتبار پایه بسیاری از پول‌های ما می‌باشد. در حقیقت اعتبار در وهله اول پول نیست.

📖 نکته: شبه‌پول در ایران شامل سپرده‌های قرض الحسنه پس‌انداز و سپرده‌های سرمایه‌گذاری مدت‌دار است.

📌 مثال ۲: چنانچه نرخ سود سپرده‌های مدت‌دار افزایش یابد و به این دلیل مردم تمایل پیدا کنند به جای سپرده‌های دیداری سپرده‌های مدت‌دار بیشتری نگهداری کنند، حجم وام‌های بانکی:

- (۱) و نقدینگی ثابت می‌ماند.
- (۲) ثابت می‌ماند و نقدینگی افزایش می‌یابد.
- (۳) افزایش می‌یابد و نقدینگی ثابت می‌ماند.
- (۴) و نقدینگی افزایش می‌یابد.
- ✅ پاسخ: گزینه «۴» اگر تمایل مردم به نگهداری سپرده‌های مدت‌دار به جای سپرده‌های دیداری بیشتر شود، از یک طرف بانک نسبت به ذخایری که در اختیار دارد مطمئن‌تر می‌شود، چون در مورد سپرده‌های دیداری ممکن است مردم هر لحظه سپرده‌های دیداری را به صورت چک منتقل کنند. از طرف دیگر نرخ ذخیره قانونی برای سپرده‌های مدت‌دار کمتر است پس بانک ملزم به نگهداری منابع کمتری به صورت ذخیره قانونی می‌شود. بنابراین در هر دو حالت بالا حجم وام‌های بانکی افزایش می‌یابد در نتیجه حجم پول افزایش می‌یابد و طبق رابطه  $M_2 = M_1 + T$ ، حجم نقدینگی افزایش می‌یابد.





## مدرس‌ان شریف

### فصل سوم

#### «تقاضای پول و نرخ بهره»

#### نظریه‌های پولی

تقاضای پول به معنای نگهداری پول است.

اولین مدل اقتصادی برای بررسی روابط بین متغیرهای اقتصادی مانند سطح قیمت‌ها، سطح تولید و درآمد ملی اشتغال و ..... مدل کلاسیک است. این مدل از سال ۱۷۷۰ تا قبل از بحران بزرگ دهه ۱۹۳۰ مورد قبول نظام سرمایه‌داری بود. براساس این مدل همواره مکانیزمی وجود دارد که اقتصاد را به سمت اشتغال کامل هدایت می‌کند. در واقع این مدل بیان می‌کند که نظام سرمایه‌داری یک سیستم اقتصادی «خودتنظیم‌کننده» است. اقتصاددانان کلاسیک وجود بیکاری موقتی از نوع بیکاری اصطلاحی را درک کرده‌اند اما از نظر آنان بیکاری غیرارادی وجود ندارد. چون افزایش بیکاری موجب کاهش دستمزدها و در نتیجه افزایش تقاضای نیروی کار می‌شود و مجدداً تعادل در بازار کار برقرار می‌شود و به سطح تولید اشتغال کامل می‌رسیم.

از نظر اقتصاد کلاسیک نرخ دستمزدها و قیمت‌ها انعطاف‌پذیر بوده و تولیدات انجام شده به فروش می‌رسد. یعنی عرضه تقاضای خود را به وجود می‌آورد. بنابراین دولت دخالتی در اقتصاد ندارد. اما براساس این دیدگاه، پول صرفاً به عنوان یک واسطه مبادله است و تغییرات در عرضه پول اهمیتی ندارد، چون افزایش در عرضه پول منجر به افزایش قیمت همه کالاها به یک نسبت می‌شود و برعکس یعنی قیمت نسبی کالاها تغییری نمی‌کند. از آنجایی که تصمیمات مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان براساس قیمت‌های نسبی است، پس تغییرات در عرضه پول تأثیری بر متغیرهای حقیقی اقتصاد مانند اشتغال، تولید، درآمد حقیقی مصرف و پس‌انداز حقیقی ندارد و تغییرات حجم پول فقط بر متغیرهای اسمی (پولی) مؤثر است و پول خنثی است.

در نظریه کینز، مکانیسم «خودتنظیم‌کنندگی» اقتصاد کلاسیکی مورد سؤال واقع شده است. کینز برخلاف اقتصاددانان کلاسیک معتقد بود که تقاضا عرضه خود را به وجود می‌آورد.

در دهه ۱۹۷۰ وجود تورم رکودی موجب ناکارآمدی نظریه کینز شد و مدل پولیون مطرح گردید. مدل پولیون بر این مسئله تأکید می‌کند که سیاست پولی و مالی فقط با فریب عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان کار، می‌تواند با عرضه تقاضای کار بیشتر، بیکاری را کاهش دهد و نرخ بیکاری به مقدار طبیعی خود می‌رسد. این مدل یادآور مدل کلاسیک‌هاست، چون فرض می‌کند که اولاً اقتصاد خودتنظیم‌کننده است و ثانیاً تغییرات در عرضه پول در بلندمدت تأثیری بر متغیرهای حقیقی ندارد. یک نظریه جدیدتر یعنی فرضیه انتظارات عقلایی، پیشنهاد می‌کند که سیاست پولی و مالی نمی‌تواند مردم را به طور مرتب در ناآگاهی نگه دارد. در واقع در نظریه پولیون مردم در کوتاه‌مدت اشتباه می‌کنند اما در بلندمدت سیاست‌های پولی و مالی بر متغیرهای حقیقی بی‌تأثیرند ولی در این مدل (انتظارات عقلایی) سیاست‌های پولی و مالی حتی در بلندمدت هم بر متغیرهای حقیقی بی‌تأثیرند.

#### درسنامه (I): نظریه مقداری پول



نظریه «مقداری پول» اولین بار در قرن ۱۶ میلادی توسط «جین بادین» معرفی شد و ویلیام پتی، جان لاک و کانتیون و هیوم از طرفداران آن بودند. الف) ویلیام پتی: حجم بسیار کمی از پول توانایی قابل توجهی در ایجاد معاملات تجاری برخوردار است، مشروط بر اینکه سرعت گردش آن در حد کافی باشد. ب) جان لاک: تجارت داخلی تا حد قابل توجهی متأثر از حجم پول می‌باشد به طوری که حجم پول بیشتر، زمینه‌های استفاده از نیروی کار بیشتر در فرآیند تولید و اشتغال بیشتر را به همراه دارد.

ج) ریچارد کانتیون (Richard cantillon): اولین کسی بود که افزایش حجم پول را در تقاضای مؤثر و سطح قیمت‌ها نشان داد.

د) دیوید هیوم: افزایش مقدار پول تحت شرایط خاص، موجب افزایش فعالیت‌های اقتصادی می‌شود. در صورت ثبات بافت طبقاتی جامعه و عادات پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در جامعه، گردش پول تعادل جدیدی را در اقتصاد ایجاد می‌کند که در این وضعیت، قیمت‌ها متناسب با افزایش حجم پول، افزایش خواهند یافت.



# مدرسان شریف

## فصل چهارم

### «بانک و بانکداری»

#### درسنامه (۱): بانک



پول، مفهوم جدیدی است اما بانک از گذشته‌های دور وجود داشته است. می‌توان گفت بانک ریشه دینی دارد. در واقع در گذشته‌های دور معابد نقش بانک را بازی می‌کردند. کاهنان این معابد گنجینه‌های موجود در معبد را به صورت قرض به افراد می‌دادند و مقادیری بیش از آنچه قرض می‌دادند پس می‌گرفتند. معابد بعد از معروف شدن، شروع به جمع‌آوری هدایا کردند، ضمناً سپرده نیز قبول می‌کردند. مردم مکان امنی برای اجناس قیمتی خود یافته بودند. در یونان باستان، ایران، بابل، چین و روم باستان، بانکداری به مفهوم گفته شده رواج داشته است. در این میان سوء استفاده‌هایی توسط تجار و زرگران انجام می‌شد و این افراد با جمع‌آوری و نگهداری ثروت افراد، با اقدامی شبیه به معابد، بر ثروت خویش می‌افزودند. در قرن چهارم قبل از میلاد، ارسطو عنوان می‌کند پول، پول نمی‌زاید و اصل بهره را رد می‌کند. در بابل نیز در منشور حمورابی مشاهده شده است که «کلیه فعالیت‌های مربوط به دادن وام می‌بایست زیر نظر مأموران منصوب به پادشاه انجام گیرد.» در قرون وسطی بانکداری بیشتر توسط یهودیان انجام می‌گرفت زیرا کلیسا بهره را حرام کرده بود و این، مانعی برای بانکداری مسیحیان بود. لومباردها خانواده‌ای ایتالیایی بودند که نقش گسترده‌ای در بانکداری در دوره رنسانس داشتند. اما کلمه بانک از واژه آلمانی بانک (Banck) به معنای شرکت و یا از واژه بانکو (Banco) در زبان ایتالیایی به معنای نیمکت گرفته شده است؛ Banco در ایتالیا محل کسب صرافان ایتالیایی بود.

براساس یک تعریف، بانک یک مؤسسه انتفاعی است که با سرمایه خود و یا سپرده‌های مشتریان به منظور کسب سود، اقدام به جمع‌آوری سپرده‌ها، دادن وام و اعتبار و ارائه خدمات بانکی می‌نماید. امروزه بانک زمینه‌های رشد کشور را از طریق جمع‌آوری سپرده‌های افرادی که قادر به سرمایه‌گذاری نیستند مهیا می‌کند. در واقع بانک سپرده‌های افراد را جمع‌آوری می‌کند و در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. این عمل در کشورهای در حال توسعه بسیار مهم‌تر است، چون در اینگونه کشورها درآمد سرانه در حد پایینی است و میل نهایی افراد به مصرف بالاست بنابراین پس‌اندازها و منابع مالی کمتری وجود دارد. مجموع فعالیت‌ها و عملیاتی که توسط بانک‌ها صورت می‌گیرد **بانکداری** نامیده می‌شود.

**کلمه مثال ۱:** گزینه صحیح را انتخاب کنید.

- (۱) بانک بعد از پیدایش پول به وجود آمده است.  
 (۲) بانک ریشه دینی دارد.  
 (۳) قدمت بانک در ایران مربوط به ۱۵۰ سال اخیر است.  
 (۴) معابد برای رضای خدا اجناس افراد را قرض می‌دادند.

**پاسخ:** گزینه «۲» بانک از گذشته وجود داشته است در حالی که پول قدمت کمتری نسبت به بانک دارد. ابتدا معابد نقش بانک را برعهده داشتند لذا می‌توان گفت بانک ریشه دینی دارد. در تمدن‌های باستانی همانند ایران، روم و چین و... بانکداری به شیوه گفته شده یا مشابه آن وجود داشته است.

**کلمه مثال ۲:** هدف بانک از فعالیت چیست؟

- (۱) جمع‌آوری سپرده‌های مردم برای کمک به توسعه اقتصادی  
 (۲) انتشار پول  
 (۳) کسب سود  
 (۴) اعطای وام

**پاسخ:** گزینه «۳» همان‌طور که از تعریف بانک برمی‌آید بانک یک مؤسسه انتفاعی است که با استفاده از سرمایه خودش و با سپرده‌های مشتریان به منظور کسب سود به ارائه خدمت می‌پردازد. گزینه (۱) و (۴) وسیله‌های رسیدن به هدف بانک هستند و انتشار پول از وظایف بانک مرکزی است.



# مدرس‌ان شریف

## فصل پنجم

### «بانک مرکزی و سیاست‌های پولی»

#### درسنامه (۱): بانک مرکزی



نخستین بانک مرکزی دنیا، بانک انگلستان است. بانک مرکزی به وسیله وظایفی که برعهده دارد شناخته می‌شود. بانک مرکزی امروزه وظایف زیادی را انجام می‌دهد و هر تعریفی هم که از بانک مرکزی صورت می‌گیرد از وظایف آن ناشی می‌شود، به ویژه آن که این وظایف از زمانی به زمان دیگر و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است بنابراین یک تعریف واحد از بانک مرکزی، امری مشکل است.

#### وظایف بانک مرکزی

۱- انتشار اسکناس و ضرب مسکوک ۲- بانک دولت ۳- بانکی برای سایر بانک‌ها ۴- تنظیم و نظارت بر مؤسسات مالی داخلی ۵- حفظ و مدیریت ذخایر ارزی کشور ۶- انجام عملیات بانکی با سایر بانک‌های مرکزی جهان و مؤسسات مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول ۷- ارائه تسهیلات اعتباری از طریق تنزیل مجدد به بانک‌های تجاری یا سایر بانک‌ها (وام‌دهنده نهایی) ۸- اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری

**مثال ۱:** کدام مورد از وظایف بانک مرکزی است؟

- (۱) اجرای سیاست‌های مالی (۲) اجرای سیاست‌های پولی (۳) حفظ نرخ ارز در نظام نرخ ارز ثابت (۴) گزینه ۲ و ۳

پاسخ: گزینه «۴» سیاست‌های مالی توسط دولت انجام می‌شود و از وظایف بانک مرکزی نیست.

**نکته ۱:** جمع‌آوری و از جریان خارج کردن اسکناس و مسکوک نیز توسط بانک مرکزی انجام می‌شود.

**نکته ۲:** در برخی کشورها علاوه بر حساب‌های دولت، حساب‌های شهرداری‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به دولت نیز توسط بانک مرکزی نگهداری می‌شود.

**نکته ۳:** اعتبارات سرمایه‌ای که توسط مؤسساتی مانند بیمه‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و ... تأمین می‌شود، از محدوده کنترل اعتباری بانک مرکزی خارج است. در واقع کنترل بانک مرکزی بر بازار سرمایه ضعیف و خفیف است.

استقلال بانک مرکزی، یعنی فعالیت در جهت تثبیت قیمت‌ها و انجام عملیات پولی مستقل از نفوذهای سیاسی. برخی استقلال بانک مرکزی را نشانه رشد و توسعه می‌دانند، چون سیاست‌های پولی را براساس اهداف و مقیاس‌های تکنیکی بنا می‌کند و کنترل پول از بازی‌های سیاسی جدا می‌شود. گروهی آن را ضدموکراتیک می‌دانند، چون ممکن است گروهی از مسئولان غیرانتخابی در بانک تصمیماتی بگیرند که بر سرنوشت یک ملت اثر بگذارد و این دموکراسی را زیر سؤال ببرد. این گروه معتقدند سیاست پولی نیز باید توسط نمایندگان مردم طراحی شود مانند سیاست‌های مالی.

**مثال ۲:** چرا انتشار اسکناس باید در انحصار بانک مرکزی باشد؟

- (۱) خلق پول اعتباری توسط بانک‌های تجاری، کنترل گسترش اعتبارات توسط بانک‌های تجاری را مؤثرتر می‌کند.  
 (۲) اگر اسکناس توسط چندین بانک تجاری منتشر شود، نمی‌تواند به حیثیت و اعتبار قابل ملاحظه‌ای دست یابد، اسکناس‌های منتشر شده توسط بانک مرکزی از خاصیت‌های یکنواختی برخوردارند.  
 (۳) کنترل و نظارت دولت بر کارهای غیرقانونی و قانون‌شکنی در رابطه با انتشار اسکناس، آسان‌تر می‌شود.  
 (۴) همه موارد

پاسخ: گزینه «۴» موارد اشاره شده از دلایل انحصاری بودن نشر اسکناس توسط بانک مرکزی است.

**مثال ۳:** جمع‌آوری سکه و اسکناس‌هایی که نامعتبر اعلام می‌شوند وظیفه کیست؟

- (۱) بانک مرکزی (۲) وزارت دارایی (۳) دولت (۴) شورای پول و اعتبار

پاسخ: گزینه «۱» ضرب و نشر اسکناس و جمع‌آوری اسکناس مسکوک که به دلایل مختلفی فاقد اعتبار هستند از وظایف بانک مرکزی است. دلایل جمع‌آوری سکه و اسکناس: ۱- کاهش ارزش به دلیل تورم ۲- فزونی هزینه نشر بر درآمد آن‌ها (ارزش آن‌ها) ۳- تبدیل اسکناس به سکه برای ماندگاری بیشتر ۴- تغییر حکومت و ...



# مدرس‌ان شریف

## فصل ششم

### «پول و بانکداری الکترونیکی»

#### درسنامه (۱): پول الکترونیکی



هنوز تعریف واحدی از پول الکترونیکی وجود ندارد. در زیر برخی تعاریف پول الکترونیکی آورده شده است: الف) جامعه اروپا بر روی قطعه‌ای الکترونیکی همانند تراشه کارت یا حافظه کامپیوتر به صورت الکترونیکی ذخیره شده است و به عنوان یک وسیله پرداخت برای تعهدات شخصی یا اشخاص غیر از مؤسسه صادر کننده پذیرفته شده است. هدف از ساخت قطعه الکترونیکی این است که به این منظور ساخته شده است که به عنوان جانشین الکترونیکی برای سکه و اسکناس در دسترس و اختیار استفاده‌کنندگان قرار گیرد. همچنین به منظور انتقال الکترونیکی وجوه و پرداخت‌های با مقدار محدود ایجاد شده است. ب) مشاور امور مصرف‌کنندگان فدرال رزرو آمریکا: پولی است که به صورت الکترونیکی حرکت کرده و به گردش در می‌آید و می‌تواند به صورت کارت هوشمند یا کارت‌هایی که در آن‌ها ارزش ذخیره شده یا کیف پول الکترونیکی ارائه شود. همچنین می‌تواند در پایانه فروش استفاده شده و یا بدون دخالت هیچ شخص دیگری و مستقیماً به صورت شخص به شخص مورد استفاده قرار گیرد و نیز می‌تواند از طریق خطوط تلفن به سوی بانک‌ها یا دیگر ارائه‌دهندگان خدمات یا صادرکنندگان (پول الکترونیکی) به حرکت درآمده و یا خرج شود.

#### کلمه مثال ۱: کارت تلفن:

- (۱) پول الکترونیکی است.  
 (۲) برای انتقال وجوه به کار می‌رود.  
 (۳) جانشین پول الکترونیکی می‌شود.  
 (۴) هیچ‌کدام

پاسخ: گزینه «۴» کارت تلفن یک کارت تک‌منظوره (تماس تلفنی) است که مبلغ آن از قبل پیش‌پرداخت شده است، اما پول الکترونیکی همان‌طور که در تعاریف آمده است موارد استفاده گوناگونی دارد.

**تراکنش:** یک پیام الکترونیکی که بنا به تقاضای مشتری در یکی از درگاه‌های ارائه خدمات بانکی مانند خودپرداز یا پایانه فروش، ایجاد و به شبکه الکترونیکی بانکی ارسال می‌شود.

#### ویژگی‌های پول الکترونیکی

۱- ارزش بر روی قطعه یا وسیله الکترونیکی و به صورت الکترونیکی ذخیره شده است. ۲- ارزش موجود در پول الکترونیکی به چند طریق و به صورت الکترونیکی قابل انتقال است. ۳- برای انتقال وجه باید سابقه (برخی اطلاعات) طرفین معادله در یک پایگاه داده مرکزی ثبت و ضبط شده باشد. ۴- تعداد افراد درگیر در معادله پول الکترونیکی بسیار بیشتر از معاملات قراردادی است. مانند صادرکننده ارزش پول الکترونیکی - اپراتور شبکه - فروشنده سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای مخصوص - نقل و انتقال‌دهنده و تسویه‌کننده معاملات پول الکترونیکی.

#### نکته ۱: صادر کننده پول الکترونیکی مهمترین شخص در معامله پول الکترونیکی است.

۵- موانع منفی و اشتباهات انسانی اجرای معاملات را با مشکل مواجه می‌کنند در حالی که در معاملات مبتنی بر کاغذ چنین نیست. ۶- فراملیتی یا بدون مرز است. ۷- نیاز به حضور فیزیکی پرداخت‌کننده و دریافت‌کننده نیست.

#### پول الکترونیکی موجب:

الف) افزایش کارایی مبادلات

ب) ارزانتر شدن مبادلات به واسطه استفاده از اینترنت و تلفن

ج) آسان شدن مبادلات با توجه به استفاده از تلفن و شعبه اینترنتی بانک

**نکته ۲:** در بحث پول الکترونیکی نیز مباحث مربوط به تبدیل‌پذیری پول الکترونیکی به سکه و اسکناس وجود دارد و انتشار پول

الکترونیکی بیش از توان پاسخ‌گویی بانک‌ها ممکن است مشکل‌آفرین باشد.



# مدرسان شریف

## فصل هفتم

### «ارز»

#### درسنامه (۱): تعریف ارز

ارز: عبارت است از هر نوع وسیله پرداخت به پول خارجی

ارز منحصر به سکه و اسکناس‌های منتشر شده توسط بانک مرکزی کشورها نیست و چک، سفته و بروات ارزی، حواله‌های ارزی و اعتبارنامه مسافرتی را نیز شامل می‌شود.

**الف) چک ارزی:** یکی از وسایل انتقال وجوه بین کشوری می‌باشد که مبلغ آن به ارز نوشته می‌شود نه به پول محلی. بر دو نوع است: ۱- وصولی ۲- خرید.

۱- **چک ارزی وصولی:** وقتی این چک به بانک ارائه می‌شود بانک آن را به بانک صادرکننده یا کارگزار خودش ارسال می‌کند و پس از دریافت اعلامیه بانک صادرکننده یا بانک کارگزار مبنی بر بستنکار کردن حساب خویش، وجه چک را پس از کسر کارمزد واریز می‌کند.

۲- **چک ارزی خرید:** بانک پس از کنترل‌های لازم مبلغ چک را برای ذی‌نفع واریز می‌کند.

**ب) سفته و برات ارزی:** همان سفته و برات با تعریف گذشته است با این تفاوت که مبلغ آن‌ها به ارز نوشته می‌شود.

**ج) حواله ارزی:** در این مورد اگر بانک صادرکننده حواله، نزد بانک خارجی حساب داشته باشد طبق حواله از بانک خارجی می‌خواهد تا مبلغ حواله را بپردازد و اگر نزد بانک خارجی حساب نداشته باشد از بانک خارجی می‌خواهد تا از بانک دیگری که هر دو نزدش حساب دارند مبلغی را به شخص پرداخت نماید. حواله می‌تواند شکل کتبی، تلگرافی، تلکسی یا سوئیفتی صادر شود.

**د) اعتبارنامه مسافرتی:** برای جهانگردان و تجار صادر می‌شود. این افراد با مراجعه به بانک در خارج، آن را به بانک ارائه می‌کنند و بانک پس از تطابق امضا و حصول اطمینان از صحت اعتبارنامه، مبلغ آن را پرداخت می‌کند و جدول ضمیمه اعتبارنامه را تکمیل و مهر و امضاء می‌کند.

**کج مثال ۱:** از نظر یک شهروند ایرانی کدام یک از موارد زیر «ارز» هستند؟

- (۱) یورو (۲) ریال (۳) دلار در آمریکا (۴) هیچ کدام

**پاسخ:** گزینه «۱» ارز یعنی وسیله پرداخت به پول خارجی یا به عبارت ساده‌تر پول خارجی. بنابراین یورو در ایران یک ارز است. ریال پول محلی ایران است و طبق تعریف ارائه شده، دلار در آمریکا پول داخلی آمریکاست خواه استفاده کننده آمریکایی باشد خواه ایرانی، آلمانی و ...

**کج مثال ۲:** گزینه صحیح را انتخاب کنید.

(۱) ارز صرفاً به شکل اسکناس وجود دارد.

(۲) سفته و برات برای انجام امور داخل کشور معتبر هستند.

(۳) اعتبارنامه مسافرتی یکی از روش‌های انتقال ارز است.

(۴) مسافران و جهانگردان باید پول خود را در کشورشان به پول کشور مقصد تبدیل کنند.



# مدرس‌ان شریف

## فصل اول

### «کلیات اقتصاد اسلامی»

#### درسنامه (۱): مبانی علم اقتصاد اسلامی



#### علم اقتصاد و علم اقتصاد اسلامی

اقتصاد، علمی است که پدیده‌ها و رخداد‌های زندگی اقتصادی جوامع انسانی را بررسی و پس از شناخت روابط موجود بین آن‌ها، چگونگی استفاده از منابع تولیدی را برای تأمین نیازهای اقتصادی و بهبود اجتماع بشری ارزیابی می‌کند. منابع تولیدی در طبیعت نامحدود نیست، از این رو هنر علم اقتصاد، انتخاب بهترین روش برای استفاده از منابع محدود است. مباحث اقتصادی، قلمرو وسیعی دارد که با توجه به وسعت و گستردگی، به موارد زیر قابل تقسیم است:

**(الف) اقتصاد تشریحی:** که شامل حقوق اقتصادی و مکتب اقتصادی است.

**(ب) اقتصاد تحلیلی:** شامل مباحث علمی اقتصاد است و به بررسی و تحلیل رفتارهای اقتصادی افراد و ساخت الگوهای مناسب و هماهنگ با اهداف و برنامه‌های مکتبی می‌پردازد.

**(ج) اقتصاد تدبیری:** این بحث شامل سیاست‌های اتخاذ شده در نظام اقتصادی می‌باشد.

اقتصاد اسلامی مجموعه‌ای از قوانین، نظریات، نهادها و الگوهای مورد قبول شریعت اسلام است که در رابطه با مسائل تولید، توزیع و مصرف ارائه شده‌اند و در همه آن‌ها تأمین عدالت اجتماعی تعقیب می‌شود.

(سراسری ۸۹)

**کج مثال ۱: اقتصاد تشریحی از چند بخش تشکیل می‌شود؟**

- ۱) دو بخش قوانین و مقررات شرعی
- ۲) دو بخش اجرای اوامر و ترک نواهی
- ۳) دو بخش اقتصاد تحلیلی و اقتصاد تدبیری
- ۴) دو بخش حقوق اقتصادی و مکتب اقتصادی

**پاسخ:** گزینه «۴» اقتصاد تشریحی از دو بخش حقوق اقتصادی و مکتب اقتصادی تشکیل می‌شود. حقوق اقتصادی به بررسی قوانین و مقررات شرعی و آثار حقوقی آن‌ها پرداخته و جوامع انسانی مکلف به اجرای آن‌ها می‌باشند. در بخش مکتب اقتصادی، خطوط اصلی ارزش‌های موردنظر جامعه و اهدافی که جامعه برای حفظ و دستیابی به آن‌ها باید تلاش کند، تشریح می‌شود.

**نکته ۱:** علم اقتصاد از جمله علوم انسانی است. عامل اراده و اختیار در انسان‌ها و تأثیر گرایش‌های اقتصادی و فرهنگی و ... در رفتار

آن‌ها، به دانشمندان علوم انسانی اجازه نمی‌دهند تا بتوانند همانند علوم طبیعی، دست به آزمایش بزنند.

**نکته ۲:** آزمون در علوم انسانی (اقتصاد) با روش قیاس منطقی و یا استقرای آماری صورت می‌گیرد.

فلاسفه ملاک علمی بودن را آزمون‌پذیری و ابطال‌پذیری می‌دانند؛ بنابراین مفهوم اصلی شناخت علمی، روش تجربی است.

با توجه به ویژگی‌های نظریات علمی، می‌توان نظریات مربوط به رفتارهای اقتصادی را در جامعه اسلامی تحت عنوان «علم اقتصاد اسلامی» طبقه‌بندی و ارائه کرد؛ زیرا اولاً آزمون‌پذیر و ابطال‌پذیرند، ثانیاً روش تحقیق آن‌ها تجربی است، ثالثاً همه گزاره‌های آن در جهت واقع‌نمایی و پیش‌بینی رخداد‌های آتی است.

**نکته ۳:** پسوند «اسلامی» در «علم اقتصاد اسلامی»، بدان معنی است که علم اقتصاد اسلامی با توجه به رفتارهای افراد در جامعه اسلامی و متأثر از

فرهنگ اسلامی، بینش‌ها و ارزش‌های حاکم بر آن می‌باشد، بنابراین رابطه محکمی با مکتب اقتصاد اسلامی دارد.



## مدرسان شریف

### فصل دوم

#### «قواعد فقهی اسلام و جایگاه آن در اقتصاد»

##### قاعده فقهی

قاعده به ضابطه و اصل کلی گفته می‌شود که بر تمام جزئیات و مصادیق خود در خارج منطبق باشد. در اصطلاح فقهی، به آن دسته از احکام کلی فقه گفته می‌شود که با مسائل فقهی مرتبط و در ابواب مختلف فقه قابل تطبیق و اجرا باشد. بنابراین قاعده فقهی عبارت است از: ضابطه و اصل کلی پذیرفته شده در دانش فقه که فقیه در حل مسائل مربوط به یک یا چند باب فقهی از آن بهره می‌گیرد.

##### ویژگی‌ها و مشخصه‌های قاعده فقهی

الف - مستند بودن: چون هر قاعده فقهی، حکمی از شریعت است باید برگرفته از منابع فقه و مستند بر مبنای آن باشد؛ در غیر این صورت فقیه هیچ‌گونه مجوزی برای انطباق آن با مصداق خارجی به منظور صدور حکم شرعی نخواهد داشت.  
 ب - کلیت و شمول: یک قاعده فقهی باید بر تمام مصادیق خارجی‌اش انطباق داشته باشد. مثلاً قاعده نفي ضرر شامل هر ضرری بوده (مالي، جانی و حیثیتی) و همچنین در تمام زمان‌ها و مکان‌ها بر تمام مصادیق خود انطباق دارد.  
 ج - کاربردی بودن (عملی بودن): قاعده فقهی در حقیقت ابزار کار فقیه در حوزه فقاقت و استنباط احکام شرعی است و فقیه خود را ملزم می‌داند تا در ارائه راه‌حل‌های مناسب عملی و قابل به‌کارگیری برای بسیاری از مسائل جامعه، به ویژه مسائل نوظهور، از آن بهره بگیرد.  
 انواع قواعد فقهی اسلام مرتبط با اقتصاد

قواعد فقهی از لحاظ اختصاص و عدم اختصاص به مسائل اقتصادی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

الف - قواعد فقهی عام: قواعدی که بر بخش‌های مختلف اقتصادی و غیراقتصادی قابل انطباق بوده و دارای زمینه اجرایی باشد، یعنی مسائل اقتصادی و غیراقتصادی را شامل می‌شود. مانند قاعده نفي ضرر، نفي سبيل، نفي عسر و حرج و ...  
 ب - قواعد فقهی خاص (خاص اقتصاد): آن دسته از قواعد فقهی را شامل می‌شود که تنها به بخش اقتصاد اختصاص دارد: مانند قاعده حیانت، قاعده اتلاف، قاعده سلطنت و ...

#### درسنامه (۱): قواعد فقهی عام



##### قاعده نفي ضرر

قاعده نفي ضرر به استناد به حدیث «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» بیان می‌شود و بدین معنی است که احکام مضر و زیان‌رسان در شریعت اسلام وجود ندارد. مفهوم قاعده نفي ضرر و اقسام آن: برای کلمه «ضرر» دو معنی متصور است:

(۱) - نقص در مال و جان و حیثیت

(۲) - ضیق و تنگنا و سوء‌حال که ناشی از نقص در مال یا جان یا حیثیت و یا سلب حقی از انسان باشد.

ضررها به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

۱- ضررهای حقیقی: مثلاً انسان مال یا عضوی از بدن خود را از دست بدهد.

۲- ضررهای اعتباری: ضرری که از ناحیه سلب حقی از حقوق انسان بر وی وارد می‌شود. مانند حق شفعه.

حق شفعه بدین معنی است که اگر یکی از چند شریک بخواهد سهم خود را به دیگران بفروشد، شرکای قبلی برای خرید سهم وی از اولویت برخوردارند که این اولویت حق شفعه است.

۳- ضررهای نسبی: ضرری که نسبت به عدم تأمین غرض باشد. مثلاً اگر تاجری سود نبرد می‌گویند ضرر کرده است.



# مدرس‌ان شریف

## فصل سوم

### «مالکیت در اسلام و آثار اقتصادی آن»

#### درسنامه (۱): مبانی و اصطلاحات مالکیت و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی



#### تعریف مالکیت

مالکیت عبارت است از رابطه اعتباری بین مال و شخص (حقیقی یا حقوقی) به طوری که حق تصرف و سلطه بر آن را دارا بوده و از نظر حقوقی بتواند مانع تصرف دیگران شود. این تعریف عناصر و نکات ذیل را داراست:

الف - مالکیت، نفس رابطه است و نه طرف رابطه؛ یعنی مفهوم ذات الاضافه نیست بلکه خود اضافه است.  
 ب - مالکیت یک رابطه اعتباری است نه حقیقی، چون رابطه ممکن است حقیقی باشد: مثل رابطه علیت که با قرارداد و اعتبار به وجود نمی‌آید. البته اعتباری بودن بدان معنی نیست که مالکیت، یک مسئله وهمی و خالی از هر محتوایی است، بلکه در عین این‌که رابطه اعتباری و حقوقی است، منشأ و مقتضی واقعی دارد. خاستگاه واقعی آن، مصالح و اولویت‌هایی است که در مورد اعتبار مالکیت به وجود می‌آید.  
 ج - طرف شخص حقیقی را دربردارد و هم شخص حقوقی را.  
 ه - هدف از جعل مالکیت، این است که به مالک حق تصرف در مال داده شود، به گونه‌ای که بتواند مانع تصرف دیگران شود.

#### کج مثال ۱: مفهوم جعل مالکیت چیست؟

(سراسری ۹۰)

- ۱) عدم رابطه بین شخص و ثروت  
 ۲) رابطه اعتباری و اختصاصی بین ثروت و شخص  
 ۳) حق تصرف در اموال به شکلی که مانع تصرف دیگران شود.  
 ۴) سلب حق تصرف در اموال به شکلی که مانع تصرف دیگران شود.

✓ پاسخ: گزینه «۳» هدف از جعل مالکیت، این است که به مالک حق تصرف در مال داده شود، به گونه‌ای که بتواند مانع تصرف دیگران شود.

#### فلسفه مالکیت

مکتب‌های اقتصادی جهان، متأثر از ایدئولوژی و دیدگاه هستی‌شناختی و فلسفه خود، نظریات گوناگونی درباره مالکیت ارائه کرده‌اند. مکتب سرمایه‌داری که بر اساس فلسفه فردگرایی و آزادی فردی بنا شده است، به مالکیت خصوصی اهمیت بسیاری می‌دهد و مکتب سوسیالیسم، مبتنی بر فلسفه دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی، اصالت را به جمع می‌دهد و آزادی‌های فردی و مالکیت شخصی را محدود می‌کند. هر دو مکتب سرمایه‌داری و سوسیالیستی علی‌رغم اختلاف اساسی در مسئله مالکیت، اصالت را به ماده و زندگی دنیا می‌دهند.

مکتب اسلام بر اساس جهان‌بینی خود، تفسیر خاصی از مالکیت دارد که تحت دو عنوان زیر بررسی می‌شود:

**الف- تفسیر اخلاقی مالکیت:** تفسیر اخلاقی برای مالکیت، برپایه مالکیت حقیقی خداوند متعال نسبت به جهان و تمام آن‌چه در آن است، می‌باشد، به گونه‌ای که هر آن‌چه در این جهان وجود دارد ملک خدای متعال است. قرآن کریم تنها خداوند را مالک حقیقی می‌داند: «لله ما فی السموات و ما فی الارض»، مالکیت خصوصی که فرع مالکیت حقیقی خداوند است، در مفهوم جانشینی انسان، از خدا شکل می‌گیرد: «هو الذی جعلکم خلائف فی الارض [فاطر، آیه ۳۹]» یعنی خداوند شما را در روی زمین خلیفه و جانشین خود قرار داده است. نتیجه اخلاقی این بحث آن است که انسان، از جهت رفتارهای اقتصادی و غیراقتصادی خود، در مقابل کسی که او را جانشین قرار داده، مسئول است.





# مدرس‌ان شریف

## فصل چهارم

### «سیستم توزیع درآمد در اقتصاد اسلامی»

#### درسنامه (۱): مفاهیم و دیدگاه‌های اسلام نسبت به توزیع درآمد جامعه



سیستم توزیع درآمد در نظام اقتصاد اسلامی را می‌توان در دو مجموعه منفک توزیع اولیه و توزیع ثانویه درآمد و هریک از آنها را در سه نوع مجزا با ارتباط خاصی که با هم دارند، مورد توجه قرار داد که عبارت‌اند از: توزیع حکمی، توزیع حکومتی و توزیع پویا. ابتدا به تشریح هریک از موارد یاد شده در خصوص توزیع اولیه درآمد می‌پردازیم و ارتباط آن را به ویژه با توجه به عامل هماهنگ‌کننده بررسی می‌کنیم.

براساس توزیع حکمی نکاتی مطرح می‌شود: نکته اول اینکه، اسلام برای درآمد محدودیت کمی قرار نداده است، زیرا درآمدها برحسب مقدار در زمان‌های گوناگون و مناطق مختلف، تفاوت اساسی دارند. از این رو، مجموعه محدودیت‌های نظام اسلامی کیفی است نه کمی و قسمتی از آنها پیدایش و اصل درآمد را کنترل می‌کنند که همان محدودیت‌های ناشی از تخصیص هستند و تحت عنوان محدودیت‌های ناشی از احکام اولیه معرفی می‌شوند. نکته دوم اینکه، قسمت دیگری از محدودیت‌های حکمی حقوق اسلامی از توزیع اولیه درآمد ناشی می‌شود.

براساس توزیع حکومتی ما با دو دسته محدودیت مواجه هستیم: دسته اول، محدودیت‌هایی است که از ناحیه تخصیص حکومتی، توزیع درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد که شکل‌گیری آنها برای رعایت مصالح نظام و اهدافی است که دولت اسلامی در نظام اقتصادی به دنبال آن است.

دسته دوم که سبب محدودیت می‌شوند، تحت عنوان «ضرر» است. ضرر از نظر فقه اسلامی به این صورت مطرح می‌شود که نفی ضرر به عنوان عام در هر فعالیت اقتصادی و غیراقتصادی مطرح است. حکومت اسلامی کسب درآمد به قیمت ضرر به دیگران یا جامعه را پس از تشخیص منع می‌کند. اگرچه قدرت‌های طبیعی برای اشباع نیازهای انسانی خلق شده است اما در بهره‌گیری اضافه بر نیاز نباید حق انتفاع دیگران نادیده گرفته شود.

بنگاه‌ها درآمد حاصل از فروش کالاها و خدمات خود را پس از رعایت محدودیت‌های ناشی از توزیع حکمی و توزیع حکومتی در اختیار دارند تا بین عوامل تولید تقسیم کنند که نحوه تقسیم آنها را قراردادهای منعقد شده بین صاحبان عوامل تولید و بنگاه‌ها که در چارچوب رعایت محدودیت‌های حقوقی توزیع درآمد برقرار شده است، مشخص می‌سازد.

#### مبانی حقوقی توزیع ثروت در اقتصاد اسلامی

اسلام در مقابل دو مکتب سوسیالیسم و سرمایه‌داری، مجموعه‌ای از مقررات و حقوق را در نظر گرفته که تعادل بین خواسته‌ها و مصلحت‌های فردی و اجتماعی را برقرار می‌سازد.

#### ۱- حق عموم در منابع طبیعی قبل از تولید

منابع طبیعی به عموم جامعه انسانی تعلق دارد و در اختیار دولت اسلامی است و همه افراد در بهره‌گیری و استفاده از آن‌ها سهیم و صاحب هستند؛ به طوری که نمی‌توان آن‌ها را در اختیار شخص معینی قرارداد و یا به گونه‌ای از آن‌ها بهره‌برداری کرد که حق دیگران از بین برود. شکل حقوقی مالکیت دولتی و یا عمومی محدودیتی است که اسلام به وسیله آن سعی داشته منبع درآمد افراد را به گونه‌ای تنظیم کند که زمینه تولید و بهره‌گیری دیگران از منابع، به وسیله احتکار و انحصار از بین نرود و حق عموم افراد پایمال نشود.

#### ۲- حق مالکیت خصوصی یا آزادی اقتصادی در کار محدود

مالکیت فردی هر انسانی، نسبت به نتیجه و حاصل کارش، از مسائلی است که عقل عملی هر فردی، آن را درک می‌کند. از نظر عقلا بدیهی است که هر فردی درباره نتیجه کارش نسبت به دیگران اولویت دارد؛ اسلام به هر انسانی حق داده است که از طریق کار مفید، ثروت‌های طبیعی را با اشراف و نظارت دولت اسلامی به مالکیت خویش درآورد.



# مدرسان شریف

## فصل پنجم

### «مصرف در اقتصاد اسلامی»

درسنامه (۱): تعریف مصرف در جامعه و جایگاه آن در اقتصاد اسلامی



#### اهمیت مصرف از نظر مباحث اقتصادی

مصرف، در عین این که هدف نهایی از تولید و توزیع است، یکی از عوامل مؤثر در آن‌ها نیز می‌باشد. اقتصاددانان اصلی را به عنوان «حاکمیت مصرف‌کننده» مطرح کرده‌اند؛ یعنی این مصرف‌کننده است که به تولیدات و چگونگی تخصیص منابع تولید و توزیع شکل می‌دهد. مصرف، فقط تابعی از تولید و توزیع نیست بلکه از جهت دیگر، تولید و توزیع هم تابعی از مصرف است، بین مصرف و تولید و توزیع هم رابطه علی و معلولی وجود دارد، و هم این که مصرف ابزار مهمی در توجیه تولید است.

#### گسترش دایره مصرف و مطلوبیت‌ها در اسلام

برخلاف سرمایه‌داری و سوسیالیسم، انسان اقتصادی در اسلام، مساوی با نیازها و خواسته‌های مادی نیست که مصرف او محدود به این نوع نیازها باشد؛ (بلکه برخی از خواسته‌ها و مطلوبیت‌های معنوی هم انگیزه مصرف را به وجود می‌آورند). انجام بعضی از فرایض عبادی و انفاقات استحبایی، نوعی مصرف را به دنبال دارند. بنابراین گسترش مصرف از نظر اسلام، فقط در حوزه نیازهای مادی انجام نمی‌گیرد، (بلکه قسمتی از خواسته‌ها و مطلوبیت‌های معنوی نیز انگیزه مصرف را به وجود می‌آورند). در این صورت، طبعاً دایره انگیزه‌های مصرف گسترده‌تر از انگیزه‌های مصرفی در هریک از دو نظام سرمایه‌داری و سوسیالیسم است.

#### مصرف و توزیع مجدد

یکی از ویژگی‌های مصرف در اقتصاد اسلامی، پیوند خوردن مصرف با انفاق و توزیع مجدد ثروت است. یک پدیده، در عین این که مصرف به حساب می‌آید و انگیزه مصرفی دارد، از بعد دیگر، انفاق و توزیع مجدد در جامعه محسوب می‌شود. مثلاً، انفاق به فقرا و بی‌بضاعت‌ها، یک نوع مصرف برای مردم تلقی می‌شود و انفاق‌کننده، در این مورد، همان احساسی را دارد که چیزی را شخصاً مصرف کند، چون در این نوع صرف هزینه‌ها برای خود نفعی تصور می‌کند.

در دیگر نظام‌های اقتصادی، توزیع مجدد از طریق مالیات، بیمه و غیره توسط دولت و به اجبار انجام می‌گیرد، ولی از نظر اسلام، انفاق نوعی عبادت است و انفاق‌کننده با اختیار و انتخاب خودش آن را انجام می‌دهد، که در سایه این نوع مصرف‌ها و توزیع مجدد‌ها از پیدایش مقداری از مشکلات اقتصادی، بدون دخالت دولت، جلوگیری به عمل می‌آید. اعمال انسان در سایه اختیار ارزش واقعی خود را به دست می‌آورد.



## مدرس‌ان شریف

### فصل ششم

#### «مبادلات و بازرگانی اقتصاد اسلامی»

#### درسنامه (۱): مبانی بازرگانی و انواع قراردادهای مبتنی بر اقتصاد اسلامی



بازرگانی یا تجارت به دادوستد کالا یا خدمت دارای ارزش، میان شخص حقیقی یا شخص حقوقی گفته می‌شود. به طور کلی هرگونه عملی (قابل سنجش و اندازه‌گیری مادی) را که اشخاص در مقابل کالا یا خدمتی، کالا یا خدمتی را واگذار نموده و هر دو طرف به هنگام این عمل راضی باشند بازرگانی گفته می‌شود. بازرگانی به دو قسمت بازرگانی داخلی و بازرگانی خارجی تقسیم می‌شود. در عرف معمول به تبادل کالاها یا خدمات بازرگانی اطلاق می‌شود و برای بهتر معامله کردن در زمان لازم و محدود نیاز به اطلاعات و مدیریت کردن اطلاعات جهت رسیدن به هدف است. بازرگانی سازوکاری است که هسته سرمایه‌داری را تشکیل می‌دهد.

تجارت در لغت به معنای به‌کارگیری سرمایه برای دستیابی به سود می‌باشد. تجارت یکی از مشاغل خدماتی است که توزیع کالاهای تولید شده را بر عهده دارد. بازرگانی از دو جهت با مبادله متفاوت است:

۱- بازرگانی یک حرفه است و بازرگانان به اقتضای حرفه خود اقدام به دادوستد می‌کنند، ولی مبادله یا بیع، عملی دفعی است و بدون استمرار و با یکبار خریدوفروش نیز تحقق می‌یابد.

۲- بازرگانی یکی از مشاغل خدماتی است، لذا انگیزه بازرگانان در انتخاب این شغل سودآوری و امرار معاش است؛ در صورتی که طرفین مبادله وقتی حرفه آنها دادوستد نیست، به انگیزه تأمین نیازهای زندگی اقدام به مبادله می‌کنند و تا زمانی که مطلوبیت آنان در مبادله در حال افزایش باشد، به مبادله ادامه می‌دهند. مبادلات متعارف بین عوام به انگیزه مصرفی صورت می‌پذیرد، در حالی که بازرگانی به انگیزه کسب درآمد و نوعی سرمایه‌گذاری مورد توجه قرار می‌گیرد.

#### سود بازرگانی

عمل مفید اقتصادی اساس و منشأ مالکیت است و مالکیت مشروع و قانونی در صورتی حاصل می‌گردد که کاری تولیدی یا خدمت مفید انجام گرفته باشد. سود بازرگانی مابه‌التفاوتی است که بازرگانان، بیشتر از قیمت خرید کالاها دریافت می‌نمایند. سود بازرگانی مجموعه‌ای از هزینه‌هایی است که بازرگان هزینه کرده است یا به عنوان حق‌الزحمه فعالیت‌های خود منظور می‌نماید؛ برای مثال بازرگانان علاوه بر قیمت خرید کالا، هزینه‌هایی چون هزینه انبارداری، بسته‌بندی، حمل‌ونقل، بازرگانی، اجاره محل فروش و... دارند که به هنگام فروش کالا علاوه بر آنها حق‌الزحمه‌ای نیز برای مدیریت و اقدامات شخصی خودشان می‌افزایند که در اصطلاح فقهی به مجموعه هزینه‌های مذکور «سود» می‌گویند.

**نکته ۱:** سود بازرگانی در اصطلاح فقهی با سود خالصی که در اقتصاد مورد بحث قرار گرفته، متفاوت است و منظور درآمد حاصل از

فروش، منهای قیمت خرید کالاها و خدمات است.

مالکیت سود حاصل از تجارت منوط به انجام دادن عمل مفید اقتصادی بوده و بنابراین برخی از صاحب‌نظران اقتصادی عملیات بازرگانی را کار تولیدی دانسته‌اند و گروهی دیگر بازرگانی را ادامه کار تولید و کار خدماتی دانسته‌اند.

شهید آیه الله صدر نقل و انتقال منابع تولیدی، کالاها و خدمات را به دو گروه تقسیم کرده است:

گروه اول به صورت عمودی از معادن استخراج و در تولید به کار گرفته می‌شوند.

گروه دوم به صورت افقی جابه‌جا می‌شوند و به دیگران انتقال می‌یابند.

بازرگانی از گروه دوم است؛ زیرا منابع تولیدی و کالاها توسط بازرگانان آماده‌سازی شده و سپس به مراکز فروش انتقال می‌یابند و این اقدامات به رغبت مشتریان می‌افزاید و تسهیلات بیشتری برایشان فراهم می‌آورد. از این رو عملیات مذکور کاری است تولیدی که به صورت افقی انجام می‌گیرد. گروه دیگر

کار بازرگانی را در میان سایر مشاغل خدماتی مثل طبابت، حمل‌ونقل، نقاشی و غیره می‌دانند.

**نکته ۲:** براساس نظریات اسلامی، مشروعیت و مالکیت سود بازرگانی مستند به کار تولیدی یا خدماتی است.



# مدرسایان شریف

## فصل هفتم

### «جایگاه دولت در اقتصاد اسلامی»

#### درسنامه (۱): ماهیت و اهداف حکومت اسلامی



اندیشه‌وران مسلمان معتقدند: اسلام طرفدار اهداف و آرمان‌هایی است که اجرای آنها بدون دخالت دولت دشوار است و برای این مطلب، مبانی متعددی مطرح کرده‌اند.

#### ۱- هدف‌گرایی و ارزش‌گرایی اسلام

مطابق آموزه‌های قرآن و اسلام، انسان در عین قدرت و اختیار، مسئول است. او موجودی است که وظیفه دارد در طول عمر خود، با انتخاب زندگی مناسب، به سوی کمال و خوشبختی حرکت کند و سرانجام به سوی خدا برگشته، از آن چه انجام داده، بازخواست شود. این شیوه از زندگی (اختیار همراه با مسئولیت) به زندگی فردی اختصاص ندارد. از نظر اسلام جوامع نیز در عین اختیار مسئول اعمال و کردار اجتماعی خویشند و روز قیامت امت‌ها نیز به تناسب کردار جمعی‌شان مؤاخذه خواهند شد. بنابراین، زندگی فردی و اجتماعی در جامعه اسلامی در عین برخورداری از آزادی و اختیار، توأم با هدف‌گرایی و پایبندی به ارزش‌های الهی است و هر فرد و جمع اسلامی مسئول رفتار خود هستند. افزون بر این، مطالعه تاریخی و جامعه‌شناختی نیز نشان می‌دهد که افراد جامعه از حاکمیت متأثر هستند؛ بنابراین، لازمه طبیعی چنین دیدگاهی، حضور حکومتی مقتدر در همه عرصه‌های زندگی از جمله فعالیت‌های اقتصادی است و در واقع، از نظر اسلام، حکومت ابزاری برای تحقق بخشیدن به اهداف مادی و معنوی و حاکمیت ارزش‌های الهی و انسانی و وسیله‌ای برای مهیا کردن بستری مناسب جهت رشد و تعالی انسان‌ها است.

#### ۲- تحقق قوانین اسلام

ممکن است انسان‌ها بتوانند با علم و تجربه، نظام‌های اجتماعی را طراحی کنند، اما هیچ اطمینانی بر این‌که چنین نظامی تأمین‌کننده مصالح همه افراد باشد، نخواهد بود و برای ساختن نظام‌های عادلانه، نیازمند راهنمایان آسمانی هستیم. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ما رسولان خود را با ادله روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند. پس قیام به عدالت، در گرو پیروی از پیامبران و عمل به آموزه‌های آنان است و به همین مناسبت است که خداوند هر نوع عدول از احکام الهی و تمایل به احکام دیگر را ستم می‌داند. روشن است که برای اجرای احکام اسلام و قرآن در تمام عرصه‌ها از جمله مسائل اقتصادی به حضور دولتی مقتدر نیاز است تا افزون بر کنترل و نظارت بر حسن اجرای امور، خود زمینه‌ساز اجرای آن احکام باشد. به بیان روشن‌تر چنان‌که امام خمینی بیان می‌کند: «حکومت، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشر است».

#### ۳- نارسایی بازار

مطابق آموزه‌های اسلام، اگرچه مسئولیت اساسی فرد این است که به خود تکیه کند و با تمام توان بکوشد، واقعیت بازار نشان می‌دهد که فرد، حتی اگر بیشترین سعی خود را به عمل آورد، در موارد بسیاری نمی‌تواند به پاداش مطلوب و در خور شأن خود برسد و چنان‌که تجربه تاریخی نشان می‌دهد، آن گروه از عوامل تولید که قدرت چانه‌زنی بالایی دارند، همیشه سهمی بیش از بازده خود دریافت کرده و در عمل، سهم عوامل دیگر را ربوده‌اند. بر این اساس، دولت اسلامی وظیفه تنظیم روابط نارسایی بازار را دارد که فقط در ناعادلانه بودن توزیع درآمد خلاصه نمی‌شود. اکنون برای همگان آشکار شده است که به جهت نفع‌طلبی فردگرایانه، عوامل بازار نمی‌توانند بیشترین نفع را برای تمام طبقات جامعه داشته باشند و ضرورتاً به کارآیی مطلوب در استفاده از منابع بینجامد؛ زیرا افق دید فرد محدود است و آگاهی و علاقه‌ای به منافع و هزینه‌های اجتماعی ندارد؛ بنابراین اگر اقتصاد به تصمیم‌گیری‌های فردی واگذار شود، در بخش‌های گوناگون اقتصاد بدون توجه به نیازهای رفاهی مردم، رشدی نامتعادل پدید می‌آید، در نتیجه، دولت اسلامی باید با برنامه‌ریزی مناسب، پس‌اندازهای بخش خصوصی و دولتی را به سمت فعالیت‌های سودمند ملی سوق دهد.



# مدرس‌ان شریف

## فصل هشتم

### «عدالت اقتصادی و اجتماعی در مکتب اسلام»

#### درسنامه (۱): مبانی عدالت اقتصادی و اجتماعی



خداوند در آیات متعددی از قرآن، به طور صریح امر به عدل و قسط فرموده است؛ از جمله می‌فرماید: «ان الله یامر بالعدل و الاحسان و...» [نحل، ۹۰] یعنی «همانا خداوند، امر به عدل و احسان و... می‌کند» و در جای دیگر می‌فرماید «قل امر ربی بالقسط» [اعراف، ۲۹] یعنی «بگو پروردگرم فرمان به قسط داده است». مکتب اقتصادی اسلام با الهام از آیات قرآنی و روایات پیشوایان دینی که بر اقامه عدل و قسط در جامعه انسانی تأکید دارند، به عدالت اقتصادی به عنوان یکی از اصول اقتصاد اسلامی می‌نگرد و از آن‌جا که هدف از بعثت انبیاء (ع) تحقق عدالت است، [حدید، ۲۵]، بر عدالت‌خواهی در همه ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی پافشاری می‌نماید.

سایر مکاتب اقتصادی نیز هدف حقوقی جامعه را تأمین مصالح اجتماعی دانسته‌اند، با این تفاوت که مکتب اسلام علاوه بر تکاپو و تلاش برای تأمین مصالح اجتماعی، هدف نهایی جامعه را تکامل معنوی انسان‌ها و تقرب به درگاه الهی می‌داند، در صورتی که مکاتب غیرالهی به دلیل اعتقاد نداشتن به جهان آخرت و اکتفا به برنامه‌ریزی برای زندگی کوتاه دنیوی، تأمین مصالح اجتماعی را هدف نهایی می‌دانند. از اینجا می‌توان به رابطه تنگاتنگ حقوق و اخلاق در مکتب اسلام پی برد؛ زیرا نظام حقوقی اسلام زیرمجموعه نظام اخلاقی است و رعایت کامل احکام و قواعد حقوقی در صورتی که با نیت خالص و به قصد نیل به کمال و سعادت یعنی تقرب به خدا انجام پذیرد، نوعی اطاعت از تکالیف اخلاقی محسوب می‌گردد. این رابطه موجب معیار قرار گرفتن عدالت و جلوگیری از هرگونه ظلم و اجحاف در فقه اسلامی شده است و همه احکام و قواعد فقهی با توجه به این اصل تنظیم گردیده‌اند؛ قواعدی چون قاعده لاضرر یا احکام مالکیت عوامل تولیدی، توزیع و غیره همه بر محور عدالت و رعایت استحقاق‌هاست.

بنابراین رعایت عدالت اقتصادی در همه مکاتب مورد تأکید قرار گرفته است ولی آنچه می‌تواند مواضع مکتب‌های مختلف را مشخص سازد پاسخ به این پرسش‌هاست که اگر عدالت رعایت استحقاق‌هاست پس حق چیست؟ و چه چیز موجب پیدایش حق می‌گردد؟ رعایت حقوق افراد در چه صورت عادلانه است؟ لزوم رعایت عدالت، در همه موارد امری روشن است. آنچه نیاز به بحث دارد، تعیین این نکته است که در هر موردی، عدل چیست و ظلم کدام است.

### مفهوم عدالت

عدالت در لغت به معنای برابری و توازن است و در مفهوم اجتماعی، هرگاه حق هر صاحب حقی به او داده شود می‌گویند عدالت رعایت شده است. هنگامی که مفهوم واژه عدالت را در دو حوزه دانش بشری (فلسفه و کلام) و علوم اجتماعی مورد توجه قرار دهیم، دو معنای متفاوت از آن برداشت می‌شود؛ ولی با این حال در یک بُعد، مفهوم مشترکی دارند؛ یعنی در هر دو حوزه، عدالت صفت فعل و رفتار است. در حوزه فلسفه و کلام، صفت فعل خدای متعال است.

شهید مطهری معنای عدالت را در حوزه فلسفه و کلام چنین بیان می‌کند:

«رعایت استحقاق‌ها در افاضه وجود و امتناع نکردن از افاضه و رحمت و آنچه امکان وجود یا کمال وجود دارد.»

حضرت علی در این گفتار، رفتار تبعیض‌آمیز را مخالف عدالت معرفی می‌کند؛ و رعایت حقوق مساوی افراد را عدل می‌داند. به طور خلاصه می‌توان گفت، عدالت اقتصادی به معنای رعایت استحقاق‌ها و دادن حقوق اقتصادی افراد است.

برابری در حقوق و امکانات و برقراری تعادل در جامعه، همیشه همراه با عدالت نیست و هرگونه برابری و تعادل بدون رعایت حقوق صاحبان حق، نوعی بی‌عدالتی به حساب می‌آید. برای مثال چنانچه دو نفر بر سر مالکیت یک قطعه زمین با هم مشاجره داشته باشند، برای رفع نزاع نمی‌توان به تقسیم برابر آن بین هر دوی آنها حکم کرد؛ زیرا در این گونه تقسیم هر چند مساوات رعایت شده است ولی رعایت حق و عدالت نشده است، زیرا مالکیت چیزی که مورد مشاجره است ممکن است در واقع از آن یکی از آنها باشد و محروم ساختن او از نصف و حکم بر تقسیم مال بین هر دو نفر، بی‌عدالتی است.



## مدرسان شریف

### فصل نهم

#### «پول و بانکداری (بدون ربا) و نظام مالی اقتصاد اسلامی»

##### درسنامه (۱): تعاریف پول از منظر اسلام



مباحث اقتصادی در دو بخش مورد مطالعه قرار می‌گیرند: ۱- بخش حقیقی اقتصاد ۲- بخش پولی یا نظام مالی اقتصاد. با پیدایش پول اقتصاد پایایی از بین رفته و دیگر لزوماً کالا با کالا مبادله نمی‌شود و فروشنده می‌تواند در مقابل کالای خود، پول دریافت دارد و در زمان دیگر، کالای مورد نیازش را با آن خریداری کند. بهره‌گیری از قابلیت‌ها و امکانات جدیدی که پول فراهم کرده است، لزوم تدوین قوانین و مقررات متناسب با آن را آشکار ساخته و بخش پولی اقتصاد در کنار بخش حقیقی آن شکل گرفته است و هر دو بخش به موازات هم در اقتصاد عمل می‌کنند. بخش پولی یا نظام مالی با الهام از مکتب اقتصادی اسلام، قوانین و مقررات خاص را پیدا کرده است.

#### نظام مالی

هر نظام مالی جزئی از نظام اقتصادی بوده و در چارچوب مکتب شکل می‌گیرد. عمده‌ترین هدف آن‌ها تسهیل در مبادلات و پرداخت‌هاست و با ابزارهای معینی برای هر کدام، این اهداف را دنبال می‌کنند.

مهم‌ترین عوامل و عناصر هر نظام مالی، واسطه‌های مالی هستند که به صورت مؤسسات مالی یا ابزارهای مالی وظایف خود را ایفا می‌کنند.

**نکته:** مؤسسات مالی شامل مؤسسات بانکی و غیربانکی مانند بانک‌ها، مؤسسات بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، مؤسسات سرمایه‌گذاری و ... می‌شوند و بازارهای مالی از بازار اوراق بهادار، بازار ارز و بازار سهام تشکیل شده‌اند.

#### نظام مالی اقتصاد اسلامی

در نظام مالی اسلامی، از ابزارهایی استفاده می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها پول و بازارهای مالی است. در این نظام واسطه‌های مالی بر اساس مقررات و چارچوب‌های حقوقی که فقه اسلامی به آن‌ها پرداخته است، وظایف و تعهدات خود را انجام می‌دهند. از تفاوت‌های مهم و آشکار نظام مالی اسلامی با سایر نظام‌های مالی، پایه حرکت آن است. در نظام‌های مالی مبتنی بر مکتب سرمایه‌داری، پایه حرکت سیستم مالی بر نرخ بهره انواع بدهی‌ها استوار است، در صورتی که با تحریم ربا در اسلام، سیستم مالی بر پایه نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری‌ها، منابع مالی را جذب و تجهیز می‌کند.

#### پول و تعریف آن

پول وسیله‌ای برای تسهیل و گسترش مبادلات است و موجب تقسیم کار و تخصصی شدن تولیدات می‌گردد. بنابراین هرکس به تولیداتی می‌پردازد که بتواند مازاد بر نیاز خود را به فروش برساند و سایر کالاهای مورد نیاز خود را با پول آن‌ها تهیه کند.

امروزه با ظهور انواع مختلف پول، به‌خصوص پول‌های الکترونیکی، تسهیلات بیشتری در پرداخت‌ها و دریافت‌های پولی به وجود آمده است.

پول‌هایی را که تاکنون در جوامع انسانی پدید آمده است، می‌توان به دو گروه کلی دسته‌بندی کرد:

۱- **پول‌های کالایی:** که مصادیق گوناگونی داشتند و بهترین نمونه آن‌ها، پول‌هایی است که از طلا و نقره ساخته می‌شدند و به دلیل ارزش بالا و حجم کم آن‌ها، نسبت به سایر پول‌های کالایی، از مقبولیت بیشتری برخوردار بودند.

۲- **پول‌های اعتباری:** برخلاف پول‌های کالایی، به دلیل کم‌ارزش بودن مواد تشکیل دهنده آن‌ها دارای ارزش مصرفی نیستند و تنها به لحاظ اعتبار صادرکننده، ارزش مبادله‌ای دارند. به عبارت دیگر، ارزش مصرفی آن‌ها همان ارزش مبادله‌ای است. این پول‌ها در اوایل پیدایش، به عنوان سند و حواله اشیای قیمتی مانند طلا و ... که نزد افراد معتبر یا در خزانه دولت نگهداری می‌شد، منتشر شدند، ولی تدریجاً با حذف پشتوانه فیزیکی یا ملزم نبودن به نگهداری پشتوانه برای آن‌ها، این پول‌ها خود دارای مالیت و ارزش شدند.



# مدرس‌ان شریف

## فصل دهم

### «موضوعات منتخب پیرامون اقتصاد اسلامی»

#### درسنامه (۱): استصناع



یکی از عوامل تحول اجتهاد توجه به مبانی عقلایی و عرفی در مسائل اجتماعی است. رشد مدنیت و پیچیده شدن روابط اجتماعی، موجب پیدایش انواع گوناگون ارتباطات و تأسیسات حقوقی جدید و عمق یافتن گونه‌های پیشین آن گردیده است. ارتباطات و تأسیساتی که متناسب با شرایط هر عصر برای رفع نیازهای جامعه در سطح و عمق گسترش می‌یابد. بررسی مواجیه شرایع با این عرف‌ها و بناهای عقلایی نشان می‌دهد که با توجه به سرچشمه‌های «فطری و عقلی» آنها که مورد تأیید شرع است، شرع با تأیید و امضای خود به درستی آنها صحت می‌گذارد. اسلام هم در برخورد با عرف‌های زمان خود - جز آنها که ناصحیح و غیرمنطبق با بناهای عقلایی بودند - آنها را امضا و تأیید کرد و هم آنچه را که در آینده و در سطح جهانی با عرف عقلایی منطبق باشد می‌پذیرد و تأیید و امضا می‌کند؛ چون عرف عقلا به عنوان دلیل و کاشف از حکم شرعی است و می‌تواند نقش به‌سزایی در متحول نمودن و به روز کردن فقه داشته باشد. اسلام، علی‌الاصول، انواع و اقسام عرف‌های تجاری معقول را تأیید کرد و تنها برخی را که ظالمانه و غیرمنصفانه بود حرام و باطل اعلام نمود. همچنین معاملاتی را که غیرعقلایی و مبتنی بر شانس و تصادف بود و منجر به غر می‌شد مردود دانست؛ زیرا این نوع معاملات موجب کینه، عداوت و منازعه می‌شوند. از جمله این معاملات می‌توان «بیع ملامسه، بیع الحصة، بیع حبل‌الحبله و بیع غائض» را نام برد. یکی از انواع معاملاتی که در همه جوامع موردنیاز است و از آن استفاده می‌شود «بیع استصناع» است. در این‌جا بر آنیم که به مدد دیدگاه عرفی و توجهی که شرع نسبت به نیازها و راه‌حل‌های عرفی و عقلایی دارد و همچنین با توجه به کلیاتی که در ادله نسبت به معاملات و مناسبات تجاری اعلام شده است به بررسی مشروعیت بیع استصناع از دیدگاه شرع بپردازیم:

#### مفهوم استصناع

«استصناع» از ریشه صَنَعَ و مصدر باب استفعال در ثلاثی مزید و به معنای طلب ساخت یا تولید است. بیشتر فقهای اهل سنت عقد استصناع را یکی از اقسام عقد سلف می‌دانند و لذا آن را در چارچوب عقد سلف تعریف می‌کنند. بعضی نیز از جمله فقهای شیعه استصناع را مادامی که پرداخت ثمن ناظر به آینده نباشد یکی از صور عقد بیع می‌دانند و آن را در حقیقت دستوری از ناحیه خریدار به فروشنده برای ساختن کالایی در آینده معین و با اوصاف مشخص تلقی می‌کنند. اما فقهای مکتب حنفی آن را قراردادی (عقدی) مستقل می‌دانند و تعاریف متنوعی برای آن ارائه داده‌اند که بعضی به شرح زیر است:

استصناع قراردادی است با تولیدکننده برای ساختن چیزی که در آن خریدار مُسْتَصْنِع، فروشنده یا تولیدکننده «صَنِيع» و کالای ساخته شده «مصنوع» نامیده می‌شوند یا توافقی است بین تولیدکننده (به عنوان فروشنده) و خریدار برای فروش کالایی که به هنگام انعقاد قرارداد وجود ندارد و به سفارش خریدار با اوصاف معین در آینده ساخته و تحویل می‌شود. نکته مهم در استصناع و وجه تمایز آن با عقود مشابه موجه بودن ثمن آن است. استصناع عقدی است لازم یعنی طرفین عقد نمی‌توانند بدون رضایت یکدیگر به طور یک‌جانبه آن را فسخ کنند. در قرارداد استصناع نمی‌توان شرطی مبنی بر عدم مسئولیت فروشنده در قبال عدم تحقق شرایطی که برای کالای موضوع قرارداد (مصنوع) شمرده می‌شود، درج نمود. بانک ملی «الشارقه» در شارجه، افراد و گروه‌های دخیل در عقد استصناع را شامل مشتری، بانک، پیمانکار و مهندس مشاور معرفی می‌کند.

**کج مثال ۱:** استصناع به معنای ..... و از دیدگاه فقهای شیعه مادامی که پرداخت ثمن ناظر به آینده نباشد ..... می‌باشد:

۱) طلب ساخت یا تولید، عقد بیع

۲) ساخت یا تولید، عقد سلف

۳) طلب ساخت یا تولید، عقد سلف

**پاسخ:** گزینه «۱» «استصناع» از ریشه صَنَعَ و مصدر باب استفعال در ثلاثی مزید و به معنای طلب ساخت یا تولید است و فقهای شیعه استصناع را مادامی که پرداخت ثمن ناظر به آینده نباشد یکی از صور عقد بیع می‌دانند.

بانک به دو شیوه می‌تواند عقد استصناع را به کار گیرد:

- بانک مجاز است که مطابق عقد استصناع کالایی را بخرد و آن را طی اقساط و یا پرداخت موجد به خریدار بفروشد، به این شیوه اصطلاحاً عقد استصناع فروش گفته می‌شود.
- همچنین بانک می‌تواند به عنوان فروشنده کالایی با اوصاف و شرایط معلوم با خریدار وارد عقد استصناع شده و سپس در مقام خریدار و به موجب یک عقد استصناع موازی با تولیدکننده کالای موصوف قرارداد استصناع امضا نماید. به این شیوه اصطلاحاً عقد استصناع موازی گفته می‌شود. پرداخت ثمن معامله در هر دو قرارداد می‌تواند نقد و یا موجد و یا در قالب اقساط باشد.

## مراحل عملی عقد استصناع فروش و عقد استصناع موازی

### عقد استصناع فروش

- خریدار: تقاضایش را برای خرید کالایی با مشخصات کامل و قیمت معلوم در چارچوب عقد استصناع تسلیم بانک می‌کند. زمان‌بندی پرداخت قیمت چه به صورت نقدی و چه موجد بر اساس توافق انجام می‌گیرد.
  - بانک: معمولاً حساب می‌کند که در عمل چه مبلغی را در عقد موازی پرداخت می‌کند به اضافه سود منطقی.
  - بانک: خود را متعهد به تولید و تحویل کالا در زمان معین و با اوصاف مشخص می‌کند.
- صورت عملی این معامله به این ترتیب است که خریدار با مراجعه به سازنده کالای موردنظر و ارائه شرایط و صفات کالای مورد درخواست و بهایی که حاضر است بابت آن بپردازد رضایت سازنده را جلب می‌کند و قرارداد معامله بین آنان منعقد می‌شود.
- چنانکه مشهود است بیع استصناع از جهاتی با بیع سلم شباهت دارد. برخی جهات شباهت آنها عبارت است از:
- (۱) بیع استصناع همانند بیع سلم در مورد کالاهایی صورت می‌گیرد که نه در نزد فروشنده موجود است و نه اساساً وجود خارجی دارد؛ بلکه باید کار ساخت آن پس از قبول سفارش شروع شود.
  - (۲) در استصناع همانند سلم باید جزئیات و مشخصات کالای موردنظر به‌طور کامل بیان شود تا خریدار نسبت به کالای خریداری شده علم داشته باشد و معامله، مجهول و مصداقی از بیع غرری نباشد.
  - (۳) هم در سلم و هم در استصناع کالای توصیف شده در ذمه فروشنده آن قرار می‌گیرد و فروشنده باید در موعد مقرر آن را تسلیم خریدار نماید.
- در جوامع امروزی نمونه‌هایی از بیع استصناع متداول است. نمونه‌هایی چون درخواست سفارش خلق یک اثر هنری از قبیل نقاشی، خطاطی، پیکرتراشی، نویسندگی، فیلمسازی و ... . افراد هنردوست حاضرند با پرداخت مبالغ هنگفت، یک اثر هنری را با مشخصات معین به یک هنرمند سفارش دهند و این رغبت در عرف عقلا مورد انکار قرار نمی‌گیرد. صاحبان اینگونه آثار بعد از تحویل گرفتن اثر آن را با افتخار در معرض دید دوستان و آشنایان و هنردوستان قرار می‌دهند.

### تفاوت استصناع و سلم

با توجه به ویژگی‌ها و احکامی که برای استصناع بیان شد مشخص می‌گردد تنها فرق اساسی که بین استصناع و سلم وجود دارد در مسئله تحویل بهای کالا است. در سلم، بر این نکته اتفاق شده که تحویل بهای کالا، یعنی قبض ثمن، باید قبل از تفرق و در هنگام عقد صورت گیرد؛ ولی در استصناع این محدودیت وجود ندارد. چنین شرطی در سلم ذکر شده تا معامله مصداقی از «بیع کالی به کالی» نباشد و در محذور این نوع معامله قرار نگیرد.

### کج مثال ۲: در قرارداد استصناع و سلم:

- (۱) در سلم باید کار ساخت کالا قبل از قبول سفارش شروع شود.
  - (۲) در سلم، تحویل بهای کالا، یعنی قبض ثمن، باید قبل از تفرق و در هنگام عقد صورت گیرد.
  - (۳) در استصناع، تحویل بهای کالا، یعنی قبض ثمن، باید قبل از تفرق و در هنگام عقد صورت گیرد.
  - (۴) در استصناع، باید کار ساخت کالا قبل از قبول سفارش شروع شود.
- پاسخ: گزینه «۲» تنها فرق اساسی بین استصناع و سلم در مسئله تحویل بهای کالا است. در سلم، تحویل بهای کالا، یعنی قبض ثمن، باید قبل از تفرق و در هنگام عقد صورت گیرد؛ ولی در استصناع این محدودیت وجود ندارد.
- آن دسته از فقهای اهل سنت که قائل به صحت استصناع هستند باید راهی برای فرار از این محذور پیدا کنند. زیرا اگر بتوان بهای کالا را نپرداخت در حالی که خود کالا نیز در ذمه است، این معامله از موارد «بیع نسیه به نسیه» یا «بیع دین به دین» قرار می‌گیرد که آن را نیز ممنوع دانسته‌اند.
- برای تعیین اینکه استصناع عقدی مستقل از سلم است یا اینکه مصداقی از آن می‌باشد باید ابتدا بررسی کنیم شرط تحویل بها در مجلس عقد که در سلم مقرر شده از کجا ریشه گرفته است. چنانچه این شرط مستقیماً از روایات معتبر اخذ شده باشد که همان متبع است و باید آن را پذیرفت. ولی اگر برای فرار از بیع کالی به کالی این شرط در معامله سلم پیش‌بینی شده باشد باید به معنای کالی به کالی رجوع کرد تا بتوان درباره این شرط قضاوت نمود.
- در کتب روایی هیچ دلالت صریحی مبنی بر لزوم پرداخت بهای کالا قبل از تفرق دیده نمی‌شود.



## درسنامه (۲): اعتبارات خرد



### تعاریف

منابع مالی خرد به وام‌ها، پس‌اندازها، بیمه، خدمات انتقال پول و سایر فعالیت‌های مالی اختصاص یافته و به متقاضیان کم‌درآمد مربوط می‌شود. اعتبار خرد به اعتباری اطلاق می‌شود که به وسیله یک بانک و نهاد اقتصادی دیگر به یک متقاضی پرداخت می‌شود. این اعتبارات غالباً بدون وثیقه و گرو به شخص یا گروهی از افراد اعطا می‌شود.

**نکته ۱:** پس‌انداز خرد به خدمات سپرده گفته می‌شود که به فرد امکان می‌دهد مبالغ کم پول را برای استفاده آتی و به منظور تأمین هزینه‌های غیرمنتظره و برنامه‌ریزی برای سرمایه‌گذاری آینده پس‌انداز کند.

**نکته ۲:** بیمه خرد روشی است که مردم، شرکت‌ها و سایر سازمان‌ها برای کاهش خطر از دست دادن سرمایه، مبالغی را پرداخت می‌کنند. دسترسی به بیمه، کارآفرینان را قادر می‌سازد بیشتر به فکر توسعه کسب‌وکار خود باشند.

### کاربرد اعتبارات خرد

اعتبارات خرد می‌تواند برای خرید ابزاری جدید، یک ماشین یا مغازه‌ای در یک بازار باشد. میلیون‌ها نفر از مردم فقیر و کم‌درآمد جهان از مزایای وام‌های کوچک برای بهبود زندگی خود استفاده کرده‌اند. مردم در طول سه دهه گذشته از این وام‌ها برای شروع شرکت‌های جدید، ایجاد مشاغل و کمک به شکوفایی اقتصادها استفاده نموده و بارها ثابت کرده‌اند که می‌توانند وام‌ها را به موقع بازپرداخت کنند. اما وام تنها پاسخ نیست. آنان ممکن است به خدمات مالی اساسی دیگری مانند بیمه، حساب پس‌انداز و سپرده سرمایه‌گذاری یا توانایی انتقال پول به شخصی که در جای دیگری زندگی می‌کند نیاز داشته باشند. خانواده‌ها با دسترسی به اعتبار و این مجموعه از ابزارهای مالی که در مجموع منابع مالی خرد نامیده می‌شوند، می‌توانند براساس اولویت‌های خاص خود برای هزینه‌های مدرسه، مراقبت بهداشتی، تغذیه یا مسکن سرمایه‌گذاری کنند و به جای تمرکز بر بقای روزمره، برای آینده برنامه‌ریزی کنند. ارسال پول، انتقال پول توسط مردم ساکن یک مکان برای مردم جای دیگر است که معمولاً از طرف ساکنین آن سوی مرزها و برای اعضای خانواده و دوستان انجام می‌گیرد. پول‌های ارسالی در مقایسه با سایر منابع سرمایه که می‌توانند بسته به شرایط سیاسی و اقتصادی نوسان داشته باشند، منبع نسبتاً ثابتی برای تأمین اعتبار هستند.

### شرایط پرداخت اعتبار خرد

پرداخت اعتبار خرد در جایی که شرایط، حاکی از وجود دشواری‌های جدی برای بازپرداخت آن است، ممکن است مناسب نباشد. برای مثال، جمعیت‌هایی که از نظر جغرافیایی پراکنده‌اند یا موارد بروز بیماری در آنها زیاد است، ممکن است متقاضیان مناسبی برای دریافت منابع مالی خرد نباشند. در این موارد پرداخت کمک مالی، بهبود تأسیسات زیربنایی یا برنامه‌های آموزشی یا کارآموزی مؤثرتر هستند. برای این که شرایط پرداخت اعتبارهای خرد مناسب باشد، متقاضیان باید توانایی بازپرداخت وام را تحت شرایطی که براساس آن وام پرداخت شده است داشته باشند (مدیریت ریسک اعتباری).

### تأثیر منابع مالی خرد

- الف) منابع مالی خرد به خانواده‌های فقیر کمک می‌کند تا نیازهای اولیه خود را تأمین و از خود در برابر نوسانات درآمد و سایر خطرات محافظت نمایند.
- ب) استفاده خانواده‌های کم‌درآمد از خدمات مالی با بهبود رفاه اقتصادی خانواده و ثبات و رشد شرکت‌های خدمات مالی ارتباط دارد.
- ج) منابع مالی خرد با حمایت از مشارکت اقتصادی زنان، برای زنان اهمیت زیادی دارد و سبب رفاه بیشتر خانواده‌ها می‌شود.
- د) تأثیر خدمات مالی، به صورت مثبت، با طول زمانی که متقاضی از این خدمات استفاده می‌کند، بستگی دارد.

**کج مثال ۳:** کدام‌یک از موارد زیر در مورد منابع مالی خرد (اعتبارات خرد) درست است؟

- ۱) این منابع توسط دولت از اقشار کم‌درآمد جمع‌آوری می‌شود.
- ۲) این منابع فقط برای رفع نیازهای ضروری اقشار فقیر جامعه مصرف می‌شود.
- ۳) اعتبارات خرد منابعی است که توسط یک نهاد عموماً مردم‌نهاد از افراد کم‌درآمد جمع‌آوری شده و در اختیار همان گروه‌ها برای سرمایه‌گذاری، ایجاد شغل و رفع نیازهای ضروری گذاشته می‌شود.
- ۴) اعتبارات خرد از بودجه عمومی به اقشار ضعیف جامعه برای رفع نیازهای ضروری آنها پرداخت می‌شود.

پاسخ: گزینه «۳» اعتبارات خرد در واقع پس‌انداز خود اقشار کم‌درآمد است که با تجمع منابع برای بهبود شرایط اقتصادی آنها صرف می‌شود.



## درسنامه (۳): اقتصاد منابع طبیعی و محیط زیست

به رغم اینکه از ابتدای طرح توسعه به معنای عام آن، منابع طبیعی و زیست‌محیطی نقش اساسی در شکل‌گیری آن داشتند، تا دهه‌های اخیر از توجه جدی به آن غفلت شده بود. رشد فزاینده اقتصادی که ارمغان پیشرفت فناوری بود، پیامدهایی در عرصه محیط‌زیست و منابع طبیعی داشت که به تدریج باعث نگرانی اقتصاددانان و دانشمندان اکولوژی به طور خاص و بیشتر ارباب معرفت به طور عام شد. از بین‌رفتن گونه‌های حیاتی و حیوانی و ایجاد اختلال در چرخه زیست‌محیطی، آلودگی هوا و گرم‌شدن زمین در اثر آسیب لایه ازن، از بین‌رفتن منابع پایان‌پذیر و در معرض خطر قرارگرفتن منابع تجدیدپذیر، بخشی از نگرانی به‌وجود آمده بود.

یکی از وظایف مهم دولت اسلامی حفاظت از محیط‌زیست طبیعی و ارتقاء جایگاه آن است. این مهم در دو محور صورت می‌پذیرد: محور اول استفاده بهینه از منابع پایان‌پذیر و تجدیدشونده است که این منابع و منافع آن را برای نسل‌های بعد هم حفظ می‌کند. محور دوم جلوگیری از تخریب و آلودگی منابع زیست‌محیطی است.

تشريع مالکیت دولتی و عمومی برای این منابع، دولت را در اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی توانا ساخته است که بر طبق اصول پیش‌گفته بهره‌برداری از این منابع را به گونه‌ای مناسب برنامه‌ریزی کند تا ضمن حداکثر بهره‌وری ممکن عدالت درون‌نسلی و بین‌نسلی نیز رعایت گردد. تشريع قوانین الزامی و ارائه رهنمودهای اخلاقی در دو سطح فردی و اجتماعی و قرار دادن مکانیزم‌هایی جهت ضمانت اجرای این قوانین، حفاظت محیط زیست از آلودگی را محقق می‌سازد.

در این مقاله با برشمردن مبانی و اهداف دولت در نظام اقتصادی اسلام، نقش دولت را در تحقق محیط زیستی سالم و قابل استفاده برای همه مردم اعم از مردم این نسل و نسل‌های بعد در دو محور آموزه‌های فردی و اجتماعی اسلام بررسی خواهیم کرد.

### دولت اسلامی و حفظ محیط زیست

دین اسلام که همواره در آموزه‌های نورانی خویش مطابق با فطرت آدمیان راه وسط را پیش گرفته است، در برخورد با طبیعت و مواهب طبیعی نیز نه آنچنان دست انسان را باز گذاشته تا هر نوع تصرفی بخواهد در آن‌ها بکند و به بهای نابودی این نعمت‌های خدادادی، زندگی خود را اداره کند و تجمل بخشد و نه اجازه می‌دهد بشر طبیعت را به علت عظمت آن، خدای خویش دانسته، در مقابل آن به سجده بیفتد و هیچ‌گونه تصرفی در آن نکند و صرفاً به دیده تقدیس به آن بنگرد، بلکه در عین این‌که فرموده است ما همه جهان را برای آسایش انسان و مسخر و فرمانبردار او آفریده‌ایم، از طرف دیگر آن‌ها را موجوداتی فاقد روح ندانسته، بلکه آیه و کلمه خداوند و موجوداتی دارای شعور نسبی که تسبیح‌گوی خداوندند معرفی کرده و برای همه آن‌ها اعم از حیوان و گیاه حقوقی در نظر گرفته، انسان‌ها را به رعایت آن حدود و حقوق دعوت می‌کند؛ به‌گونه‌ای که اگر در اثر کمی آب یا استفاده آن برای وضو یا غسل، جان حیوانی در خطر باشد، وضوگرفتن یا غسل کردن جایز نیست و وظیفه شخص تبدیل به تیمم می‌شود. آیات و روایات ضمن توجه دادن به مظاهر طبیعی و احترام آنان، بشر را به حفاظت از منابع موجود در طبیعت و استفاده صحیح از آن‌ها تشویق کرده و هرگونه بهره‌برداری ناروا، اعم از اسراف و اتلاف و تضییع حقوق دیگران اعم از نسل‌های فعلی و بعدی را نهی کرده است.

جهت‌گیری اسلام در آفرینش انسان این است که خداگونه شود و همه زمینه‌های لازم اعم از عقل و فطرت به عنوان رسول باطنی در کنار پیامبران به همراه کتاب راهنمای زندگی را در اختیار او گذاشته و از جمله به او سفارش کرده امانتی را که به عنوان ابزاری در راستای تکامل او در اختیارش نهاده شده به خوبی حفظ کند.

هرگاه آدمیان به این تعالیم گوش جان سپرده و عمل کنند و راه و رسم بندگی و خلیفه‌اللهی را بپیمایند و با امانتی که خداوند در اختیارشان قرار داده، براساس رهنمودهای ارائه شده از جانب دین عمل نمایند، مشکلات فراوان زیست‌محیطی که اکنون با آن مواجه هستیم رخت برمی‌بندد. مثلاً هرگاه انسان‌ها حقوق یکدیگر را رعایت کنند، در بهره‌برداری از مواهب طبیعت راه اعتدال را پیش گرفته و دست از زیادت‌طلبی، حرص و آز، اسراف و اتلاف بردارند، در این صورت همین دنیای خود را بهشت می‌یابند.

### آموزه‌های فردی

تکالیف الزامی: برخی از تکالیف الزامی که از آیات و روایات و نیز قواعد فقهی استفاده می‌شود عبارتند از:

#### ۱- اجتناب از ظلم

براساس قاعده عدالت، باید در رفتارهای خود در ارتباط با محیط‌زیست از هرگونه ظلم و تعدی به انسان‌های دیگر (اعم از نسل موجود و یا نسل‌های آینده) پرهیز کنیم. شکی نیست که هر فعالیتی که به‌نحوی آلودگی محیط‌زیست را به دنبال داشته باشد، از مصادیق بارز ظلم محسوب می‌شود.

## ۲- اجتناب از ضرررسانی و اتلاف اموال عمومی

برخی از افراد و بنگاه‌های اقتصادی برای بیشینه‌کردن سود خود، ممکن است اقدام به تخریب محیط‌زیست بنمایند، آلوده‌ساختن هوا، آب دریاها و رودخانه‌ها، فعالیت‌های تأثیرگذار بر لایه ازن از مصادیق تخریب طبیعت محسوب می‌شوند و به دنبال آن پیامدهای دیگری چون کوتاه شدن عمر انسان، شیوع بیماری‌ها به ویژه بیماری‌های پوستی، از بین رفتن برخی از گونه‌های گیاهی و حیوانی را به دنبال خواهد داشت و طبق قاعده لاضرر، قاعده اتلاف و تسبیب، مسبب این پیامدها گناهکار بوده و از نظر حکم وضعی نیز ضامن محسوب می‌شود.

## ۳- اجتناب از اسراف

گرچه مصادیق بارز اسراف، کمی بوده و بیشتر استفاده بیش از حد منابع طبیعی را شامل می‌شود در نتیجه، تخریب محیط‌زیست، آلوده نمودن آب‌ها و هوا و سایر مصادیق آلودگی، به سبب این‌که بهره‌مندی انسان از این منابع را کاهش داده حکم اسراف را داشته و حرام است.

## ۴- نهی از فساد روی زمین

خداوند متعال ضمن تأکید بر این‌که نظام هستی براساس صلح آفریده شده در موارد متعددی از ایجاد فساد در این نظام نهی می‌نماید و می‌فرماید:

«لَا تَفْسُدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (اعراف: ۵۶)

همچنین مصداق بارز مفسدان در روی زمین را کسانی می‌داند که به تخریب آن می‌پردازند و کشت و نسل را نابود می‌کنند:

«وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْخَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ.» (بقره: ۲۰۵)

و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد. تمام کسانی که به شکل‌های مختلف امکان استفاده از زمین را از بین برده و یا با آلوده کردن هوا، اسراف در مصرف منابع و ... زمینه نابودی نسل‌های آتی را فراهم می‌کنند مشمول این آیه خواهند شد.

در آیه دیگر، خداوند متعالی کسانی را که دست به تخریب مظاهر زیبایی خداوند زده و نظام باشکوه آفرینش را به آلودگی تباہ می‌کنند، مورد نکوهش قرار می‌دهد. نارسایی‌ها و مشکلات بر روی زمین را ناشی از اعمال انسان‌های فاسد قلمداد می‌کند. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ.» (روم: ۴۱)

لحن شدیدی که در این آیات نسبت به افراد مفسد و تخریب‌گر وارد شده حاکی از شدت توجهی است که خداوند نسبت به حفظ محیط‌زیست به عنوان ظرف رشد و تکامل انسان دارد. هدف اصلی از خلقت جهان هستی، انسان بوده است و این‌که او در راه تعالی خود هیچ‌گونه نقصانی نداشته باشد.

## رهنمودهای تشویقی (اخلاقی)

همان‌طور که در مقدمه این بحث نیز اشاره شد، اصل اولیه اسلام براین قرار گرفته که با تربیت انسان خود او را به نگهداری از محل زندگی خود وا دارد و اتفاقاً چنین روش‌هایی در عمل بهتر جواب داده است. به همین جهت آیات و روایات زیادی با این نگرش وجود دارد که به بعضی از آن‌ها از باب نمونه اشاره می‌کنیم.

۱- خداوند انسان را به عنوان نماینده و جانشین و امانتدار خود معرفی نموده است «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً.» (بقره: ۳۰) و اسباب خلافت را با تعلیم اسمای حسناى خود برایش فراهم نموده «وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱) و ضمن آن از او خواسته به آبادی امانتی که به او سپرده شده یعنی زمین و مظاهر آن بپردازد و آن را از هر گونه گزند و تباہی بازدارد. «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا.» (هود: ۶۱).

۲- روایات فراوانی درباره تأکید دین بر نظافت (اعم از نظافت شخصی، منزل و محیط) وارد شده و حتی از اصول و نشانه‌های ایمان دانسته شده، به علاوه خداوند عبادات خود را نیز با نظافت قرین ساخته است. وضو و غسل که مسلمانان به آن رهنمود شده‌اند به نظافت تعلیل شده است، هنگام رفتن به مساجد سفارش شده است که مسلمانان بهترین لباس خود را بپوشند. همچنین در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

لا تطيب السكنى إلا بثلاث الهواء الطيب و الماء الغزير العذب و الأرض الخوارة.

زندگی بدون داشتن سه چیز بر انسان گوارا نمی‌باشد: هوای تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصلخیز.

روشن است که موارد فوق از مصادیق بارز محیط‌زیست سالم و در نتیجه داشتن زندگی با نشاط می‌باشد.

۳- در روایات فراوانی به حفظ راه‌ها، آب‌ها و سایر اماکن عمومی توجه شده و از هرگونه آسیب‌رساندن به این ثروت‌ها نهی شده و از کسانی که در این راه تلاش می‌کنند، تمجید شده است. چنانچه براساس روایت پیامبر اکرم هر کس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث رنجش رهگذران است برطرف کند خداوند اجر خواندن ۴۰۰ آیه از قرآن برای او ثبت می‌کند.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَنْ أَمَطَ عَنْ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ مَا يُؤْذِيهِمْ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِمِائَةِ آيَةٍ كُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا بِعَشْرِ حَسَنَاتٍ

به همین جهت امام سجاد علیه السلام هرگاه کلوخی را در راه می‌دیدند از مرکب پیاده شده و آن را از سر راه برمی‌داشتند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: لَقَدْ كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام يَمُرُّ عَلَى الْمَدْرَةِ فِي وَسْطِ الطَّرِيقِ فَيَنْزِلُ عَنْ دَابَّتِهِ حَتَّى يُنَحِّيَهَا بِيَدِهِ عَنِ الطَّرِيقِ

از آن طرف کسانی که مسیر مردم را آلوده کرده یا مانعی در آن ایجاد می‌کنند سرزنش شده‌اند. رسول گرامی اسلام فرموده‌اند:

ثَلَاثٌ مُلْعُونٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ: الْمُنْعَوْتُ فِي ظِلِّ النَّزَالِ وَالْمَانِعُ الْمَاءَ الْمُنْتَابَ وَ سَادُّ الطَّرِيقِ الْمَسْلُوكِ

سه گروهند که در اثر کار خود مورد لعنت خداوند قرار می‌گیرند: الف - کسانی که اماکن عمومی، سایه‌بان‌ها و محل پیاده شدن مسافران را آلوده کنند. ب- کسانی که آب عمومی (آب نوبتی) را غصب کنند. ج - کسانی که سد معبر کرده و مانع عبور عابران شوند.

در روایت دیگری، امام صادق علیه السلام از قول پدرانش از پیامبر خدا نقل می‌کند:

قَالَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ أَنْ يُتَغَوَّطَ عَلَى شَفِيرِ بئرٍ مَاءٍ يُسْتَعْدَبُ مِنْهَا أَوْ نَهْرٍ يُسْتَعْدَبُ أَوْ تَحْتَ شَجَرَةٍ فِيهَا ثَمَرُهَا

پیامبر اکرم از قضای حاجت در کنار چاه آب آشامیدنی، نهر آب، و یا زیر درخت میوه نهی کردند.

همه این‌ها بر اهتمام دین بر پاکیزگی محیط زندگی و حفظ آن از هرگونه آلودگی دلالت دارد حتی در مواردی کارهایی از این قبیل ضمان آور دانسته شده‌اند، از جمله امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«من أخرج ميزاباً أو كنيفاً أو اوند و تداً أو اوثق دابة أو حفر شيئاً في طريق المسلمين فاصاب فعضب فهو له ضامن» یعنی هرکس ناودان یا گودال و یا چاهی

در راه مسلمانان ایجاد کند و یا میخی در جایی بکوبد و یا حیوانی را در جایی ببندد و کسی در اثر برخورد با آن صدمه ببیند ضامن آن است.

۴- در روایات زیادی مسلمانان تشویق به درختکاری، زراعت و سایر فعالیت‌هایی که به نحوی در طراوت و سرسبزی محیط مؤثرند، شده‌اند از جمله در روایتی از پیامبر اکرم آمده است:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْساً أَوْ يَزْرَعُ زَرْعاً فَيَأْكُلُ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ.

مسلمانی که نهالی بکارد یا زراعتی به عمل آرد و از آن انسان، پرنده یا حیوانی استفاده کند، در نامه اعمال او ثواب صدقه نوشته می‌شود و نیز فرموده‌اند: کسی که درخت میوه‌ای بکارد، خداوند به اندازه ثمر آن به او اجر می‌دهد.

مَنْ غَرَسَ غَرْساً فَأُثْمِرَ أَغْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ قَدْرَ مَا يَخْرُجُ مِنَ الثَّمَرَةِ.

امام صادق علیه السلام زراعت و کشاورزی را از محبوب‌ترین اعمال دانسته و فرموده است تمامی پیامبران غیر از ادريس که شغل خیاطی داشت، کشاورز بودند.

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) أَنَّهُ قَالَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الزَّرْعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعًا إِلَّا إِدْرِيسَ (ع) فَإِنَّهُ كَانَ خِيَّاطًا

۵- احترام به محیط زیست و انواع گونه‌های جانوری و گیاهی در مناسک حج و در حرم امن الهی به مسلمانان یادآوری می‌شود. شکار صید و قطع نمودن اشجار و گیاهان در حالت احرام از محرمات محسوب شده و در صورتی که حاجی مرتکب آن شود باید کفاره بپردازد و نکته قابل توجه این است که کفاره تمام محرمات احرام مبتنی بر تعدد و قصد است در حالی که نسبت به صید حتی در صورت عدم توجه نیز باید کفاره بدهد.

۶- نهادینه ساختن فرهنگ آینده‌نگری و خروج از پیله خودنگری، در روایات و نیز آموزه‌های فقهی فراوان به چشم می‌خورد. روایاتی که انسان‌ها را به عمران و آبادی زمین تشویق می‌کند، تشویق به ارث باقی گذاشتن و به فکر آینده فرزندان بودن، تشویق به وقف و صدقات جاریه از این قبیل هستند. به طور طبیعی، چنین فرهنگی، تدبیر نسبت به آینده محیط‌زیست را نیز به همراه دارد.

در روایتی از پیامبر اکرم تشویق به آینده‌نگری به خوبی ترسیم شده است. حضرت فرموده‌اند:

إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ وَ فِي يَدِ أَحَدِكُمْ الْفَسِيلَةُ فَإِنْ اسْتِطَاعَ أَنْ لَا تَقُومَ السَّاعَةُ حَتَّى يَغْرِسَهَا فَلْيَغْرِسْهَا

هرگاه نهال خرما جهت کاشتن در دستتان بود و قیامت برپا شد، اگر قادر بر کاشت آن تا وقوع قیامت بودید، آن را بکارید. آبادی و عمران زمین برای انسان مطلوبیت دارد، گرچه کسی از آن بهره نبرد.

**کلمه مثال ۴:** کدام یک از موارد از تکالیف الزامی (واجب) برای حفظ محیط‌زیست از منظر اسلام می‌باشد؟

(۲) نهی فساد روی زمین

(۱) اجتناب از اسراف

(۴) همه موارد

(۳) اتلاف اموال عمومی

پاسخ: گزینه «۴» هر سه مورد اجتناب از اسراف (مثل آب)، نهی فساد روی زمین (مثل تخریب خاک) و اتلاف اموال عمومی مانند لایه ازن در حوزه محیط‌زیست مطرح و الزام‌آور است.

## درسنامه (۱۴): کارت اعتباری



### تعریف کارت اعتباری

کارت‌های اعتباری، گاهی به معنای عام به کار می‌روند و معادل کارت الکترونیکی است که شامل کارت‌های خودپرداز، کارت‌های تلفن و خریدهای اعتباری می‌شود و گاهی به معنای خاص به کار می‌روند که این چنین تعریف می‌شود:

کارت اعتباری، کارتی است که یک بانک یا نهاد پولی یا اعتباری صادر می‌کند و به دارنده آن امکان می‌دهد کالا یا خدمتی را بدون پرداخت وجه نقد و صرفاً با ارائه کارت، خریداری کند؛ سپس بهای آن را طی مدت زمان مشخصی به صادرکننده کارت بپردازد.

### کیفیت معامله با کارت‌های اعتباری

به طور معمول، در بانکداری ربوی رابطه حقوقی بین عناصر تشکیل‌دهنده کارت‌های اعتباری قراردادهای بیع و حواله است. وقتی دارنده کارت کالایی را از فروشگاه می‌خرد، دارنده کارت بدهکار و فروشگاه طلبکار می‌شود. زمانی که مشتری کارت را در دستگاه نصب شده در فروشگاه (POS) قرار می‌دهد، فروشنده را برای دریافت قیمت کالا به صادرکننده کارت (بانک) حواله می‌دهد. بدین ترتیب، بدهی از ذمه دارنده کارت به ذمه صادرکننده کارت منتقل می‌شود. با پرداخت بدهی به وسیله صادرکننده کارت، دارنده کارت (حواله‌دهنده) به صادرکننده کارت بدهکار می‌شود و طبق ضوابط کارت اعتباری، تا یک ماه (روز معینی از ماه بعد) فرصت دارد بدهی خود را از بابت قیمت کالاها و خدمات خریداری شده به وسیله کارت به بانک بپردازد و چنان‌که تا آن زمان نتواند بپردازد، یکی از حالت‌های ذیل رخ می‌دهد.

۱- **تقاضای تقسیط:** در این حالت، دارنده کارت با مراجعه به بانک اعلام می‌کند که توان پرداخت بدهی را یکجا ندارد و تقاضای تقسیط بدهی می‌کند. بانک با افزایش مبلغی به صورت بهره، بدهی را تقسیط می‌کند.

۲- **جریمه:** اگر دارنده کارت تا تاریخ معینی (برای مثال سه ماه) بدهی خود را نپردازد و تقاضای تقسیط نیز نکند، بانک طی اخطاری، اصل مبلغ بدهی را همراه با جریمه‌ای که به طور معمول خیلی بیشتر از بهره تقسیط است، از دارنده کارت می‌گیرد یا از طریق ضمانت‌ها و وثیقه‌ها وصول می‌کند.

### تحلیل فقهی معامله با کارت‌های اعتباری

بررسی عناصر تشکیل‌دهنده، کیفیت معامله و عواید مالی صادرکننده کارت‌های اعتباری نشان می‌دهد که برخی از اجزای معامله و برخی عواید مالی از جهت فقهی مجاز، برخی نامشروع، و برخی اختلافی است.

معامله با کارت اعتباری، ترکیبی از بیع و حواله است. بخش بیع آن به طور کامل صحیح است؛ اما در بخش حواله آن بین فقه شیعه و اهل سنت اختلافی است. به اعتقاد فقیهان شیعه، حواله به بری الذمه اشکالی ندارد؛ در نتیجه دارنده کارت با این‌که نزد صادرکننده کارت موجودی (طلب) ندارد، می‌تواند بدهی خود به مرکز تجاری را به او حواله کند؛ اما بنابر فقه اهل سنت که مدیون بودن حواله شونده (محال علیه) را شرط صحت حواله می‌دانند، رابطه حقوقی بین آن‌ها نمی‌تواند حواله باشد و باید از رابطه حقوقی وکالت یا کفالت استفاده کرد؛ یعنی بانک (صادرکننده کارت) در پرداخت بدهی دارنده کارت وکیل یا کفیل خواهد بود و بعد از پرداخت بدهی به تاجر، معادل آن را از دارنده کارت می‌گیرد.

بعد از تحقق معامله و پرداخت بدهی دارنده کارت به وسیله صادرکننده کارت به قرارداد حواله یا وکالت یا کفالت، اگر دارنده کارت تا زمان مقرر بدهی خود را با صادرکننده کارت تصفیه کند، مشکل فقهی پیش نمی‌آید؛ اما اگر در مقابل افزایش بدهی تقاضای تقسیط و تمدید مدت کند، از مصادیق روشن ربا نزد فقیهان شیعه و اهل سنت و اصولاً از مصادیق روشن ربا جاهلی است که خیلی از آیات قرآن در تحریم آن نازل شده‌اند و اگر دارنده کارت تقاضای تقسیط نکند، چنان‌که گذشت مشمول جریمه تأخیر خواهد شد که مورد اختلاف فقیهان است.

درباره عواید دیگر مالی صادرکننده کارت اعتباری چون حق عضویت، حق‌العمل تجاری، کارمزد خرید و عواید غیرمستقیم می‌توان مجوز فقهی داشت به این معنا که حق عضویت یا کارمزد خرید (یکی از آن دو) بهای ارائه خدمات به دارنده کارت یا قیمت حق استفاده از کارت اعتباری است و حق‌العمل تجاری چنان‌که گذشت، اجرت واسطه‌گری و یافتن مشتری یا بهای ارائه خدمات به مراکز تجاری است. استفاده از مانده موجودی حساب‌های مشتری معتبر نیز بلامانع است؛ چون یا مانده موجودی به ملکیت بانک در می‌آید (در حساب‌های جاری) یا اجازه تصرف در آن‌ها را دارد.

### کج مثال ۵: در مورد فقه کارت‌های اعتباری کدام عبارت در مورد راه‌حل‌های مختلف استفاده از آن در بانکداری بدون ربا صحیح نیست؟

- ۱) طراحی کارت اعتباری براساس قراردادهای بیع و حواله و جریمه تأخیر تأدیه، برای کارت‌های اعتباری با مبالغ خیلی بیشتر، جریمه تأخیر شبهه ربا دارد.
- ۲) طراحی کارت اعتباری براساس قرارداد فروش وکالتی، به جهت تبدیل شدن هر معامله به دو معامله وکالتی به وسیله خریدار یا فروشنده از جهت قصد جدی معامله به وسیله دو طرف معامله محل خدشه است.
- ۳) طراحی براساس قراردادهای بیع نسبی و حواله، قابلیت تقسیط و قصد متعاملین مشکل خواهد داشت.
- ۴) طراحی براساس بیع نسبی و خرید دین (تنزیل) قابلیت تقسیط داشته و از نظر فقهی قابل توجیه بوده و راه حل مناسب برای کارت‌های اعتباری در بانکداری بدون ربا است.

پاسخ: گزینه «۳» این نوع طراحی از نظر قابلیت تقسیط و قصد متعاملین مشکلی ندارد.



## درسنامه (۵): احکام فقهی کاهش ارزش پول

در میان بزرگان [فقه شیعه] چنین معروف است که نقدینه [هرگونه پول] همانند دیگر کالاهای مثلی است که در بدهی‌ها و جبران خسارت‌ها، مثل آن در عهده می‌آید و کاهش ارزش آن به هنگام پرداخت، نسبت به زمان گرفتن و یا از میان رفتن، بر عهده پرداخت‌کننده نیست. پیامد این سخن آن است که اگر کسی مثلاً از پنجاه سال گذشته تاکنون، به دیگری صد تومان بدهکار باشد که این مبلغ، در آن روزها ارزش بسیار و توان خرید بالایی داشت، اکنون می‌تواند یک برگ اسکناس صد تومانی امروز را به او بپردازد که به هیچ روی با ارزش آن روزش برابری نمی‌کند و معنایش آن است که کاهش ارزش پول، به ضمان درنیامده و تنها مثل و معادل اسمی آن را ضامن است. این خود، مسئله‌ای است با اهمیت و پیامدهای فقهی مهمی را در بخش‌های گوناگون فقه داراست.

[در میان فقیهان] معروف، بلکه گویا پذیرفته همگان است که چیزهای دارای مثل و همانند که افراد همسان داشته و نزد عرف نام و نشان یکسانی برای آنها یافت می‌شود، ضمان آنها در جبران خسارت‌ها و بدهی‌ها به «مثل» است و نه به «بها» [قیمت]. مدرک این حکم همان عرف، و دریافت‌های همگانی خردمندان [سیره و اثبات عقلایی] است که در شرع نیز پذیرفته شده، ولی در روایات و متون شرعی، بدان تصریح نشده است. گرچه برخی فقیهان خواسته‌اند به روایت «علی الید ما اخذت حتی توءدی» بدین‌گونه استدلال کنند که:

ظاهرش بر عهده ماندن همان چیزی است که گرفته شد، پس خود چیز دریافت شده، حتی پس از نابود شدن، در عهده است که باید شخص آن را پرداخت کند، لیکن آن جایی که پس از تلف و نابود شدن مردود ساختن شخص آن ممکن نیست، بایستی آنچه از ویژگی‌ها و صفات نوعی و مثلی که داراست، پرداخت شود؛ زیرا تمام آن خصوصیات بر ذمه است، پس بایستی مثل آن بازپرداخت شود. البته اگر همانندش در دسترس باشد وگرنه بهای آن را. لازمه چنین سخنی آن است که بازپرداخت کالاهای مثلی نایاب و کالاهای قیمی برحسب قیمت روز (یوم الاداء) خواهد بود؛ زیرا آنچه بر ذمه شخص مدیون قرار دارد، خود عین است. این روایت سند ندارد و تنها مرحوم علامه حلی در برخی از کتاب‌هایش آن را به صورت مرسل آورده است. افزون بر این، چنین برداشتی از روایت، دشوار است؛ چه ظاهرش تنها درباره جایی است که کالای گرفته شده در دسترس باشد که باید خود آن را پس داد و هیچ دلالت لفظی بر این ندارد که به هنگام نابود شدن، چه چیز بر عهده می‌آید و از این جهت ساکت است. این مسئله تنها با استفاده و ضمیمه کردن دریافت‌های عرفی که در شرع هم پذیرفته شده به این حدیث، قابل استظهار است. بنابراین دلیل اصلی بر ضمان مثل همان دلیل لبی [غیرلفظی] است که گذشت. این نیز نزد فقیهان معروف است که ضمان مثل، در بردارنده همه ویژگی‌ها و صفات حقیقی یک چیز است که در بهای آن و خواهان بودن مردم تأثیر دارد و ضامن باید به بستانکار بپردازد. ولی خود قیمت و بهای بازار را جدای از صفات آن شیء، چیزی اعتباری می‌دانند که ارتباطی با کالای در عهده ندارد و مربوط به خواست مردم است و صفتی از صفات حقیقی کالای بر عهده نیست. برای همین است که اگر کسی با عرضه انبوه کالا یا بدنمایی آن و یا هر ترفند دیگری، سبب کاهش بهای آن گردد، ضامن نیست. برآیند این سخن، آن است که کاهش بهای چیزی که در عهده است بر ضامن نیست و بازپرداخت مثل آن کافی است، خواه بهایش افزایش یابد و یا از آن کاسته گردد. البته آنچه گفته‌اند فی الجمله درست است، ولی فراگیری آن دشوار می‌نماید. در واقع مباحث بسیاری یافت می‌شوند که به مسئله تورم یا کاهش ارزش پول ارتباط دارند، ولی ما تنها به دو مبحث از میان آنها بسنده می‌کنیم.

### تورم و کاهش ارزش پول ملی

۱- تورم و کاهش ارزش پول پیامد مهمی در باب خمس دارد؛ چه براساس آن، می‌توان گفت که هرگاه بهای کالای تجاری افزایشی یابد که تنها نتیجه تورم باشد، خمسی در آن لازم نمی‌شود؛ زیرا این در حقیقت کاهش ارزش پول و فرو افتادن بهای آن است و نه افزایش بهای کالای تجاری و از همین رهگذر است که بهای آن در سنجش با دیگر کالاها، همچنان در یک حال پایدار مانده است؛ چرا که همه کالاها با هم افزایش بها یافته‌اند و پیامدش آن است که فایده، بهره یا غنیمت در چنین جایی صادق نباشد که خاستگاه [موضوع] خمس می‌باشند. بنابراین، بازرگانی این‌گونه، گرچه در پایان سال بهای کالاهای تجاری او، شماره‌ای بس بزرگ‌تر را از نظر پول در گردش مانند تومان نشان می‌دهد، ولی اگر چنین چیزی از روی فرو افتادن ارزش پول به همین اندازه در همه کالاهای حقیقی بوده باشد، سودی از آن بازرگان یاد شده نگردیده است؛ زیرا سود و بهره تنها با شماره و رقم و بهای اسمی پول سنجیده نمی‌شود، بلکه ارزش واقعی و توان خریدش سرنوشت‌ساز است که افزایشی نداشته وگرنه گاهی لازم می‌شود که یک بازرگان، کم‌کم همه سرمایه‌اش را در پی تورم روز افزون در سال‌های پی در پی به عنوان خمس بدهد. این مطلب بسی روشن و بلکه آشکارتر از مسئله ضمان نرخ تورم می‌نماید.

۲- از چیزهایی که با این بحث ارتباط دارد و از موارد آن به شمار می‌آید، سرمایه مضاربه است. البته در صورتی که پیمان مضاربه بر پول بسته شود و از دیدگاه فقهی آن را درست بدانیم. کاهش ارزش پول در پی تورم، اگرچه بر عهده کارگزار نیست، چرا که او امانتدار است، ولی سخن در این است که آیا این کاهش، از سود کسر می‌گردد یا خیر؟ چه این‌که سود سپری برای حفظ سرمایه است و اگر ارزش و توان خرید پول در گردش به عنوان سرمایه در نظر گرفته شود، نخست باید چیزی به همین اندازه از سود را کنار گذاشته و افزون بر آن را سود به شمار آورد که با نسبت معینی میان صاحب سرمایه و کارگزار تقسیم می‌شود. بدینسان آنچه در سخن برخی پژوهشگران آمده که مسئله مضاربه ارتباطی به بحث تورم ندارد سخن درستی نیست.



آری می‌توان گفت از آن‌جا که مضاربه عقدی است از عقدها که در آن، سرمایه به شکل پول با شمارش مشخص و ویژه‌ای مورد پیمان دو طرف می‌گردد، روند عادی و ظاهر حال آن است که همان رقم معین از پول با سرمایه می‌گردد. بنابراین اندازه اسمی آن موردنظر است و نه بها و توان خریدش، چنانکه در دیگر عقدها و پیمان‌ها به همین گونه است. البته باید گفت چنین چیزی در مضاربه نادرست است؛ چه این از عقود اذن و نه تعهدی بوده و مال همچنان بر ملک مالکش می‌ماند و به کارگزار، جز اندازه سهم خودش، از آنچه سود به شمار می‌رود، نمی‌رسد. هم‌اکنون نیز گفته‌ایم که با افزایش شمارش پول در پی تورم، سودی در میان نیست. بنابراین، درست آن است که به اندازه تورم باید از سود برداشته به صاحب سرمایه دهیم و مانده سود را میان او و کارگزار تقسیم کنیم، چنانکه در موضوع خمس نیز یادآور شده‌ایم؛ زیرا سود جز در افزایش بر سرمایه از جهت ارزش و توان خرید، صادق نیست و تنها افزایش عددی و رقمی پول، سود به شمار نمی‌آید. آری اگر تورم پیش از آغاز خرید با سرمایه رخ دهد، می‌توان گفت که سرمایه مضاربه همان اندازه ارزش، کاهش یافته است.

### فرض قیمی بودن پول

قیمی بودن پول مستلزم آن است که اگر کسی روزی ده هزار دینار وام گرفته و ارزش آن برابر ۳۳۰۰ دلار بوده است در هنگام بازپرداخت (پس از ده سال) باید همان ۳۳۰۰ دلار یا مبلغی مساوی آن را به صاحبش بازگرداند (یعنی ارزش آن حفظ گردد). اکثر فقها رأی بر مثلی بودن پول می‌دهند. آیا دلایل موجود مبنی بر مثلی بودن پول قابل دفاع است؟ (مثلی یعنی عین آن مبلغ مورد نظر است و از کاهش ارزش آن در طول زمان صرف نظر شده است). یکی از دلایلی که آورده می‌شود حدیث مشهور پیامبر (ص) می‌باشد: «علی الید اخذت حتی تؤدی» باید گفت که از این حدیث مثلی بودن برداشت نمی‌شود، چون این روایت شریف فقط به این نظر دارد که ید عدوانی نسبت به چیزی که به آن تعدی کرده است مسئولیت دارد؛ اگر عینش باشد، عین، و اگر عینش نباشد، این روایت هیچ نظری به عینی یا مثلی و تفسیر موردنظر ندارد. دلیل دیگر، آیه شریفه «فأعتدوا علیه مثله ما اعتدی علیکم» می‌باشد. این آیه به نظر می‌رسد باز هم هیچ دلالتی بر همسان بودن مال ندارد بلکه فقط بر همسنگ بودن دلالت می‌نماید؛ یعنی متعدی به همان اندازه که تعدی کرده ضامن است (شاید حتی بیشتر بر قیمی بودن پول دلالت می‌کند). دلیل دیگر اجماع فقها در مثلی بودن است. باید گفت اگر اجماعی هم حاصل شده باشد، اجماعی مستند به ادله فوق است که به آن‌ها نمی‌توان اعتماد کرد. این بدان معناست که در صورت وجود تفاوت فاحش قیمتی بودن پول می‌تواند توجیه داشته باشد.

در واقع پول یک میزان عرضی دارد و یک میزان طولی، می‌توان گفت که وقتی فقها تصریح می‌کنند که پول از مثلیات است نه از قیمیات، نظرشان به میزان عرضی پول است نه میزان طولی آن و به نظر می‌رسد اشکالی نداشته باشد میزان عرضی پول از مثلیات و میزان طولی آن از قیمیات باشد. یعنی اگر در زمان‌ها و مکان‌های مختلف ارزش آن تفاوت فاحشی داشته باشد آن را قیمی بدانیم.

### کج مثال ۶: در عقد مضاربه .....

- (۱) اندازه اسمی پول مدنظر است، نه بها و توان خرید پول.
- (۲) توان خرید و ارزش کالایی پول مدنظر است.
- (۳) از منابع حاصل از تورم لازم نیست به صاحب سرمایه پرداخت شود.
- (۴) تورم موجب افزایش سرمایه مضاربه می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» در مضاربه سرمایه به شکل پول با شمارش مخصوص و ویژه‌ای مورد پیمان دو طرف واقع می‌شود، لذا همان رقم معین از پول با سرمایه می‌گردد. بنابراین اندازه اسمی آن موردنظر است و نه بها و توان خریدش.

### کج مثال ۷: منظور از قیمی بودن پول چیست؟

- (۱) در بازپرداخت وام مبلغ اسمی پول عودت شود.
- (۲) در بازپرداخت وام، ارزش پول حفظ شود.
- (۳) پول به عنوان یک کالا محسوب شود.
- (۴) تورم بر روی آن بی‌اثر باشد.

پاسخ: گزینه «۲» قیمی بودن پول یعنی اگر پولی که از کسی گرفته شده است مثلاً ۱۰ سکه طلا ارزش دارد، در بازپرداخت آن نیز پولی که ارزش ۱۰ سکه طلا دارد پرداخت شود.

## درسنامه (۴): معرفی صکوک

### اوراق مشارکت

همان اوراق قرضه است که مطابق قانون بانکداری اسلامی منتشر می‌شود. ماهیت حقوقی اوراق مشارکت بر پایه عقد مشارکت مدنی قابل تحلیل است. در نظام مشارکت که انواعی دارد، صاحب پس‌انداز به جای دادن قرض و گرفتن بهره، کل یا بخشی از سرمایه مورد نیاز مؤسسه اقتصادی را تأمین می‌کند و بر اساس توافق با کارفرما، در سود و زیان آن شریک می‌شود و در پایان هر دوره مالی، پس از کسر هزینه‌ها، سود به دست آمده برحسب نسبت‌هایی که در قرارداد توافق شده، بین صاحب سرمایه و عامل اقتصادی (کارفرما) تقسیم می‌شود. این نظام می‌تواند در شکل ساده دو یا چند نفر شریک، در مؤسسه اقتصادی کوچکی نمایان شود و می‌تواند در قالب شرکت‌های سهامی عام در سطح گسترده مطرح باشد. از سوی دیگر، این نظام می‌تواند به صورت مستقیم و با مشارکت صاحبان سرمایه شکل گیرد و همچنین می‌تواند از طریق واسطه‌های مالی چون بانک‌های عمومی، تخصصی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نیز سازماندهی شود. اوراق مشارکت معمولاً سودهای متغیری را موجب می‌شوند و از آنجا که بر مبنای مضاربه یا شراکت هستند، سود معینی را ضمانت نمی‌کنند. بنابراین با توجه به تعریف اوراق مشارکت و جایگزینی مفهوم سود علی‌الحساب به جای سود قطعی به نظر می‌رسد مشکل شرعی اوراق قرضه برای اوراق مشارکت وجود نداشته باشد. برخی از ویژگی‌های اوراق مشارکت منتشر شده در ایران که متفاوت از ویژگی اوراق قرضه معمولی است، به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- اوراق مشارکت طبق اصول اسلامی منتشر می‌گردند و بر مبنای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های اقتصادی با نرخ بازدهی مثبت می‌باشند و سود آن‌ها بین سرمایه‌گذاران و منتشرکننده اوراق (کسی که مسئول تکمیل پروژه است) تقسیم می‌شود.
  - ۲- برای هر مورد، منتشرکننده باید حداقلی از سود قابل حصول از پروژه موردنظر را ضمانت کند.
  - ۳- اوراق باید به منظور تأمین مالی پروژه‌های خاص باشند و در جای دیگر نمی‌توانند استفاده شوند.
- بقیه ویژگی‌های اوراق مشارکت همانند اوراق قرضه متعارف می‌باشد. با توجه به تعاریف بالا تفاوت ذاتی اوراق مشارکت با اوراق قرضه به روشنی مشخص می‌شود. اوراق مشارکت سندی ما بین دو شریک است که در طرحی مشخص سرمایه‌گذاری می‌کنند و طبق توافق، سود به دست آمده را بین خود تقسیم می‌کنند، هرچند حداقلی از سود به وسیله یک شریک تضمین شده است. ولی اوراق قرضه سندی مابین قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده می‌باشد که برای آن بهره معینی تضمین شده است و قرض‌گیرنده می‌تواند آن را برای هر امری به مصرف برساند. نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا اوراق مشارکت می‌تواند جانشین خوبی برای اوراق قرضه باشد و همه وظایف آن را به خوبی انجام دهد؟ با توجه به وضعیت انتشار اوراق مشارکت در ایران و با توجه به تعریف این اوراق به نظر می‌رسد جواب این سؤال منفی است. هرچند اوراق مشارکت توانسته است قسمتی از وظایف اوراق قرضه را انجام دهد و تا حدی جای خالی آن را پر کند، ولی ایرادات و نقایص قابل تأملی دارد.

### کج مثال ۸: کدام‌یک از گزینه‌ها در مورد اوراق قرضه و اوراق مشارکت صحیح می‌باشد؟

- ۱) اوراق قرضه و اوراق مشارکت در هر زمان قابل بازخرید است.
- ۲) اوراق مشارکت سندی است که در طرحی مشخص به کار می‌رود، ولی اوراق قرضه سندی می‌باشد که قرض‌گیرنده می‌تواند آن را برای هر امری به مصرف برساند.
- ۳) در هر دو نوع اوراق منتشرکننده باید حداقلی از سود قابل حصول از پروژه موردنظر را ضمانت کند.
- ۴) در هر دو مورد سود حاصل بین سرمایه‌گذاران و منتشرکننده اوراق تقسیم می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» اوراق قرضه فقط در زمان سررسید قابل بازخرید است و پیش از زمان سررسید فقط قابلیت معامله در بازار ثانویه را دارد، ولی اوراق مشارکت در هر زمان قابل بازخرید است. در اوراق مشارکت، برای هر مورد، منتشرکننده باید حداقلی از سود قابل حصول از پروژه موردنظر را ضمانت کند. اوراق مشارکت سندی ما بین دو شریک است که در طرحی مشخص سرمایه‌گذاری می‌کنند و طبق توافق، سود به دست آمده را بین خود تقسیم می‌کنند.

### صکوک

یکی از ابزارهای مناسبی که می‌تواند جایگزین خوبی برای اوراق قرضه باشد، صکوک است.

صکوک اوراق بهادار اسلامی است که با درگیر کردن یک دارایی مشخص فیزیکی و به میان آوردن قراردادهایی مانند اجاره و مضاربه، منطبق با قانون بانکداری بدون ربا است. صکوک جمع کلمه عربی صک می‌باشد که آن هم معرب واژه چک در زبان فارسی است. در عرف زبان عربی این واژه، حواله، انواع سفته، سند و هر آنچه که تعهد یا قراری از آن برداشت شود را در بر می‌گیرد. واژه‌های صک‌الوکاله به معنای وکالت‌نامه و صک‌الکفاله به معنای کفالت‌نامه نیز در زبان عربی رواج یافته است.

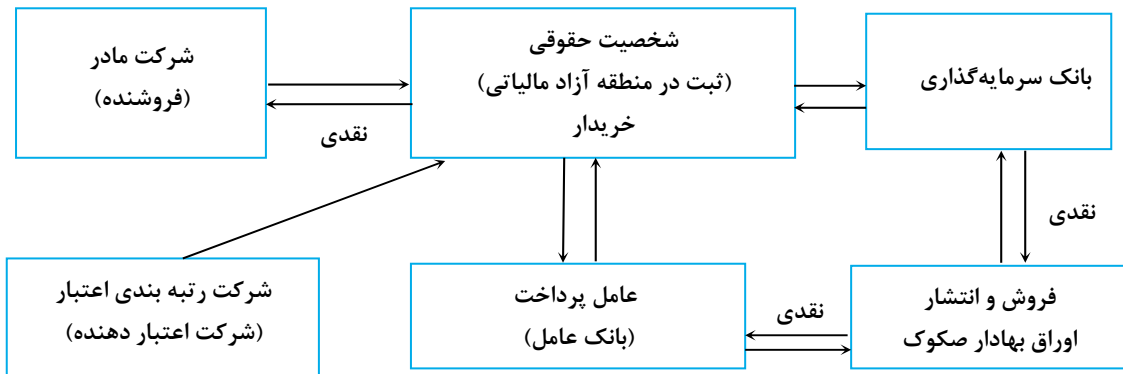
سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، صکوک را اینگونه تعریف کرده است: «گواهی‌هایی با ارزش اسمی یکسان که پس از اتمام عملیات پذیرهنویسی، بیانگر پرداخت مبلغ اسمی مندرج در آن توسط خریدار به ناشر است و دارنده آن مالک یک یا مجموعه‌ای از دارایی‌ها، منافع حاصل از دارایی و یا ذی‌نفع یک پروژه یا یک فعالیت سرمایه‌گذاری خاص می‌شود». صکوک انواع مختلفی دارد که سازمان حسابداری و حسابرسی نهادهای مالی اسلامی، ۱۴ نوع آن را معرفی کرده است. از بین انواع صکوک تعدادی از آنها مانند صکوک اجاره، مضاربه و استصناع از اهمیت بیشتری برخوردارند و بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این جا که بحث درباره ابزار بدهی است، فقط صکوک اجاره مورد توجه قرار می‌گیرد.



صکوک اجاره، نوعی صکوک سرمایه‌گذاری است که بیانگر مالکیت واحدهای سرمایه‌گذاری با ارزش برابر از دارایی‌های بادوام فیزیکی‌ای هستند که به یک قرارداد اجاره، آن‌طور که در شریعت تعریف شده است، پیوند خورده‌اند. در میان محصولات مالی اسلامی، صکوک اجاره یک محصول متمایز به شمار می‌رود که محبوبیت زیادی بین سرمایه‌گذاران مسلمان به دست آورده است. از طرف دیگر ناشران (دولت‌ها و شرکت‌ها) نیز صکوک اجاره را روش مناسبی برای تجهیز منابع می‌دانند. ایده انتشار صکوک اجاره برای نخستین بار توسط مندرکف در مقاله معروف وی با عنوان «استفاده از اوراق اجاره دارایی برای پوشش شکاف بودجه» در سال ۱۹۹۷ مطرح شد. با وجود این، انتشار عملی صکوک اجاره برخاسته از دو عامل اساسی است: اولین عامل از تولد ایده‌ای که در درون مؤلفه‌های شریعت می‌باشد، ناشی می‌شود و عامل دوم، افزایش تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار در بازارهای مالی بوده است. ایده تبدیل کردن دارایی‌ها به اوراق بهادار در دهه‌ی ۱۹۸۰ در تأمین مالی متعارف رایج شد و در دهه‌ی ۱۹۹۰ در ساختارهای مختلف معاملات مالی توسط بانک‌های سرمایه‌گذاری اسلامی مورد استفاده قرار گرفت. به دلیل چنین تجربه‌ای، متخصصان مالی در بانک‌های اسلامی و نیز علمای دینی تقریباً با ایده تبدیل به اوراق بهادار کردن و نیازهای اجرایی آن آشنا بودند. بنابراین ایده اوراق اجاره دارایی و آشنایی با جزئیات عملیاتی دارایی‌های تبدیل شده به اوراق بهادار منجر به توسعه صکوک اجاره شد.

### سیستم انتشار اوراق صکوک

شرکتی که در نظر دارد اوراق بهادار صکوک منتشر کند، ابتدا یک شخصیت حقوقی ایجاد می‌کند و بخشی از دارایی‌های خود را در آن شخصیت حقوقی قرار می‌دهد. به این ترتیب یک بانک سرمایه‌گذاری با انعقاد قراردادی اقدام به انتشار اوراق صکوک در بازار می‌کند و پول فروش آن را در اختیار شخصیت حقوقی قرار می‌دهد. این شخصیت حقوقی با افتتاح حسابی در یک بانک نقش حسابدار و خزانه‌دار را به آن بانک محول می‌کند که وظیفه دارد سود سرمایه‌گذاری خرید اوراق صکوک را به حساب خریداران اوراق واریز کند. چنانچه انتشار اوراق صکوک بین‌المللی باشد دارا بودن رتبه اعتبار الزامی است شخصیت حقوقی ایجاد شده که دارای عمری حداکثر ۷ ساله است حتماً باید در منطقه آزاد مالیاتش ثبت شود تا در تبادل اوراق هزینه گزافی برای مالیات پرداخت نکند و سود بیشتری نصیب خریداران اوراق شود. شرکت حقوقی پس از سررسید اوراق صکوک منحل می‌شود و شرکت مادر یا همان هلدرها اعلام می‌کنند افراد به جای اینکه اصل پول خود را بگیرند می‌توانند دارای سهام شوند. برای آنکه هلدرها در شخصیت حقوقی تأسیس شده به منظور انتشار اوراق صکوک حرفی برای گفتن داشته باشند، یک سهامدار طلایی محسوب می‌شوند. نکته قابل توجه این است که عامل پرداخت سود خریداران اوراق را می‌پردازد. به ساده‌ترین بیان روش کار بدین صورت است که ابتدا بانی توسط واسطه ایجاد یا انتخاب می‌شود، در ادامه واسطه امین را مشخص نموده و دارایی ارزش‌گذاری می‌شود. در مرحله بعد مؤسسه رتبه‌بندی اعتباری اوراق صکوک را که قرار است رتبه‌بندی شود، رتبه‌بندی اعتباری می‌کند. واسطه شرکت تأمین سرمایه را مشخص می‌کند. سپس واسطه امیدنامه اوراق را تهیه نموده و از طریق شرکت تأمین سرمایه اقدام به پذیره‌نویسی صکوک می‌نماید. شرکت تأمین‌کننده سرمایه با توجه به نوع دارایی اقدام به انتشار صکوک می‌کند. در شکل زیر فرآیند انتشار صکوک نشان داده شده است:



شکل ۱: نمای شماتیک سیستم انتشار اوراق صکوک

از شکل فوق پیداست که انتشار اوراق صکوک نیازمند پنج عنصر زیر است:

- بانی: منظور هر شخصیت حقوقی است که به منظور تأمین مالی، اقدام به فروش دارایی‌های خود به واسطه نموده و مجدداً به منظور انتفاع از دارایی‌ها اقدام به اجاره آنها از واسطه می‌نماید.
- واسطه: واسطه معمولاً یک شرکت سهامی خاص یا با مسئولیت محدود است که به منظور خاص (انتشار اوراق) تأسیس می‌شود. واسطه ممکن است از نظر زمانی به صورت محدود یا نامحدود باشد. این شرکت معمولاً توسط بانی و به منظور کاهش هزینه‌های تأمین مالی تأسیس می‌شود. البته در کشورهای پیشرفته که میزان اوراق منتشره زیاد است معمولاً چنین شرکت‌هایی صرفاً به عنوان واسطه تأسیس می‌شوند. وظیفه اصلی واسطه انتشار اوراق صکوک می‌باشد. از نظر حقوقی واسطه به عنوان حق‌العمل کار یا وکیل می‌تواند اقدام به فعالیت نماید.
- سرمایه‌گذاران: منظور صاحبان اوراق می‌باشد.
- امین: منظور نهادی است که حافظ منافع سرمایه‌گذاران است و وظیفه بررسی وثائق و ضمانت‌های لازم جهت انتشار اوراق را بر عهده داشته و بر کل فرآیند صکوک اجاره نظارت کامل دارد.
- مؤسسه اعتباردهنده: مؤسسه‌ای است که اقدام به رتبه‌بندی اعتباری صکوک اجاره می‌نماید.

## ویژگی‌های صکوک

همان‌طور که مشخص است اوراق صکوک اجاره بر اساس قرارداد اجاره تعریف شده است، به همین دلیل با شناخت بیشتر از قرارداد اجاره، می‌توان شناخت بهتری از اوراق صکوک اجاره و ویژگی‌های آن به دست آورد. برخی از ویژگی‌های قرارداد اجاره به این شرح است:

- ۱- قرارداد اجاره در مورد فروش دارایی مورد اجاره، برای موجر (اجاره دهنده) محدودیتی به وجود نمی‌آورد. یعنی موجر می‌تواند دارایی را بفروشد بدون اینکه به قرارداد اجاره خللی وارد شود، زیرا اجاره از عقود لازم است و با فروش باطل نمی‌گردد. اگر فروش پس از اجاره واقع شود، اجاره باطل نمی‌شود چون فروشی منافاتی با اجاره ندارد، زیرا اجاره به منافع و فروش به خود مال تعلق می‌گیرد. هر چند در صورت امکان هنگام فروش، منافع نیز به دنبال فروش خود مال منتقل می‌شود. نکته‌ای که در اینجا وجود دارد این است که خریدار از وقوع اجاره مطلع باشد. همچنین افرادی که در مالکیت یک دارایی شریک هستند، هر طور که بخواهند به صورت فردی یا جمعی می‌توانند دارایی خود را به مالکان جدید بفروشند. با توجه به این ویژگی، مشخص است که صکوک اجاره را می‌توان در بازار ثانویه معامله کرد که این بازار ثانویه می‌تواند بازار بورس یا بازار فرابورس باشد. همچنین شرکت ناشر اوراق صکوک، می‌تواند اوراق را پیش از موعد سررسید، به قیمت بازار باز خرید کند.
- ۲- در قرارداد اجاره، اجاره‌بها می‌تواند به صورت هفتگی، ماهانه، سالانه و یا به هر شکل دیگر که مورد توافق طرفین است پرداخت شود. به همین دلیل سود صکوک هم می‌تواند در هر فاصله زمانی مورد توافق، پرداخت شود.
- ۳- برای مدت زمان اجاره هیچ محدودیتی وجود ندارد. قرارداد اجاره می‌تواند تا زمانی که یک دارایی وجود دارد ادامه یابد.
- ۴- لزومی ندارد که اجاره‌بها حتماً به صورت وجه نقد پرداخت شود، بلکه هر نوع کالا یا دارایی مالی دیگر نیز می‌تواند با توافق طرفین به عنوان اجاره‌بها پرداخت شود.

این ویژگی جالب قرارداد اجاره، افقی وسیع پیش روی سیاست‌های مالی می‌گشاید، چون می‌توان به جای سود، طبق توافق طرفین و با فرآیند معین، اوراق صکوک را تبدیل به سهام کرد. این موضوع برای شرکت‌هایی که حاضرند برای تأمین مالی، قسمتی از دارایی‌های خود را واگذار کنند ولی همچنان همه مدیریت را در اختیار داشته باشند، اهمیت بیشتری می‌یابد.

حال می‌توان به تفاوت‌های بین صکوک اجاره و اوراق قرضه متعارف اشاره کرد:

۱. اوراق صکوک اجاره، سند سرمایه‌گذاری مشاع می‌باشد و همانند اوراق قرضه سند استقراض بین قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده نیست. در صکوک اجاره سود به دست آمده از اوراق کاملاً معین و قطعی است، و این موضوع هم اشکال شرعی ایجاد نمی‌کند، چون سود تقسیم شده، سود ناشی از سرمایه‌گذاری مشاع در خرید یک دارایی و اجاره دادن آن است و همانند اوراق قرضه سود تقسیم شده، بهره ناشی از قرض دادن پول نیست که حرمت شرعی داشته باشد.
۲. اعتبار اوراق قرضه به اعتبار صادرکننده یا ناشر آن وابسته است و با آن سنجیده می‌شود در حالی که اعتبار صکوک به ناشر بستگی ندارد، بلکه به ارزش دارایی پشتوانه بستگی دارد.
۳. فروش صکوک در بازار ثانویه فروش سند مالکیت یک دارایی است اما فروش اوراق قرضه فروش سند بدهی است.
۴. در صکوک امکان افزایش ارزش دارایی فیزیکی و در نتیجه افزایش ارزش خود ورقه صکوک وجود دارد در حالی که اصل بدهی در اوراق قرضه قابلیت افزایش ندارد. همچنین در صکوک امکان کاهش ارزش دارایی فیزیکی و در نتیجه کاهش ارزش ورقه صکوک وجود دارد، ولی همانگونه که گفته شد این خطر با دادن یک اختیار فروش به خریدار اوراق از بین می‌رود. یعنی در هنگام سررسید اوراق، اگر قیمت دارایی کاهش یافته بود، شرکت بانی موظف است که اوراق را به قیمت اسمی اولیه (یا هر قیمتی که در اختیار فروش توافق شده است) باز خرید کند.

### کج مثال ۹: کدام گزینه در خصوص «صکوک» در اقتصاد اسلامی صحیح است؟

- ۱) در اوراق صکوک یک دارایی مشخص فیزیکی درگیر می‌شود.
- ۲) گواهی صکوک به یک شکل و نوع تعریف شده است.
- ۳) گواهی صکوک در عقد مضاربه کاربردی ندارد.
- ۴) صکوک اجاره برای اجاره کردن یک مکان خاص برای انجام امور اقتصادی اطلاق می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» در اوراق صکوک یک دارایی فیزیکی درگیر می‌شود و انواع صکوک به صورت صکوک اجاره‌ای، مضاربه، استصناع و غیره می‌تواند تعریف شود. در صکوک اجاره در واقع برای تأمین مالی ممکن است یک دارایی به اجاره داده شود و ارزشی از آن به صورت وام دریافت شود.

### کج مثال ۱۰: کدام گزینه در مورد صکوک اجاره صحیح است؟

- ۱) قرارداد اجاره در مورد فروش دارایی مورد اجاره، برای موجر محدودیتی به وجود نمی‌آورد.
- ۲) در قرارداد اجاره، اجاره‌بها به صورت سالانه تعریف می‌شود.
- ۳) مدت زمان اجاره باید محدود باشد.
- ۴) اجاره‌بها باید به صورت نقد پرداخت شود.

پاسخ: گزینه «۱» در قرارداد صکوک اجاره، اجاره‌بها هفتگی، ماهانه و سالانه و هر شکل دیگری قابل تعریف است. مدت اجاره محدودیتی ندارد و لزومی به پرداخت نقدی اجاره‌بها نیست.